



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

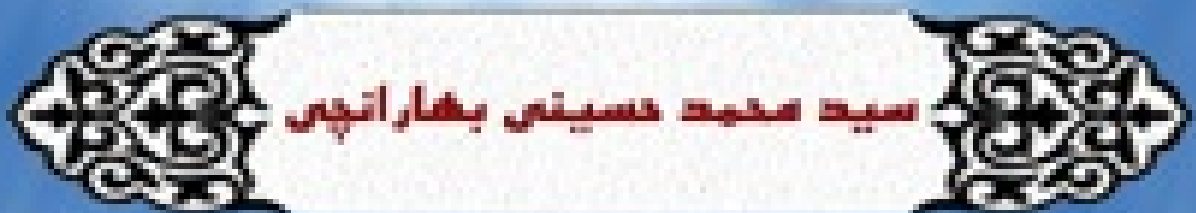
.ir



عالم احوال کیمت من دار میان شده، چو نای گشته نوح

در میان قوم اوست، هر که بر آن سوار شده، نجات یافت

و هر که از آن باز ماند، غرق گشت



سید محمد حسینی بفار انجی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه نجات

نویسنده:

محمد حسینی بهارانچی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	راه نجات
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	فهرست مطالب
۱۴	خطبه الكتاب
۱۵	انگیزه تألیف
۱۷	مقام و منزلت اهل البيت(عليهم السلام) نزد خداوند
۲۰	فضایل اهل البيت(عليهم السلام) از زبان معصومین(عليهم السلام)
۲۲	اهمیت ارتباط با آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم)
۲۷	ائمه هدایت و ائمه ضلالت
۲۹	راه های ارتباط با محمد و آل محمد(عليهم الصلاه و السلام)
۴۲	شکر نعمت ولایت آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم)
۴۸	ولایت محمد و آل محمد و نجات در دنیا و آخرت
۵۰	برکات دوستی با آل محمد(عليهم السلام)
۵۴	محبت اهل البيت(عليهم السلام) و ارفاق ملک الموت
۵۹	در قیامت هر جمعیتی را با امام و پیشوای آنان صدا می زنند
۶۱	زیارت قبور رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین(عليهم السلام)
۶۴	ثواب زیارت امیرالمؤمنین(علیه السلام)
۶۵	ثواب زیارت امام حسین(علیه السلام) روز عاشورا
۶۵	ثواب زیارت امام حسین(علیه السلام) روز عرفه
۶۷	زیارت امام حسین(علیه السلام) روز اول رجب و اول شعبان و نصف آن ها
۶۹	زیارت امام حسین(علیه السلام) در کربلا شب اول و وسط و شب قدر و شب آخر ماه رمضان
۷۱	زیارت امام حسین(علیه السلام) روز عاشورا

- ۷۱ عنایات آل محمّد(علیهم السلام) به شیعیان و دوستان خود
- ۷۷ بشارت های رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلّم) درباره شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین(علیه السلام)
- ۸۱ انتظار فرج آل محمّد(صلوات الله علیهم اجمعین)
- ۸۵ دعا برای فرج آل محمّد(صلوات الله علیهم اجمعین)
- ۸۶ استغاثه به حضرت مهدی و ائمه دیگر(علیهم السلام)
- ۸۹ صلوات بر محمّد و آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین
- ۹۱ نگاه به چهره مبارک امیرالمؤمنین(علیه السلام)
- ۹۳ نگاه به ذریه رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلّم)
- ۹۳ نجات ذریه فاطمه(علیها السلام) و منسوبین او از آتش دوزخ
- ۹۷ مجالس ذکر آل محمّد(علیهم السلام)
- ۹۹ نشستن در مجالس ذکر خداوند
- ۱۰۰ ذکر فضائل و مصائب آل محمّد(صلوات الله علیهم اجمعین)
- ۱۰۳ مذاکره احادیث و احیای معارف اهل البیت(علیهم السلام)
- ۱۰۶ صلّه و احسان به آل محمّد(علیهم السلام) و شیعیان آنان
- ۱۱۰ اقامه مجالس عزّا برای مصائب محمّد آل محمّد(علیهم السلام)
- ۱۱۵ گریه برای مظلومیت اهل البیت به ویژه سیدالشهداء و عزیزان و اهل البیت آن حضرت(علیهم السلام)
- ۱۱۷ خواندن شعر در مصائب امام حسین(علیه السلام)
- ۱۱۸ پاداش یاد امام حسین(علیه السلام)
- ۱۱۹ پاداش غم و اندوه در مصائب آل محمّد(صلی الله علیه و آله و سلّم)
- ۱۲۱ پاداش لعنت بر قاتلین امام حسین(علیه السلام)
- ۱۲۲ اسباب دوری از محمّد و آل محمّد(علیهم السلام)
- ۱۲۵ راه های جدا شدن از آل محمّد(صلوات الله علیهم اجمعین) به طور تفصیل
- ۱۳۹ آزار به محمّد و آل محمّد(علیهم السلام)
- ۱۴۱ آزار به حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)
- ۱۴۲ ناله حضرت فاطمه(علیها السلام) در قیامت
- ۱۴۳ ورود فاطمه(علیها السلام) به صحرای محشر

آزار به امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۴۷

آزار به اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۵۰

آزار به شیعیان محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۵۱

درباره مرکز ۱۵۴

سرشناسه: حسینی، محمد، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور: راه نجات / تالیف سید محمد حسینی بهارانچی

مشخصات نشر: دیجیتالی / مرکز تحقیقات یارانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص.

زبان: فارسی

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: چاپ قبلی: محمد حسینی، ۱۳۷۹.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، اهل بیت علیهم السلام

موضوع: ولایت

موضوع: زیارت

موضوع: محشر و قیامت

ص: ۱

راه نجات

تالیف سید محمد حسینی بهارانچی

ص: ۲

فهرست مطالب

خطبه الكتاب

انگیزه تألیف

مقام و منزلت اهل البيت (علیهمالسلام) نزد خداوند

فضایل اهل البيت (علیهمالسلام) از زبان معصومین (علیهمالسلام)

اهمیت ارتباط با آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

ائمه هدایت و ائمه ضلالت

راههای ارتباط با محمد و آل محمد (علیهم الصلاه و السلام)

شکر نعمت ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

ولایت محمد و آل محمد و نجات در دنیا و آخرت

برکات دوستی با آل محمد (علیهمالسلام)

محبت اهل البيت (علیهمالسلام) و ارفاق ملک الموت

در قیامت هر جمعیتی را با امام و پیشوای آنان صدا میزنند

زیارت قبور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهمالسلام)

ثواب زیارت امیرالمؤمنین (علیهالسلام)

ثواب زیارت امام حسین (علیهالسلام) روز عاشورا

ثواب زیارت امام حسین (علیهالسلام) روز عرفه

زیارت امام حسین (علیهالسلام) روز اول رجب و اول شعبان و نصف آنها

زیارت امام حسین (علیهالسلام) در کربلا شب اول و وسط و شب قدر و شب آخر ماه رمضان

زیارت امام حسین (علیهالسلام) روز عاشورا

عنايات آل محمّد (عليهما السلام) به شيعیان و دوستان خود

بشارت‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره شيعیان و دوستان امیرالمؤمنین (عليهما السلام)

انتظار فرج آل محمّد (صلوات الله عليهم اجمعین)

دعا برای فرج آل محمّد (صلوات الله عليهم اجمعین)

استغاثه به حضرت مهدی و ائمه دیگر (عليهما السلام)

صلوات بر محمّد و آل محمّد صلوات الله عليهم اجمعین

نگاه به چهره مبارک امیرالمؤمنین (عليهما السلام)

نگاه به ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

نجات ذریه فاطمه (عليها السلام) و منسوبین او از آتش دوزخ

مجالس ذکر آل محمّد (عليهما السلام)

نشستن در مجالس ذکر خداوند

ذکر فضائل و مصائب آل محمّد (صلوات الله عليهم اجمعین)

مذاکره احادیث و احیای معارف اهل‌البیت (عليهما السلام)

صله و احسان به آل محمّد (عليهما السلام) و شيعیان آنان

اقامه مجالس عزا برای مصائب محمّد آل محمّد (عليهما السلام)

گریه برای مظلومیت اهل‌البیت به ویژه سیدالشهداء و عزیزان و اهل‌البیت آن حضرت (عليهما السلام)

خواندن شعر در مصائب امام حسین (عليها السلام)

پاداش یاد امام حسین (عليها السلام)

پاداش غم و اندوه در مصائب آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم)

پاداش لعنت بر قاتلین امام حسین (عليها السلام)

اسباب دوری از محمّد و آل محمّد (علیهمالسلام)

راههای جدا شدن از آل محمّد (صلوات الله علیهم اجمعین) به طور تفصیل

آزار به محمّد و آل محمّد (علیهمالسلام)

آزار به حضرت فاطمه زهرا (علیهاالسلام)

ناله حضرت فاطمه (علیهاالسلام) در قیامت

ورود فاطمه (علیهاالسلام) به صحرای محشر

آزار به امیرالمؤمنین (علیهاالسلام)

آزار به اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم)

آزار به شیعیان محمّد و آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلّم)

قال الله سبحانه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَلَا عِبَاءً مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (١)

وقال سبحانه: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (٢)

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (٣)

وقال صلى الله عليه وآله وسلم: «إِنَّ مِثْلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي مِثْلَ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ رَكْبِهَا نَجَى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (٤)

وقال صلى الله عليه وآله وسلم: «أَنَّ أُمَّهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ افْتَرَقَتْ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، فَرَقَهُ مِنْهَا نَاجِيَهُ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ، وَافْتَرَقَتْ أُمَّهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَهُ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، فَرَقَهُ مِنْهَا نَاجِيَهُ وَاحِدَى سَبْعُونَ فِي النَّارِ، وَدَنَّ أُمَّتِي سِتْفَتَرَقَ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، فَرَقَهُ مِنْهَا نَاجِيَهُ وَاثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ» (٥)

ص: ٤

١- - مائده/٥٧-٥٥.

٢- - بقره/ ٢٥٧-٢٥٦.

٣- - مسند احمد بن حنبل ج ٣/١٤.

٤- - كتاب سليم بن قيس، ص ١٢٧.

٥- - خصال ص ٥٨٥.

الحمد لله الذي خصَّ محمّداً و آله عليهم السلام بالكرامه، و جباهم بالرساله، و خصّصهم بالوسيله، و جعلهم ورثه الإنبياء، و ختم بهم الأوصياء و الأئمه، و علّمهم علم ما كان و ما بقى «جعل أفئدة من الناس من تهوى اليهم».

اللّهمّ فصلّ على محمّد و آله الطاهرين، و افعل بنا ما انت أهله في الدين و الدنيا و الآخرة، أنّك على كلّ شيءٍ قدير، و صلّ على أتباع الرسل و مصدّقيهم من أهل الأرض بالغيب عند معارضة المعاندين لهم بالتكذيب، و الإشتياق إلى المرسلين بحقايق الإيمان، في كل دهرٍ و زمانٍ أرسلت فيه رسولاً، و أقمت لأهله دليلاً من لدن آدم إلى محمّد (صلى الله عليه و آله و سلّم) من أئمة الهدى، و قاده أهل التقى على جميعهم السلام، فاذا كرههم منك بمغفره و رضوانٍ.

اللّهمّ و أصحاب محمّدٍ خاصه، الذين أحسنوا الصحابه و الذين أبلوا البلاء الحسن في نصره، و كافوه و أسرعوا إلى وفاته، و سابقوا إلى دعوته، و استجابوا له حيث أسمعهم حجه رسالاته، و فارقوا الأزواج و الأولاد في اظهار كلمته، و قاتلوا الأبناء و الأبناء في تثبيت نبوته، و انتصروا به، و من كانوا منطوين على محبته، يرجون تجاره لن تبور في مودته، و الذين هجرتهم العشائر إذا تعلقوا بعروته، و انتفت منهم القربات و إذا سكنوا في ظلّ قرابته.

اللّهمّ فأرضهم من رضوانك، و أوصل إلى التابعين لهم بإحسان، الذين « يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ » اللّهمّ و صلّ على التابعين من يومنا هذا إلى يوم الدين». (1)

ص: ٥

هدف از تألیف این کتاب، یادآوری دوستان و شیعیان اهل البیت (علیهم السلام) نسبت به خاندان نبوت و وظیفه سنگین قبول ولایت و اطاعت و موذت و انتظار فرج و کسب معارف از آن بزرگواران و نشر مکتب علوی و اتصال و کسب فیض از منبع نورانی هادیان راه حق و کشتی های نجات امت می باشد، چرا که خداوند ارتباط و اتصال با آنان را در آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۱)

بر ما واجب نموده و رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نجات ما را مشروط به تمسک به کتاب خدا و عترت و اهل بیت خود نموده می فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مَا ان تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» و مفهوم این حدیث متواتر این است که اگر ما از قرآن و عترت پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) دور شویم گمراه خواهیم شد، و همان گونه که قرآن هادی و نور و برهان و تبیان کل شیء و صراط مستقیم و ... می باشد اهل البیت (علیهم السلام) نیز چنین خواهند بود، و هرگز کسی بدون راهنمایی آنان نجات نخواهد یافت، و مثل آنان مثل کشتی نوح است، و هر کس داخل ولایت آنان نشود هلاک خواهد شد، چرا که آنان با حق هستند و حق با آنان است و هر کجا آنان باشند، حق همانجا خواهد بود، و هر کس به طرف آنان برود نجات می یابد، و هر کس به طرف دیگران برود هلاک خواهد شد، و راه نجات منحصر به پذیرش امامت و ولایت آنان است، و بدون آنان، حتی قرآن، هادی و راهنمای کسی نخواهد بود، چرا که آنان مبینین و مفسرین قرآنند و اسرار قرآن را جز آنان کسی نمی داند، و آنان با قرآنند و قرآن با آنان است.، از این رو این طلبه ناچیز به خاطر آنچه گذشت، خواستم به دوستان اهل البیت (علیهم السلام) یادآوری کنم که هر چه می توانند خود را به این خانواده نزدیک کنند، و از این منبع خیر و برکت و هدایت و سعادت، دور نمانند، و مجالس خود را با ذکر فضایل و معارف این خانواده، نورانی و پر برکت نمایند، چرا که در این زمان که زمان غیبت کبری و دارای فسادهای بی شمار و انحراف های فراوان است، راهی برای نجات جز توسل و تمسک به قرآن و به خاندان نبوت نیست و اگر ما از راهنمایی ها و سیره و سخنانشان بی بهره باشیم، همان گونه که فرمودند، دزدان دین، در آخر الزمان ما را به گمراهی خواهند برد، همانگونه که امروز مشاهده می کنیم، از خداوند منان به آبروی محمد و آل محمد (علیهم السلام) می

ص: ۶

خواهیم که از عارفین به حق آنان و از مرحومین به شفاعتشان باشیم، و تا زنده هستیم از آنان جدا نشویم و خداوند ولایت و محبت و اطاعت و زیارت و دولت حقه آنان را در دنیا، و شفاعت شان را در قیامت نصیب ما بفرماید، و له الحمد اولاً و آخراً و شکراً جزیلاً أبداً سرمداً.

۸ ذی الحجه ۱۴۳۷، ۲۰ شهریور ۱۳۹۵.

خادم اهل البیت سید محمد (سید قاسم) حسینی بهارانچی

ص: ۷

مقام و منزلت اهل البيت (عليهم السلام) نزد خداوند

احدی جز خداوند و رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت (صلوات الله علیهم اجمعین) آنچه را که آنان درباره خویش فرموده اند، و یا خدا و رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را به آن توصیف نموده اند.

خداوند در آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۱)

اوصیای پیامبر خود را «صادقین» نامیده و به مردم فرموده است: از آنان جدا نشوید و در آیه «إِنَّمَا وَرِثَتُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (۲)

آنان را همانند رسول خود ولی مردم معرفی نموده و ولایت دیگران را با کلمه «إِنَّمَا» نفی کرده است.

و در آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۳)

در تفسیر قمی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: این آیه مربوط به همه ائمه از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و خداوند به حضرت مهدی (علیه السلام) و یاران او سلطنت روی زمین را عطا خواهد نمود ... و آیه فوق از آیات رجعت نیز می باشد.

و در آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (۴)

مرحوم علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود گوید: مقصود این است که اگر امام شما غایب و پنهان شد، چه کسی برای شما امامی همانند او را خواهد آورد؟ سپس این معنا را به حضرت رضا (علیه السلام) منسوب می نماید و می گوید: مقصود از «ماؤکم» درهایی است که برای شما به سوی ائمه (علیهم السلام) باز می شود، چرا که ائمه (علیهم السلام) درهای رحمت خدا هستند، و اگر امامان معصوم از بین شما بروند، کسی آب گوارای علم و دانش را برای شما فراهم نمی کند؟

و در آیه «وَ عِدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (۵)

ص: ۸

۱- - توبه / ۱۱۹.

۲- - مائده / ۵۵.

۳- - حج / ۴۱.

۴- - ملک / ۳۰.

۵- - نور / ۵۵.

در تفسیر صافی از کتاب کافی نقل شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: مقصود از این آیه ائمه (علیهم السلام) هستند.

و در تفسیر آیه «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۱) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بحار الانوار از غیبت طوسی نقل شده که فرمود: مقصود از این آیه آل محمد (علیهم السلام) هستند. (۲)

و در تفسیر آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً» روایات فراوانی آمده که مقصود از اهل البیت، فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان او هستند.

و ما آیات مربوط به ائمه (علیهم السلام) را در کتاب «آیات الفضایل» و کتاب «دوله المهدی» جمع آوری نمودیم و خداوند در این آیات تصریح به نام آنان نکرده است، چرا که اگر چنین می کرد مخالفین، این آیات را از قرآن حذف می کردند. و لکن ائمه (علیهم السلام) این گونه آیات را از نظر تأویل و معانی واقعی و بطور و اسراری که در آنها نهفته است بیان نموده اند و بر اهل قرآن واجب است که از اسرار آیات الهی آگاه شوند و به ترجمه ظاهری آن اکتفا نکنند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نجات امت خود را مربوط به تمسک به قرآن و عترت و اهل بیت خود نموده و می فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي مَا ان تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (۳)

و این حدیث بین همه مسلمانان پذیرفته شده و متواتر و مسلم است. در کتاب کافی از ابوبصیر نقل شده که گوید: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۴) فرمود: این آیه درباره علی بن ابیطالب و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شد.

ابوبصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: به آنان بگو: همان گونه که خداوند نماز را بر رسول خود نازل نمود و فرمود: کدام نماز سه رکعت یا چهار رکعت است، تا این که رسول خدا (صلی الله علیه

ص: ۹

۱- - قصص / ۵۵.

۲- - بحار الانوار جلد ۵۱ ص ۵۴

۳- - مسند احمد بن حنبل، ج ۳/۱۴.

۴- - نساء/ ۵۹.

و آله و سلم) برای مردم تفسیر و تبیین نمود و نیز زکات را نازل نمود و نصاب آن را بیان نکرد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) حدود آن را بیان نمود. و نیز آیات حج را نازل نمود و فرمود: هفت دور، دور کعبه طواف کنید، و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) آن را برای مردم بیان نمود. و نیز آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۱) را نازل نمود و مقصود از «أولى الأمر» را بیان نکرد تا این که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: این آیه درباره علی و حسن و حسین(علیهم السلام) نازل شد، و درباره علی(علیه السلام) فرمود: «من كنت مولاه فعلى مولاه» و فرمود: أوصيكم بكتاب الله و أهل بيته ... یعنی من شما را نسبت به کتاب خدا و اهل بیت خود سفارش می کنم، و خداوند خواسته ام که بین کتاب خود و اهل بیت من جدایی قرار ندهد تا آنان در قیامت کنار حوض کوثر نزد من حاضر کنند، و خداوند دعای مرا مستجاب نموده است.

و نیز فرمود: « شما به اهل بیت من چیزی را تعلیم نکنید، چرا که آنان دانایانتر از شما هستند، و فرمود: اهل بیت من هرگز شما را از مسیر حق جدا نمی کنند، و در باطل داخل نمی کنند» و اگر رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) ساکت می بود و نمی فرمود: اهل بیت من چه کسانی هستند، آل فلان و آل فلان ادعا می کردند که «ما اهل بیت آن حضرت هستیم» از این رو پس از نزول آیه تطهیر رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) علی و فاطمه و حسن و حسین(علیهم السلام) را در بیت ام سلمه زیر کساء قرار داد و فرمود: خدایا هر پیامبری را اهل بیت، و این ها اهل بیت من هستند» و چون ام سلمه عرض کرد: آیا من از اهل بیت من هستم؟

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: تو در مسیر خیر و سعادت هستی و لکن اهل بیت من این ها هستند» از این رو هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رحلت نمود تنها علی(علیه السلام) ولایت بر مردم داشت، چرا که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فراوان او را به عنوان امام و جانشین خود معرفی نمود بلکه در غدیر خم دست او را گرفته و بالا برده بود [و فرموده بود: من كنت مولاه فعلى مولاه...]

و هنگامی که علی(علیه السلام) از دنیا رحلت نمود احدی جز حسن و حسین لایق امامت نبودند، چرا که اگر علی(علیه السلام) فرزندان دیگر خود را برای امامت معرفی می نمود، حسن و

ص: ۱۰

حسین (علیهما السلام) حق داشتند به پدر خود بگویند: «خداوند همان گونه که امر به اطاعت از شما نموده امر به اطاعت از ما نیز نموده است، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز همان گونه درباره شما ابلاغ رسالت کرده درباره ما نیز ابلاغ رسالت نموده است، و همان گونه که شما از رجس و ناپاکی دور نموده، ما را نیز از رجس و ناپاکی دور کرده است»

بنابراین پس از علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام) که فرزند بزرگتر او بوده سزاوار امامت و خلافت بوده است، و اما حسن (علیه السلام) نیز نمی خواسته جز برادر خود امام حسین (علیه السلام) را خلیفه و جانشین خود معرفی نماید، چرا که خداوند می فرماید: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (۱)

و گرنه امام حسین (علیه السلام) می توانست بگوید: خداوند همان گونه که امر به اطاعت از تو نموده، امر به اطاعت از من نیز نموده است ... (۲) (نمونه، فما له لم یسم علیاً و اهل بیته)

فضایل اهل البیت (علیهم السلام) از زبان معصومین (علیهم السلام)

مولف گوید کوتاه ترین و زیباترین فضائل اهل البیت (علیهم السلام) از زیارت جامعه و صلوات شعبانیه استفاده می شود، اگر چه در لابه لای سخنانان معصومین (علیهم السلام) و تفسیر آیات فراوانی از قرآن نیز فضائل آن بزرگواران دیده می شود، و ما در کتاب «آیات الفضائل» و «تفسیر اهل البیت علیهم السلام» در حدّ توان و استعداد خود فضائل آنان را بیان نمودیم و لکن در این کتاب زیارت جامعه و صلوات شعبانیه را بیان می کنیم و نقول مستعیناً بالله: و لا حول و لا قوه إلا بالله العلیّ العظیم.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: همواره [جدم] علی بن الحسین (علیهما السلام) هنگامی که ظهر می شد دو رکعت نماز [مستحبی] می خواند و سپس نماز ظهر را می خواند و پس از آن دعا می کرد و بر پیامبر خدا و آل آن حضرت (صلوات الله علیهم اجمعین) صلوات می فرستاد و می فرمود: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مَخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ ...» (۳)

و اگر تامل شود، این صلوات مقام و منزلت فضائل اهل البیت (علیهم السلام) را با زیباترین مفهوم و عبارت بیان نموده است. و در زیارت جامعه کبیره نیز - که از امام هادی (علیه السلام) نقل شده - فرازهای

ص: ۱۱

۱- - انفال/۷۵.

۲- - کافی، ج ۱/۲۸۶ ح ۱.

۳- - صحیفه سجادیه، ص ۵۲.

فراوانی وجود دارد که مقام و منزلت اهل البیت (علیهم السلام) را آشکار می نماید، از این رو ما این زیارت را در پاورقی بیان می کنیم تا دوستانشان توجه بیشتری به مقام و منزلت و فضائل آنان پیدا کنند.

مرحوم محمد بن مشهدی در مزار کبیر - در باب زیارات جامعه که برای همه ائمه (علیهم السلام) خوانده می شود - با سند صحیح و متصّل از موسی بن عمران نخعی نقل نمود که گوید: به حضرت علی بن محمّد هادی (علیه السلام) عرض کردم: «زیارت کامل و بلیغی را به من تعلیم کنید، تا هر کدام از شما را به وسیله آن زیارت نمایم و آن حضرت فرمود: هنگامی که به درب حرم رسیدی به ایست و شهادتین بگو و با غسل زیارت داخل شو و چون قبر مبارک را دیدی باز به ایست و سی مرتبه «الله اکبر» بگو، سپس با آرامش و وقار کمی جلوتر می روی و می ایستی و باز سی مرتبه «الله اکبر» می گویی و سپس به قبر نزدیک می شوی و چهل مرتبه «الله اکبر» می گویی تا یکصد مرتبه کامل شود و سپس می گویی:

«السلام علیکم یا اهل بیت النبوه...» و اگر کسی این زیارت را با توجه و معرفت بخواند جمیع فضائل اهل البیت (علیهم السلام) را بیان نموده و اگر به مضامین آن اعتقاد داشته باشد عارف به مقام اهل البیت (علیهم السلام) می باشد. رزقنا الله زیارتهم إن شاء الله. (۱)

(نمونه، یا اهل بیت النبوه)

مرحوم شیخ طوسی در امالی با سند خود از رافع غلام ابوذر نقل نموده که گوید: ابوذر از پله کعبه بالا رفت و حلقه کعبه را گرفت و سپس پشت به کعبه نمود و گفت: ای مردم هر کس مرا نمی شناسد، من ابوذر هستم و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) شنیدم که می فرمود: مثل اهل بیت من در این امت مثل کشتی نوح است، کسی که سوار کشتی شد نجات یافت و کسی که کشتی را رها کرد هلاک شد.

سپس گفت: من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) شنیدم که می فرمود: اهل بیت من را به منزله سر نسبت به جسد، و به منزله چشم ها نسبت به سر بدانید، و همان گونه که جسد انسان بدون سر هدایت نمی شود، و سر نیز بدون چشم ها هدایت نمی شوند، مردم نیز بدون اهل بیت من هدایت نمی شوند. (۲)

(نمونه، اجعلوا اهل بیتی منکم مکان)

مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف نیز از صحیح مسلم نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: ای مردم آگاه باشید که من بشری هستم و اکنون مرگ من نزدیک شده و فرستاده

ص: ۱۲

۱- - مزار این مشهدی، ص ۵۲۵.

۲- - امالی طوسی، ص ۴۸۲.

پروردگارم برای قبض روح من می آید، و من باید دعوت پروردگار خود را اجابت کنم، و من دو چیز سنگین و گرانسنگ را بین شما می گذارم، اول آن ها کتاب خداست که در آن نور و هدایت است، و شما باید به کتاب خدا تمسک کنید و آن را وسیله نجات خود قرار بدهید، و دوم اهل بیت من می باشند. سپس فرمود: «أذکرکم الله فی اهل بیته، اذکرکم الله فی اهل بیته، یعنی خدا را به یاد بیاورید نسبت به اهل بیت من، خدا را به یاد بیاورید نسبت به اهل بیت من، خدا را به یاد بیاورید نسبت به اهل بیت من». (۱)

(نمونه، اذکرکم الله فی اهل بیته)

شیخ طوسی گوید: خداوند پیامبر اعظم خود (صلی الله علیه و آله و سلم) را همتا و عدل قرآن قرار داده، و می فرماید: همان گونه که به کتاب خدا باید تمسک کنید، به اهل بیت من نیز باید تمسک نمایید، و به دستورات آنان عمل کنید و به فرموده ها و افعال آنان تأسی نمایید، و بدانید که قرآن و اهل بیت من تا قیامت در اعتبار و حجیت متلازم و همتای همدیگرند، چرا که فرمود: «حتی یردا علی الحوض» و برای آنان که به اقوال و افعال آنان اعتنائی ندارند عذری نخواهد بود و قندوزی حنفی از عمر بن خطاب نقل کرده که گوید: هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بین مردم برادری برقرار نمود فرمود: علی در دنیا و آخرت برادر من است و او خلیفه و وصی من و وارث علم من و قاضی دین من است در این امت، و مال او مال من و مال من مال اوست، و نفع او نفع من و ضرر او ضرر من است و کسی که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است. (۲)

(نمونه، هذا علی اخی فی الدنيا و الآخرة)

اهمیت ارتباط با آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

معرفت به امام معصوم (علیه السلام) به قدری مهم است که اگر کسی دیانت خود را بدون راهنمایی امام - من عندالله - انجام بدهد، گمراه تر از هر کسی خواهد بود، و چنین کسی دین خود را با پیروی از هوای نفسانی خویش عمل نموده، و هرگز از او پذیرفته نمی شود، از این رو امام کاظم (علیه السلام) در

ص: ۱۳

۱- - خلافت، ج ۱/۲۸.

۲- - خلافت، ج ۱/۲۸، ینابیع المودّه، ص ۲۹۹.

تفسیر آیه «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» (۱)

فرمود: گمراه تر از همه مردم کسی است که دین خود را با هوای نفسانی خویش انجام بدهد و از یکی از امامان از ائمه هدی (علیهم السلام) پیروی نکند. (۲) (نمونه، اتخاذ دینه را آیه)

محمدبن مسلم گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: کسی که با کوشش فراوان، خدا را عبادت کند، و امامی از طرف خداوند راهنمای او نباشد، کوشش او پذیرفته نیست و او گمراه و متحیر خواهد ماند و خداوند نسبت به اعمال او خشمگین است.

و مثل او مثل گوسفندی است که چوپان و گله خود را گم کرده باشند، و به این سو و آن سو فرار کند و چون شب فرا می رسد به گله دیگری وارد شود که چوپان آن دیگری است، و چون صبح شود چوپان بر او فریاد زند: که به گله خود ملحق شود و او ترسان و متحیر بماند و ناگهان گرگی برسد و او را طعمه خود کند. سپس فرمود: به خدا سوگند ای محمدبن مسلم هر کس از این امت نیز دیانت خود را بدون امام من عندالله عزوجل عمل کند، گمراه و سرگردان خواهد ماند، و اگر با این حال بمیرد با کفر و نفاق مرده است.

تا این که فرمود: ای محمدبن مسلم بدان که پیشوایان ستمکار و پیروانشان از دین خدا دور هستند و گمراه شده اند و دیگران را نیز گمراه کرده اند، و اعمال آنان در قیامت مانند خاکستری است که باد تندی بر آن بوزد و چیزی از آن نتواند به دست آورند و این گمراهی سختی خواهد بود. (۳)

(نمونه، و هو ضال متحیر)

عبدالله بن ابی یعفور گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من با این مردم - یعنی مخالفین شما - رفت و آمد دارم و بسیار تعجب می کنم که آنان امامت شما را نپذیرفته اند و امامت اولی و دومی [یعنی ابوبکر و عمر] را پذیرفته اند و اهل امانتداری و راستی و وفای به عهد و پیمان خود نیستند، و کسانی را نیز می شناسم که ولایت و امامت شما را پذیرفته اند و اهل امانت و راستی و وفای به عهد و پیمان خود نیستند؟

ص: ۱۴

۱- - قصص ۵۰/.

۲- - کافی ج ۱/۳۷۴ ح ۱.

۳- - همان، ص ۳۷۵ ح ۲.

عبدالله بن ابی یعفور گوید: امام صادق(علیه السلام) با شنیدن سخنان من بر آشفت و نشست و خشمگین شد و فرمود: دین ندارد کسی که دیانت خود را با ولایت امام جائز و ظالم - که منصوب از طرف خداوند نیست - انجام می دهد، و باکی نیست بر کسی که دیانت خود را با ولایت و راهنمایی امام عادل و منصوب از طرف خداوند انجام می دهد. گفتم: آیا راستی آن ها دین ندارند، و بر این ها باکی نیست؟ فرمود: مگر تو سخن خدای عزوجل را نشنیده ای که می فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»(۱)

یعنی خداوند مؤمنین [و شیعیان ما] را از تاریکی های گناهان خارج می کند و به نور توبه و مغفرت داخل می نماید، و این به خاطر پذیرفتن ولایت امام عادل من عندالله است، و درباره دیگران خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» و مقصود این است که پیروان طاغوت ها، اول دارای نور اسلام بودند و چون ولایت امام جائز را پذیرفتند از نور اسلام خارج و به ظلمات و تاریکی های کفر وارد شدند، از این رو خداوند آنان را همانند کفار داخل آتش نمود و آتش را بر آنان واجب کرد، چنان که می فرماید: «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»(۲). (نمونه، و يتولون فلاناً و فلاناً)

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: خداوند تبارک و تعالی سوگند یاد نمود و می فرماید: من هر مسلمانی که دیانت خود را با پذیرفتن ولایت هر امام جائز و ستمگری - که منصوب از ناحیه خداوند نیست - انجام بدهد، من او را عذاب خواهم نمود، گرچه اعمال او نیک و پسندیده باشد، و نیز سوگند یاد نموده، که از هر مسلمانی که دیانت خود را با ولایت و پیروی از هر امام عادلی - که از ناحیه خداوند منصوب شده - انجام بدهد، بگذرد و او را عفو نماید، گرچه گنهکار و اهل ظلم باشد.(۳)
(نمونه، کل امام جائز)

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس بمیرد و به امام عادل [که از ناحیه خداوند باشد] اقتدا نکرده باشد، مردن او مردن زمان جاهلیت است. فضیل بن یسار گوید: به امام صادق(علیه السلام) گفتم: آیا رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) چنین چیزی را فرموده است؟ فرمود: به خدا سوگند آری، گفتم: آیا هر که از دنیا برود و امام عادل برای او نباشد، مردن او مردن زمان جاهلیت است، فرمود: آری.(۴) (نمونه، و لیس علیه امام)

ص: ۱۵

۱- - بقره/۲۵۷.

۲- - همان، ص ۳۷۵ ح ۳

۳- - همان، ص ۳۷۶ ح ۵ و ۴

۴- - همان، ص ۳۷۶.

و در سخن دیگری امام صادق (علیه السلام) پس از نقل سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مردن او مردن جاهلیت و کفر و نفاق و ضلالت است. (۱) (نمونه، قال جاهلیت کفر و نفاق و ضلال)

مؤلف گوید: مشابه احادیث فوق فراوان است و ما از ذکر آن ها خودداری نمودیم.

تفسیر آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید از مخالفت خداوند پرهیزید و همواره با صادقین و راستکاران باشید و از آنان جدا نشوید.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: مقصود از «صادقین» در این آیه ما هستیم و خداوند ما را اراده نموده است. (۲)

(نمونه، قال ایانا عنی)

حضرت رضا (علیه السلام) نیز فرمود: مقصود از «صادقین» ائمه صدیقین هستند، و صدیقین بودن آنان به خاطر اطاعت از خداوند است. (۳)

(نمونه، الصدیقون بطاعتهم)

مؤلف گوید: آیه فوق اشاره دارد به این که با امامان غیر صادق رفت و آمد نکنید، و از آنان پرهیز نمایید، چرا که آنان امامان کفر هستند، و شما را به طرف عذاب و آتش دعوت می نمایند، از این رو در روایات آمده که همواره دو گونه امام، مردم را رهبری می کنند، ۱- امامان عدل از آل محمد (علیهم السلام)، ۲- امامان جور و ظلم از غیر آنان.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: در کتاب پدرم خواندم که ائمه در کتاب خدا دو گونه هستند: امامان هدایت، و امامان ضلالت، امامان هدایت، امر خداوند را مقدم بر امر خود می کنند، و امامان ضلالت، امر خود را مقدم بر امر خداوند می کنند، و حکم خود را نیز مقدم بر حکم خداوند می نمایند، و این به خاطر پیروی آنان از هوای نفس و مخالفت با کتاب خداوند است. (۴)

(نمونه، امام الهدی و امام الضلال)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: ائمه در کتاب خدا دو گروه اند چنان که خداوند می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (۵)

یعنی آنان به امر خداوند هدایت می کنند، نه به امر مردم، از این رو امر

- ١- - كافي، ج ٣٧٧/٣ ح ٣.
- ٢- - بصائر الدرجات، ص ٥١ ح ١.
- ٣- - همان، ح ٢.
- ٤- - همان، ص ٥٢.
- ٥- - انبياء/٧٣.

خداوند را مقدم بر امر مردم می کنند، و حکم خداوند را نیز مقدم بر حکم مردم می نمایند، و درباره امامان جور می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (۱)

یعنی آنان مردم را به طرف آتش دعوت می کنند، و امر خود را مقدم بر امر خداوند می کنند، و حکم خود را مقدم بر حکم خداوند می نمایند، و برخلاف حکم کتاب خدا، به هواهای نفسانی خود عمل می کنند. (۲)

(نمونه، یقدمون امر الله)

ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: همواره در دنیا دو امام وجود دارد: اما شایسته و امام فاجر، و خداوند درباره امام شایسته می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» و درباره امام جور می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (۳)

(نمونه، آلا و فیهما امامان)

ائمه هدايت و ائمه ضلالت

در قرآن ائمه ضلالت به نام جبت و طاغوت و فواحش نامیده شده اند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» نازل شد، مردم گفتند: یا رسول الله مگر شما امام همه مردم نیستند؟ فرمود: من رسول الله و فرستاده او هستم برای همه مردم، و لکن بعد از من امامانی از اهل بیت من از طرف خداوند برای مردم خواهند بود، و آنان قیام به امامت خود می نمایند. سپس فرمود: آگاه باشید که هر کسی ولایت امامان از اهل بیت مرا پذیرد و آنان را تصدیق کند و از آنان پیروی نماید از من خواهد بود، و زود است که در قیامت مرا ملاقات کند.

سپس فرمود: آگاه باشید که هر کس به آنان ظلم کند، و یا به ظالمین آنان کمک نماید و امامت آنان را تکذیب نماید، از من نخواهد بود، و مرا ملاقات نخواهد کرد، و من از او بیزار خواهم بود. (۴)

(نمونه، الست امام الناس)

محمد بن منصور گوید: از عبد صالح (موسی بن جعفر علیه السلام) درباره آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (۵) سوال کردم و آن حضرت فرمود: قرآن ظاهری دارد و باطنی دارد، و جمیع آنچه

ص: ۱۷

۱- - قصص ۴۱.

۲- - همان، ص ۵۲.

٣- - همان، ص ٥٢.

٤- - بصائر الدرجات، ص ٥٣.

٥- - اعراف/٣٣.

در قرآن حرام شده ظاهر آن است، و باطن آن ائمه جور هستند، و جمیع آنچه در قرآن حلال شده ظاهر قرآن است و باطن آن ائمه حق می باشند. (۱) (نمونه، و الباطن من ذلك ائمه الجور)

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ» (۲)

فرمود: مقصود از «جبت و طاغوت» اولی و دومی می باشد، که می گویند: «هؤلاء أهدى من الذين آمنوا سبيلاً» (۳)

یعنی می گویند: ائمه کفر و ضلالت - که مردم را به طرف آتش دعوت می کنند - هدایت یافته تر از ائمه از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و دوستانشان هستند» و خداوند درباره آنان می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيْرًا» (۴) (نمونه، يقولون لأئمة الضلال)

راه های ارتباط با محمد و آل محمد (علیهم الصلاه و السلام)

۱- دستگیری از ایتم آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) که از امام خود منقطع شده و راهی برای ارتباط با او ندارند تا احکام دین خود را از او دریافت کنند، بهترین راه ارتباط با محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و این معنا در برخی از زمان های معصومین (علیهم السلام) نیز که دسترسی به آنان وجود نداشته، محقق شده و در این زمان که زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) است نیز به طور کلی مشاهده می شود و اگر کسی بتواند عوام از شیعیان آنان را از نظر نیازهای دینی و احکام اعتقادی و حقوقی و اخلاقی و فقهی و سیاسی تأمین کند قطعاً سبب خشنودی شخص امام زمان (علیه السلام) خواهد شد، و اگر بتواند این خدمت را با مال دنیا معاوضه نکند چه نیکو خواهد بود، و این بهترین وسیله خشنودی خدا و رسول و ائمه طاهرین (علیهم السلام) می باشد. ولا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

از امام عسگری (علیه السلام) در تفسیر منسوب به آن حضرت نقل شده که می فرماید: پدرم از پدران خود (علیهم السلام) برای من حدیث نمود و فرمود: سخت از حال یتیمی که پدر خود را از دست داده

ص: ۱۸

۱- بصائر الدرجات، ص ۵۳.

۲- نساء/ ۵۱.

۳- نساء/ ۵۱.

۴- نساء/ ۵۲.

۵- همان، ص ۵۴.

حال یتیمی است که از امام خود منقطع گردیده و قدرت بر دسترسی به او را ندارد و احکام دینی مورد ابتلای خود را نمی داند، می باشد.

سپس فرمود: آگاه باشید، هر کس از شیعیان ما عالم به علوم ما باشد و از این گونه افراد که جاهل به احکام دین خود هستند و دسترسی به ما ندارند دستگیری کند، مانند این است که یتیمی را در دامن خود نگهداری کرده باشد، و اگر او را راهنمایی و هدایت و ارشاد کند و علوم ما را به او یاد بدهد، در قیامت در آن رفیق اعلی با ما خواهد بود. (۱)

(نمونه، اشد من یتیم الیتیم)

البته روایات فراوان دیگری نیز هست که پاداش ارشاد جاهل و نشر معارف دین و تعلیم علوم آل محمد (علیهم السلام) را بیان نموده و بر هر عالم و دانشمند دینی لازم دانسته که دانش خود را بین مردم منتشر نماید. و در تفسیر آیه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۲)

روایت شده که امام (علیه السلام) می فرماید: «وَمِمَّا عَلَّمْنَا هُمْ يَبْثُونَ» یعنی متقین و اهل تقوا کسانی هستند که دانش خود را به مردم تعلیم می دهند و منتشر می نمایند.

۲- رعایت تقوا و مواظبت از ایمان به خدا و ولایت و محبت اولیای او در زمان غیبت کار بسیار سختی است و اگر کسی در اعتقاد و عمل به دستورات دین ثابت بماند، پاداش پنجاه نفر از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که در جنگ بدر و احد شهید شده اند را خواهد داشت، چرا که دین داری در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) بسیار کار سختی است، و اکثر مردم در این زمان ها از حریم دیانت خارج می شوند و ولایت و محبت خود را نسبت به خاندان نبوت از دست می دهند و به دنبال هوسرانی و شهوات نفسانی می روند و اهل دیانت را استهزاء و مسخره می کنند، و بسیار ناچیزند کسانی که در این زمان بر اعتقادات و تقوای دینی خود ثابت بمانند از این رو کسی که با دیانت صحیح در این زمان از دنیا می رود ملائکه از او تعجب می کنند. أعاذنا الله من فتن آخر الزمان.

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: کسی که در زمان غیبت قائم ما با ولایت ما از دنیا برود خداوند عزوجل پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد را به عطا خواهد نمود. (۳) (نمونه، من مات علی موالاتنا)

ص: ۱۹

۱- مستدرک الوسایل، ج ۱۷/۳۱۷ ح ۲۱۴۵۹.

۲- بقره/۵.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲/۱۷۳، دعوات راوندی، ص ۲۷۴.

از این رو ائمه معصومین (علیهم السلام) از این گونه افراد با تقوا و اهل ولایت و محبت خاندان نبوت خشنود بوده و به آنان شدیداً اظهار علاقه می نموده اند و در روایت از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که علی بن عبدالعزیز فرمود: من روح شما و بوی شما و دیدن شما و زیارت شما را دوست می دارم، چرا که شما بر دین خدا و دین ملائکه خدا هستید، پس برای حفظ دین خود ورع و تقوا را رعایت کنید، و من با این که در مدینه هستم شما را جزء عشیره و فامیل خویش می دانم و به جستجوی شما هستم تا یکی از شما را بیابم و با او انس بگیرم.

سپس فرمود: به خدا سوگند هر بنده ای که خدا و رسول او را دوست می دارد و ولایت ائمه بعد از آن حضرت را پذیرفته باشد هرگز پس از مردن اهل آتش نخواهد بود. (۱)

(نمونه، انکم لعلی دین الله)

و به همین علت ائمه معصومین (علیهم السلام) و شخص امام زمان (علیه السلام) به شیعیان خود دستور داده اند که در زمان غیبت برای حفظ دین خود دعا کنند و امام زمان (علیه السلام) به یکی از نواب خود در زمان غیبت صغری دستور دادند که به شیعیان آن حضرت بگوید این دعا را برای حفظ دین خود بخوانید و آن دعا این است: «اللهم عرفنی نفسک فانک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرفک و لم أعرف رسولک، اللهم عرفنی رسولک...» (۲)

(نمونه، عرفنی نفسک)

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: زود است که برای شما شبهه ای پیدا شود که شما نه دانشی نسبت به آن داشته باشید و نه امامی برای شما باشد که هادی شما باشد، و کسی از آن نجات نخواهد یافت مگر آن که دعای غریق را بخواند. گفتم: دعای غریق چیست؟ فرمود: می گویی: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک...» (۳)

(نمونه، فتبقون بلا علم)

۳- تسلیم در مقابل خدا و رسول و امام و حجت الهی بودن، و آن دلیل ایمان راسخ و اعتقاد به حکمت الهی و عصمت اولیای خدا می باشد و بدون تسلیم ایمان کسی با ایمان نخواهد بود چنان که خداوند می فرماید: «وَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (۴)

یعنی ای رسول من! به پروردگارت قسم این مردم ایمان [کامل] ندارند تا

ص: ۲۰

۱- همان، ص ۲۷۵، بحار الانوار، ج ۶۸/۲۸ ح ۵۵.

۲- کتاب التمیص للاسکافی، ص ۱۶.

٣- - كمال الدين، ص ٣٥٢ ح ٤٩.

٤- - نساء/٦٥.

وقتی که تو را در پیش آمدها و حوادثی که بین آنان رخ می دهد حاکم قرار بدهند و سینه های آنان از حکم تو تنگ نشود و کاملاً تسلیم فرمان تو باشند.

و البته معلوم است که اطاعت از خدا و رسول و امام مهم تر از عبادت است چرا که برخی عبادت های فراوانی را انجام می دهند و لکن هنگامی که دستوری از ناحیه خدا و رسول و امام به آنان داده می شود برای خود عذر تراشی می کنند و یا با نقّادی ها و گلابیه هایی تسلیم امر و دستور خدا و اولیای او نمی شوند و خداوند ایمان چنین کسانی را در این آیه، ایمان ندانسته است و می فرماید: آنان باید از نظر ظاهر و باطن تسلیم امر پیامبر خود باشند.

و در کتاب بصائر الدرجات از زید شحام نقل شده که گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: مردی [از شیعیان شما] نزد ما هست که به او کَلِيبَ گویند، و هر چه ما از شما نقل می کنیم او می گوید: «من تسلیم فرموده های امام خود هستم» از این رو ما او را کلب تسلیم نامیدیم؟

زید شحام گوید: امام صادق (علیه السلام) با شنیدن این سخن برای او از خداوند طلب رحمت نمود و سپس فرمود: آیا شما می دانید چیست؟ و چون ما سکوت نمودیم فرمود: به خدا سوگند تسلیم همان اخبات است که خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ اخْتَبُوا إِلَى رَبِّهِمْ (۱)» (۲)

(نمونه، کلب التسلیم)

بشیر بن دهان گوید: از کلب شنیدم که می گفت: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: آیا تو معنای آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» را می دانی؟ گفتم: فدای شما شوم، شما بهتر می دانید، فرمود: مقصود از «مؤمنون» مسلمون است و اهل تسلیم همان نجباء می باشند. (۳)

(أَنَّ الْمُسْلِمِينَ هُمُ النَّجْبَاءُ)

جمیل بن درّاج گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنچه از شیعیان ما چشم ما را روشن می کند این است که آنچه از ما برای شما به طور اختلاف نقل می شود آن را به ما بازگردانید تا ما حقیقت را برای شما بیان کنیم.

و در سخن دیگری فرمود: مردم مأمور به معرفت ما و سؤال از ما و تسلیم ما می باشند. (۴)

(نمونه، و الرد الینا و التسلیم)

ص: ۲۱

۱- - هود/۲۳.

۲- - بصائر الدرجات ص ۵۴۵ ح ۲۸.

۳- - همان، ح ۲۹.

۴- دخول در کشتی نجات اهل البیت (علیهم السلام)، به ویژه امام حسین (علیه السلام) که در روایات آمده زیادی از مؤمنین به خاطر امام حسین (علیه السلام) داخل بهشت می شوند امام حسین (علیه السلام) می فرماید: روزی من خدمت جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) رفتم و دیدم اَبی بن کعب نزد جدّم نشسته است، و آن حضرت به من فرمود: «مرحبا بک یا زین السماوات و الأرض» پس اَبی بن کعب گفت: آیا جز شما کسی زینت آسمان ها و زمین است؟ جدّم فرمود: ای اَبی بن کعب سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری مبعوث نمود، حسین بن علی در آسمان ها بزرگتر و عزیزتر از روی زمین است چرا که در سمت راست عرش نوشته شده: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ» سپس گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) دست حسین (علیه السلام) را گرفت و فرمود: «ای مردم این حسین بن علی (علیهما السلام) است شما خوب او را بشناسید و مقام و فضل او را بدانید و او را بر دیگران فضیلت دهید همان گونه که خداوند عزّوجلّ او را فضیلت داده است.

سپس فرمود: به خدا سوگند جدّ حسین نزد خداوند گرامی تر از جدّ یوسف بن یعقوب است، چرا که جدّ این حسین و جدّه و مادر و پدر و برادر و عمو و عمّه و خال و خاله و دوستان آنان و دوستان دوستان آنان، اهل بهشت هستند. (۱)

(نمونه، مصباح الهدی)

حضرت نوح (علیه السلام) همان گونه که در قرآن آمده اهل نجات را در کشتی جا داد و به فرزند خود نیز - که مشرف بر غرق شدن بود - فرمود: «یا بُنّی اِرکب معنا» یعنی فرزندم بیا با ما سوار کشتی شو. و لکن او به پدر خود گفت: «من به کوهی پناه می برم تا از غرق شدن نجات یابم» پدر گفت: «امروز راه نجاتی از عذاب الهی نیست، جز این که داخل کشتی بشوی» و موج بین پدر و فرزند فاصله انداخت و فرزند نوح غرق شد، و نوح به پروردگار خود گفت: خدایا این فرزند من از اهل من نبود؟! و خداوند فرمود: «او از اهل تو نبود بلکه او عمل غیر صالحی بود».

با توجه به این قصّه قرآنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نیز فرمود: مَثَل اهل بیت من مَثَل کشتی نوح است که هر کس داخل آن شد نجات یافت و هر کس داخل کشتی نشد هلاک گردید، اهل بیت من نیز کشتی نجات این امت هستند و هر کس به آنان به پیوندد نجات می یابد، و هر کس از آنان جدا شود، هلاک خواهد شد.

ص: ۲۲

شخصی به امام صادق(علیه السلام) عرض کرد: آیا همه شما خانواده، کشتی نجات نیستید؟ فرمود: آری. آن شخص گفت: پس برای چه جدّ شما درباره حسین(علیه السلام) فرموده است: إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاهِ؟ امام صادق(علیه السلام) فرمود: همه ما کشتی نجات هستیم و لکن باب الحسین أوسع و أسرع. یعنی باب حسین(علیه السلام) وسیع تر و سریع تر برای نجات است.

مؤلف گوید: با توجه به این معنا باید همه ما ارتباط خود را با اهل البیت(علیهم السلام) و به ویژه با امام حسین(علیه السلام) هر چه می توانیم تقویت نماییم و از محبت و احسان به سادات و دوستان و شیعیان و زوّار آنان و عزاداران حسینی کوتاهی نکنیم. و از شرکت در جلسات عزای آن حضرت و اشک در مصائب او و برگزاری جلسات عزا و خدمت به عزاداران و احترام به مرثیه سرایان او دریغ نکنیم، تا روز قیامت آن حضرت و جدّ و پدر و مادر و برادر و فرزندان او(علیهم السلام) از ما دستگیری نمایند ان شاء الله و ما تردیدی نداریم که آن بزرگواران چنین خواهند کرد.

۵- ادخال سرور و شاد کردن شیعیان و دوستان اهل البیت(علیهم السلام) نیز از اسباب خشنودی و اتصال و ارتباط با آن بزرگواران خواهد بود، و روایات در این موضوع فراوان است، و ما به بخشی از آن ها اشاره می کنیم ان شاء الله.

مرحوم کلینی با سند خود از ابی الجارود نقل نموده، که گوید: از امام باقر(علیه السلام) شنیدم که فرمود: محبوب ترین اعمال نزد خداوند عزوجلّ شاد کردن مؤمن و اطعام او و قضای دین اوست. (۱)

(نمونه، ادخال السرور علی المومن)

مفضّل گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمود: گمان نکنید اگر مؤمنی را خشنود و مسرور کردید، تنها او را خشنود و مسرور کرده اید، بلکه به خدا سوگند ما را نیز مسرور کرده اید، بلکه به خدا سوگند رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلّم) را نیز مسرور کرده اید. (۲)

(نمونه، بل والله علینا)

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمود: خداوند عزوجلّ به داوود وحی کرد: «بسا بنده ای از بندگان من یک عمل نیک انجام می دهد و من بهشت را برای او مباح قرار می دهم» داوود(علیه السلام) گفت: خدایا آن عمل نیک چیست؟ خطاب شد: «بنده مؤمن مرا مسرور می کند ولو با یک دانه خرما»

ص: ۲۳

۱- کافی، ج ۲/۱۸۹ ح ۷.

۲- همان، ح ۶.

داوود(علیه السلام) گفت: خدایا حق است که هر که تو را می شناسد امید خود را از تو قطع نکند[و همواره به تو امیدوار باشد](۱)

(نمونه، فایحه جنتی)

جابر گوید: امام باقر(علیه السلام) فرمود: تبسم و خنده ی در صورت برادر مؤمن حسنه و عمل نیکی است، و برطرف نمودن خاشاک از او حسنه است، و خداوند عبادت نشده به چیزی که محبوب تر و بهتر از ادخال سرور بر مؤمن باشد.(۲) (نمونه، تبسم الرجل فی وجه اخیه)

و در سخن دیگری فرمود: هنگامی که خداوند بنده مؤمن خود را از قبر خارج می کند، مثالی نیز مقابل او حرکت می نماید، و مؤمن را از خطرهای قیامت آسوده می کند و به او بشارت به سرور و کرامت الهی را می دهد، و چون در پیشگاه خداوند قرار می گیرد خداوند حساب آسانی از او می گیرد و دستور می دهد تا او را به بهشت ببرند در حالی که آن مثال مقابل اوست و مؤمن به او می گوید: خدا تو را رحمت کند تو کیستی که همواره به من بشارت به سرور و کرامت الهی را دادی؟ و او می گوید: من همان سروری هستم که تو در دنیا بر برادر مؤمن خود وارد می کردی و خداوند مرا از آن سرور آفرید تا تو را مسرور نمایم.(۳)

(نمونه، ان السرور الذی)

۶- بر آوردن حاجت برادر مؤمن نیز از اسباب خشنودی خدا و اولیای اوست و سبب ارتباط و نزدیک شدن به خداوند و اولیای او می شود، روایات بی شماری نیز در این معنا وارد شده است و ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم و از خداوند توفیق عمل به این روایات را درخواست نماییم. و می گوئیم: و ما توفیقی إلّا بالله علیه توکلت و إلیه أنیب و لا حول و لا قوه إلّا بالله العلی العظیم.

مرحوم کلینی در کتاب کافی در باب «السعی فی الحاجه المؤمن» با سند خود از محمّد بن مروان نقل کرده که گوید: «امام صادق(علیه السلام) فرمود: کسی که برای انجام کار برادر مؤمن خود حرکت کند، برای او ده حسنه نوشته می شود، و ده گناه از او محو می گردد، و ده درجه به درجات او افزوده می شود، و گمان می کنم که فرمود: و پاداش آزاد کردن ده بنده در راه خدا را پیدا می کند، و این عمل افضل از اعتکاف یک ماه در مسجدالحرام می باشد.(۴)

(نمونه، مشی الرجل فی حاجه اخیه)

ص: ۲۴

۱- همان، ح ۵.

۲- کافی، ج ۲/۱۸۸ ح ۲.

۳- همان، ص ۱۹۰ ح ۸.

و در همان کتاب از معمر بن خلّاد نقل شده که گوید: از حضرت ابوالحسن (موسی بن جعفر علیهما السلام) شنیدم که می فرمود: خداوند را بندگانی است که کوشای در برآوردن حوائج مردم هستند، و آنان در روز قیامت در امن و امان خواهند بود، و کسی که مؤمنی را شاد و مسرور نماید، خداوند در قیامت قلب او را شاد و مسرور خواهد نمود. (۱)

(نمونه، فَرَحَ اللهُ قَلْبَهُ)

و در همان کتاب از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: کسی که برای انجام حاجت برادر مسلمان خود حرکت کند، خداوند هفتاد و پنج هزار ملک را امر می کند که بر سر او سایه افکنند و از او حمایت نمایند، و به جای هر قدمی که برمی دارد پاداشی به او داده می شود و گناهی از او محو می گردد، و درجه ای به درجات او افزوده خواهد شد، و هنگامی که از کار خود فارغ می شود خداوند عزوجل پاداش حج و عمره برای او می نویسد. (۲)

(نمونه، مِنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که برای خشنودی خداوند عزوجل در انجام حاجت برادر مسلمان خود بکوشد، خداوند برای او هزار هزار حسنه می نویسد، و خویشان و همسایگان و برادران و آشنایان و کسانی که احسانی در دنیا به او کرده اند را می آمرزد، و روز قیامت به او گفته می شود: داخل دوزخ شو و هر کس به تو در دنیا احسانی کرده است را با اذن خداوند از دوزخ خارج کن، جز کسی که ناصبی و دشمن اهل البیت (علیهم السلام) باشد. (۳) (نمونه، يَغْفِرُ فِيهَا لِقَارِ بِهِ وَجِيرَانِهِ)

مؤلف گوید: در این موضوع روایات فراوان دیگری در کافی و غیر آن بود و ما این اندازه بسنده کردیم وَاللّهُ الْمَوْفِقُ.

۷- پناه دادن به ذریّه فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و احسان به آنان

مرحوم علامه حلی هنگامی که کتاب قواعد الأحكام را به اتمام رساند به فرزند خود فخرالمقین وصیت هایی نمود و برخی از آن وصیت ها این است که به فرزند خود فرمود: «فَإِنِّي أُوصِيكَ بِمَلَازِمَةِ تَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى فَإِنَّهَا السُّنَّةُ الْقَائِمَةُ، وَ الْفَرِيضَةُ الْإِلَازِمَةُ، وَ الْجَنَّةُ الْوَاقِيَةُ»

و عَلَيْكَ بِالتَّوَكُّلِ وَ الصَّبْرِ وَ الرِّضَا وَ حَاسِبِ نَفْسِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ أَكْثَرِ مِنَ الْاسْتِغْفَارِ لِرَبِّكَ ...

ص: ۲۵

۱- همان، ح ۲.

۲- همان، ح ۳.

۳- کافی، ج ۲/۱۹۸ ح ۶.

و عليك بصلاه الليل فَإِنَّ رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) حثَّ عليها و قال: من ختم له بقيام الليل ثم مات فله الجنة ...
و عليك بصله الرحم، فَإِنَّها تزيد في العمر.

و عليك بحسن الخلق فَإِنَّ رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) قال إِنَّكُمْ لن تسعوا بأموالكم فسعوهم بأخلاقكم.

و عليك بصله الذريه العلويه، فَإِنَّ الله تعالى قد أكد الوصيه فيهم و جعل مودتهم أجر الرساله و الإرشاد فقال تعالى: « قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى » (١)

...

یعنی بر تو باد به ... و بر تو باد به احسان به ذریه علویه چرا که خداوند سفارش اکیدی درباره آنان فرموده و محبت و مودت آنان را پاداش رسالت خود قرار داده و فرموده است: « قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ... » و رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) نیز فرموده است: من از چهار گروه این امت روز قیامت شفاعت می کنم، گر چه با گناه همه اهل دنیا آمده باشند: ۱- کسی که ذریه مرا یاری کرده باشد، ۲- کسی که مال خود را صرف ذریه من کرده باشد، هنگام تنگنایی، ۳- کسی که ذریه مرا با زبان و قلب خود دوست داشته باشد، ۴- کسی که برای انجام حوائج ذریه من - در آن هنگام که آواره و طرد شده باشند - کوشیده باشد.

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: روز قیامت منادی خداوند با صدای بلند می گوید: ای مردم گوش فرا دهید تا حضرت محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) با شما سخن بگوید، و همه خلائق گوش فرا می دهند، و پیامبر خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) می فرماید: ای مردم هر کس به من حقی دارد، و یا به خاطر من عملی نیکی را (درباره ذریه من) انجام داده است، به پا خیزد تا من پاداش او را بدهم» و مردم می گویند: پدران و مادران ما فدای شما باد، چه حقی و چه منتی و چه عمل خیری ما برای شما انجام داده ایم که بر شما منت داشته باشیم؟ بلکه خدا و شما بر ما و همه خلائق منت دارید، پس رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) می فرماید: آری هر کس یکی از اهل بیت مرا پناه داده باشد، و یا به او احسانی نموده باشد، و یا لباسی به او پوشانده باشد، و یا او را اطعام نموده باشد، تا من پاداش او را بدهم» پس گروهی از مردم که چنین کارهایی را کرده اند برمی خیزد، و ندایی از طرف خداوند می رسد که: «ای محبید و ای حیب من، من پاداش آنان را به تو واگذار نمودم و تو آنان را در هر کجای از

ص: ۲۶

بهشت که می خواهی ساکن کن» و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را در وسط بهشت در مقام وسیله اسکان می دهد، و آنان از محمد و اهل بیت او - صلوات الله علیهم - محجوب نیستند ... (۱).

(نمونه، و علیک بصله لذریه)

مؤلف گوید: روایت فوق در اکثر کتب حدیث و تفسیر و اخلاق نقل شده است، طالبین مراجعه فرمایند.

قصه عبدالله مبارک هزینه حج خود را به یک زن فقیر علویّه که می خواست مرغ مرده ای را از ناچاری و گرسنگی به فرزندان خود بدهد، داد، و آن سال به حج نرفت و چون حجّاج از حجّ بازگشتند و او به دیدن آنان رفت، همگی گفتند: ما تو را در همه مواقع حج دیدیم و این قصه در جلد ۹۲ بحارالانوار صفحه ۲۲۴ ذکر شده است.

و نیز قصه پناه دادن مرد مجوسی به یک زن علویّه و بشارت رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به او در خواب و ایمان آوردن او و خانواده اش در کتاب بحار جلد ۴۲ صفحه ۱۲، و در ارشاد القلوب صفحه ۴۴۴، نیز نقل شده است، و ما این دو قصه را در کتاب «بشارت های معصومین(علیهم السلام)» صفحه ۱۷۳ تا ۱۷۹ نقل کرده ایم، مراجعه شود.

و در همان کتاب بشارت های معصومین(علیهم السلام) روایاتی درباره صله آل محمّد(علیهم السلام) نقل شده که سبب برآورده شدن حوائج بزرگ و مهم می شود، و در کتاب «بشاره المصطفی» از عمران بن معقل نقل شده که گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که می فرمود: احسان و صله به آل محمّد(علیهم السلام) را از مال خود دریغ نکنید و غنی به اندازه توان خود و فقیر به اندازه توان خود، به آنان صله کنند، و کسی که بخواهد خداوند مهم ترین حاجت او را برآورده کند باید در سخت ترین وضع نیازمندی خود، از مال خویش به آنان و شیعیانشان صله کند. (۲)

(نمونه، لا تدعوا صله آل محمد)

جابر جعفی گوید: امام باقر(علیه السلام) فرمود: رَجِمَ آلَ مُحَمَّدٍ مَعْلَقٌ بِه عَرَشِ اسْتِ وَ مِی گوید: «خدایا هر کس به من احسان و صله می کند تو به او احسان و صله کن، و هر کس با من قطع رحم می کند، تو

ص: ۲۷

۱- قواعد الأحكام، ج ۱/۱۵۳.

۲- بشاره المصطفی طبری، ص ۲۴.

رحمت خود را از او قطع کن» چنان که خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...» (۱)

و سپس فرمود: و هر صاحب رحمی نیز چنین است. (۲)

(نمونه، الرحم معلقه بالعرش)

شکر نعمت ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

خداوند نعمت ولایت آل محمد (علیهم السلام) را در آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۳)

وسيله کامل شدن دین و اتمام نعمت و دین مرضی خود معرفی نموده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را موظف نموده که در روز غدیر ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین آن حضرت را به طور آشکار و علنی معرفی نماید، و به رسول خود (صلی الله علیه و آله و سلم) در آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» (۴) فرموده است: ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) [و اولاد معصومین او] را به مردم ابلاغ نماید، و اگر چنین نکند، رسالت خویش را ابلاغ نکرده است.

از این رو، روز غدیر بهترین اعیاد اسلامی می باشد و نسبت به جمعه و فطر و اضحی مانند ماه است بین ستارگان چنان که حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: «چون روز قیامت می شود چهار روز را همانند عروسی که به حجله می برند، نزد خداوند می آورند». گفته شد: آن چهار روز کدام است؟ فرمود: روز عید قربان، روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر بین آن سه عید همانند ماه بین ستارگان است، و آن روزی است که ابراهیم خلیل (علیه السلام) از آتش [نمرودیان] نجات یافت، و ابراهیم برای شکر خدا آن روز را روزه گرفت، و آن روزی است که خداوند دین خود را کامل نمود، و به پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد تا امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به امامت و خلافت منصوب نماید و فضیلت و وصایت او را آشکار کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن روز را روزه گرفت، و آن روز دارای نامهایست مانند:

ص: ۲۸

۱- - رعد/۲۱.

۲- - مستدرک الوسائل، ج ۱۲/۳۸۳.

۳- - مائده/۳.

۴- - مائده/۶۷.

۱- یوم الکمال،

۲- یوم مرغمه الشیطان،

۳- روز قبولی اعمال شیعیان و دوستان آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)،

۴- الیوم الذی یعمد الله فیہ الی ما عمله المخالفون فیجعله هباءً منثوراً، یعنی روزی که خداوند اعمال مخالفان غدیر را نابود می نماید و مانند غبار پراکنده می شود،

۵- روزی است که جبرئیل (علیه السلام) دستور می دهد تا کرسی کرامت خداوند در مقابل بیت المعمور نصب شود، و جبرئیل (علیه السلام) بر آن قرار می گیرد، و ملائکه همه آسمان ها جمع می شوند و بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ثناخوانی می کنند، و برای شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) - از فرزندان آدم - استغفار می نمایند.

۶- در این روز خداوند به کرام الکاتبین دستور می دهد: تا سه روز قلم [گناه] را از دوستان و شیعیان اهل بیت بردارند و به خاطر کرامت محمد و علی و ائمه طاهرین (علیهم السلام) گناهی بر آنان ننویسند،

۷- روزی است که خداوند پاداش کسانی که در آن عبادت خدا را انجام می دهند و بر عیال و خانواده و برادران خود توسعه می دهند، نعمت خود را می افزاید، و آنان را از آتش دوزخ آزاد می نماید،

۸- این روزی است که خداوند آن را مخصوص به حضرت محمد و آل و خویشان او نموده است،

۹- این روزی است که خداوند سعی شیعیان را مشکور و گناهانشان را مغفور و اعمالشان را قبول می نماید،

۱۰- این روز، روزی برطرف شدن بلاها و اندوه ها می باشد،

۱۱- این روز، روز برطرف شدن وزر و گناه و روز کرامت الهی و عطای اوست،

۱۲- این روز، روز نشر علم و روز بشارت و عید اکبر است،

۱۳- این روز، روز استجابت دعاست،

۱۴- این روز، روز موقف عظیم، و روز پوشیدن لباس جدید و بیرون آوردن لباس عزا و سیاه است،

۱۵- این روز، روز شرط مشروط و روز نفی هموم و اندوه، و روز بخشوده شدن گناهکاران از شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است،

۱۶- این روز، روز مسابقه [در اعمال نیک] و روز صلوات فراوان بر محمد و آل محمد (علیهم صلوات الله) است،

۱۷- این روز، روز خشنودی و عید اهل البیت (علیهم السلام) است،

۱۸- این روز، روز قبولی اعمال و طلب زیاده از خداوند و روز استراحت مؤمنین است،

۱۹- این روز، روز تجارت و روز دوستی و روز رسیدن به رحمت الهی و روز تزکیه و پاک شدن و روز ترک گناهان کبیره و غیر کبیره است،

۲۰- این روز، روز عبادت و روز افطاری دادن به روزه داران است، و کسی که روزه دار مؤمنی را در این روز افطاری بدهد، مانند این است که به اندازه ده فئام از روزه داران را افطاری داده باشد، سپس فرمود: آیا تو می دانی فئام چیست؟ راوی گفت: نمی دانم. فرمود: هر فئام یکصد هزار نفر است،

۲۱- این روزی است که مؤمنین باید به همدیگر تبریک بگویند، و چون مؤمن برادر مؤمن خود

را ملاقات می کند بگوید: «الحمد لله الذي جعلنا من التمسكين بولايه أمير المؤمنين و الأئمه عليهم السلام،

۲۲- این روز، روز تبسم در صورت برادران ایمانی است، و کسی که در روز غدیر مقابل برادر مؤمن خود تبسم نماید خداوند روز قیامت نظر رحمت به او می افکند، و هزار حاجت او را برآورده می کند، و قصری از درّ سفید در بهشت برای او بنا می کند و صورت او را شاد و خرم قرار می دهد،

۲۳- این روز، روز زینت است و کسی که به خاطر غدیر در این روز نیت کند و لباس جدید بپوشد خداوند همه گناهان و خطاهای او را - کوچک یا بزرگ - می بخشد، و ملائکه ای را می فرستد تا برای او تا سال آینده حسنات بنویسد و درجات او را بالا ببرند، و اگر در این سال بمیرد شهید مرده است، و اگر زنده بماند سعادت مند خواهد بود، و کسی که در این روز مؤمنی را اطعام کند مانند این است که همه پیامبران و صدیقین را اطعام نموده باشد، و کسی که در این روز مؤمنی را زیارت کند، خداوند هفتاد نور در قبر او وارد می کند، و قبر او را وسیع می گرداند و در هر روز هفتاد هزار ملک قبر او را زیارت می کنند و به او بشارت بهشت می دهند،

۲۴- در این روز خداوند ولایت علی (علیه السلام) را بر اهل آسمان ها عرضه نمود و اهل آسمان هفتم به آن سبقت گرفتند، و به این خاطر خداوند عرش را به وسیله آسمان هفتم زینت نمود، و سپس آسمان چهارم به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به بیت المعمور زینت داد، و سپس آسمان اول به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به ستارگان زینت داد، و سپس خداوند ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بر زمین عرضه نمود، و سرزمین مکه به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به کعبه زینت داد، و سپس زمین مدینه به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به وجود حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) رینت داد، و سپس کوفه به آن سبقت گرفت و خداوند به خاطر امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را زینت داد.

سپس خداوند ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بر کوه ها عرضه نمود و نخست سه کوه بر قبول ولایت آن حضرت سبقت گرفتند و آن ها: کوه عقیق، فیروزه و یاقوت بودند، و خداوند افضل جواهر را در آن ها قرار داد، و سپس کوه های دیگری به آن سبقت گرفتند و خداوند آن ها را معدن طلا- و نقره قرار داد، و کوه هایی که اقرار به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نکردند گیاهی در آن نمی روید، و در روز غدیر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر آب ها عرضه شد و هر کدام پذیرفتند شیرین و گوارا و هر کدام نپذیرفتند شور و تلخ شدند، و در آن روز نیز ولایت آن حضرت بر گیاهان عرضه شد و هر کدام قبول کردند شیرین و طیب شدند، و هر کدام نپذیرفتن تلخ گردیدند، و نیز ولایت آن حضرت بر پرندگان

عرضه شد، و هر کدام پذیرفتند دارای صدای فصیح و زیبا شدند و هر کدام نپذیرفتند اخرس و گنگ شدند مانند «لکن» سپس فرمود:

مَثَلُ مُؤْمِنِينَ كِه وِلايَتِ اميرالمؤمنين (عليه السلام) را نپذيرفتند مَثَلُ ملائِكِه است كه به آدم سجده كردند و مَثَلُ كسانِي كه وِلايَتِ آن حضرت را نپذيرفتند مَثَلُ ابليس است كه بر آدم سجده نكرد.

سپس فرمود: و در روز غدیر آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» نازل شد، و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که روز مبعوث شدن او روز غدیر بود، و حرمت آن روز را می شناخت و در چنین روزی برای امت خود خلیفه ای تعیین می نمود. (۱)

(نمونه، زَفَتْ اربعه ایام الی الله)

مؤلف گوید: با توجه به عنایات اهل البیت (علیهم السلام) به شیعیان و دوستان خود و اهمیتی که خداوند و اولیای او به مسأله ولایت داده اند، و برکاتی که از ناحیه آن بزرگواران تاکنون عائد ما شده و می شود لازم است که ما نیز از این نعمت بزرگ شکرگذاری کنیم و گرنه ناسپاس و کافر به نعمت خداوند خواهیم بود و شکر این نعمت را می توان به طور خلاصه در چند چیز بیان نمود:

۱- معرفت بیشتر نسبت به مقام و منزلت صاحبان ولایت.

۲- اطاعت از دستورات و اوامر و نواهی آنان.

۳- ذکر فضائل آنان برای مردم، و آن برای گوینده و شنونده برکات فراوانی خواهد داشت.

۴- تحیب و ایجاد محبت آنان در دل های مردم که سبب تولی و موالات آنان می شود.

۵- ذکر مثالب دشمنان با استدلال صحیح، تا سبب بیزاری مردم از آنان گردد.

۶- توضیح مسأله ولایت و امامت معصومین (علیهم السلام) برای مردم تا موجب معرفت بیشتر به آنان گردد.

۷- زیارت قبور ائمه (علیهم السلام) و بهره مند شدن از نور ولایت آنان که شعائر دینی شیعه خواهد بود.

۸- مواسات و کمک به شیعیان و دوستانشان که سبب خشنودی آنان خواهد بود.

۹- دعا برای نجات شیعیان و دوستان اهل البیت (علیهم السلام) از ستم دشمنان و مخالفین که دلیل مواسات با آنان است.

۱۰- دعای فراوان برای تعجیل در فرج آل محمّد (صلوات الله عليهم اجمعين) که دلیل حمایت از مظلوم و محکوم کردن ظالم است.

۱۱- رعایت تقوای در دین - در زمان غیبت - که سبب خشنودی و کمک به آن بزرگواران می باشد.

۱۲- فرستادن صلوات فراوان بر محمّد و آل محمّد - صلوات الله عليهم اجمعين - که سبب خشنودی آنان و سنگین شدن نامه حسنات خواهد شد.

۱۳- حل مشکلات شیعه و قضای حوائج آنان که از اسباب مسلمّ خشنودی آن بزرگواران است.

۱۴- صلّه و احسان به ذریّه آنان که سبب خشنودی آنان و برآورده شدن اهمّ حوائج می باشد.

۱۵- مذاکره احادیث و سخنان اهل البیت (عليهم السلام) که سبب نزدیک شدن دل ها به همدیگر و نجات در دنیا و آخرت و قرب به آنان و ازدیاد معرفت به آنان می شود، و امام صادق (علیه السلام) برای مذاکره کننده ضمانت شد و دخول در بهشت نمود، و دوری از معارف و سخنان آنان سبب گمراهی و هلاکت دانست و فرمود: «فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتم و إن ترکتموها ضللتهم و هلکتهم فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعيم».

ولایت محمّد و آل محمّد و نجات در دنیا و آخرت

مؤلف گوید: در بخش آخر زیارت جامعه فراهایی است که به ما نوید می دهد که خاندان نبوت (عليهم السلام) وسیله نجات ما در قیامت هستند، و شفیعانی نزد خداوند بهتر از آنان نیست، و خشنودی آنان خشنودی خداوند است، و تنها با خشنودی آنان خداوند از ما خشنود می شود، و آنان امین سرّ خداوند می باشند، و خداوند بندگان خویش را به آنان واگذار نموده، و اطاعت از آنان را اطاعت از خود قرار داده است، و اگر آنان برای ما از خداوند درخواست بخشش کنند، خداوند از ما می گذرد، مشروط به آن که ما نیز از آنان اطاعت کنیم، چرا که اطاعت از آنان اطاعت از خداوند است، و نافرمانی آنها نافرمانی از اوست. (۱)

(نمونه، یا اولیاء الله - إنّ بینی و بین الله ذنوباً)

آری ما در زیارت جامعه می گوئیم: «اللّهمّ إنّی لو وجدت شفعاء أقرب إلیک من محمّد و أهل بیته الأخیار...» یعنی، خدایا اگر من شفیعانی بهتر از محمّد و اهل بیت پاک او [صلواتک عليهم اجمعين] می یافتم آنان را به درگاه تو شفیع قرار می دادم، از این رو تو را به آن حقی که برای آنان به عهده خود

ص: ۳۲

واجب نموده ای سوگند می دهم، و از تو مسألت می کنم که مرا از عارفین به آنان و عارفین به حق شان قرار بدهی، و من از کسانی باشم که با شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار بگیرم

تردیدی نیست که مسأله شفاعت حضرت خاتم النبیین و اوصیاء و فرزندان او در قیامت یک اصل مسلم بین شیعیان است، و در دنیا نیز آنان وسیله نجات ما و صراط مستقیم دین و هادی و راهنمای ما هستند، و حل مشکلات ما به دست آنان است، و با توسل به آنان مشکلات ما حل می شود، و اگر ما در همه امور خود به آنان مراجعه کنیم، نجات خواهیم یافت، و دین و دنیای ما از این راه اصلاح می شود، و از این رو خداوند در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^(۱)

می فرماید: «ای اهل ایمان از خدا بترسید و از صادقین [یعنی ائمه معصومین (علیهم السلام)] جدا نشوید» و همواره در همه امور با آنان باشید، و به آنان تمسک نمایید، تا نجات یابید، همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا لن یفترقا حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما...»^(۲)

یعنی من دو چیز گران سنگ [برای هدایت شما] به جای خود باقی می گذارم: کتاب خدا و عترت و اهل بیت خویش را و تا زمانی که شما به آنان تمسک و توسل کنید [و از آنان پیروی نمایید] هرگز گمراه نخواهید شد، و این دو از همدیگر جدا نمی شوند تا نزد حوض کوثر مرا ملاقات کنند، پس شما بکوشید تا از آنان جدا نشوید، و من در قیامت درباره آنان از شما سؤال خواهم نمود

مؤلف گوید: روایت فوق در کتب شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است و اگر تواتر لفظی نداشته باشد، قطعاً تواتر معنوی دارد، و احدی در آن تردیدی پیدا نکرده است، بنابراین همه باید بدانند که راه نجات منحصر به استفاده و پیروی از کتاب خدا و اهل بیت و عترت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و راه دیگری برای نجات و سعادت و رسیدن به حقایق و الطاف الهی وجود ندارد، فاعتبروا یا اولی الألباب مع الأسف اکثر مسلمانان دل خوش کرده اند و می گویند: «ما پیرو کتاب خدا هستیم و کتاب خدا برای هدایت و نجات ما بس است» در حالی که اولاً پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دو چیز را هادی و نجاتبخش امت خود دانسته است، و ثانیاً علوم قرآن نزد عترت و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و بدون تمسک و پیروی از آنان کسی نجات پیدا نمی کند و

ص: ۳۳

۱- - توبه/۱۱۹.

۲- - امالی صدوق، ص ۶۱۶.

به اسرار و بطون قرآن نمی رسد بلکه از راه دین منحرف خواهد شد، آری اگر می گفتند: «ما از عترت و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی می کنیم و به آنان تمسک می جوئیم» به خواسته پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) می رسیدند، چرا که اهل البیت (علیهم السلام) حامل قرآن و اسرار آن هستند، و تمسک به آنان تمسک به قرآن نیز می باشد، این حقیقت را امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه به خوبی بیان نموده و می فرماید: «فالراغب عنکم مارق، و اللازم لکم لاحق، و المقصیر فی حقکم زاهق، و الحق معکم و فیکم و منکم و إلیکم، و أنتم أهله و معدنه، و میراث النبوه عندکم، و ایاب الخلق إلیکم، و حسابهم علیکم و فصل الخطاب عندکم، و آیات الله لدیکم...» و یا می فرماید: «من أتاکم نجی، و من لم یأتکم هلک إلی الله تدعون، و علیه السلام تدلون...» و یا می فرماید: «سعد من والاکم، و هلک من عاداکم، و خاب من جحدکم و ضل من فارقکم، و فاز من تمسک بکم، و أمن من لجأ إلیکم، و سلم من صدقکم، و هدی من اعتصم بکم، من أتبعکم فالجنه مأواه، و من خالفکم فالنار مثواه و من جحدکم کافر، و من حاربکم مشرک، و من رد علیکم فی أسفل درک من الجحیم...» و یا می فرماید: «فمعکم معکم، لا- مع غیرکم...» و یا می فرماید: «من أراد الله بدأ بکم، و من وحده قبل عنکم، و من قصده توجه بکم...»

امام صادق (علیه السلام) ضمن حدیثی می فرماید: «أحادیثنا تعطف بعضکم ببعض، فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتهم و إن ترکتموها ضللتهم و هلکتهم، فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعیم» (۱) (نمونه، بنجاتکم - فخذوا بها)

بنابراین انحراف از مسیر اهل البیت (علیهم السلام) انحراف از دین و قرآن است، و اطاعت و پیروی از آنان که حامل قرآن و صراط مستقیم دین هستند، اطاعت از خداوند است.

برکات دوستی با آل محمد (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: کسی که ما اهل البیت را دوست بدارد، و محبت ما در قلب او ثابت و محقق شود، چشمه های حکمت از زبان او جاری می شود، و ایمان در قلب او تجدید می گردد، و

ص: ۳۴

پاداش عمل هفتاد پیامبر و هفتاد صدیق، و هفتاد شهید، و هفتاد عابدی که هفتاد سال عبادت کرده باشند را پیدا می کند. (۱)

(نمونه، و جدد الايمان في قلبه)

بُشْرَبْنِ غَالِبِ اسْدِي گويد: امام حسين (عليه السلام) به من فرمود: اي بُشْرَبْنِ غَالِبِ، کسی که ما را فقط برای خدا دوست بدارد، ما در قیامت در کنار او خواهیم بود، و کسی که برای دنیا ما را دوست بدارد، هنگامی که قائم عدل قیام کند، عدالت او شامل خوب و بد خواهد شد. (۲)

(نمونه، لا یحبنا إلا الدنيا)

امام حسن (عليه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: محبّت و مودّت ما را از دست ندهید، چرا که هر کس با محبّت و مودّت ما اهل البیت بمیرد، با شفاعت ما داخل بهشت می شود. سپس فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من به دست قدرت اوست، هیچ بنده ای از عمل خود بهره ای نمی برد مگر با معرفت به حق ما. (۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرمود: کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد شهید مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد آمرزیده مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد تائب [از گناهان خود] مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد با ایمان کامل مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، ملک الموت و نکیر و منکر به او بشارت بهشت می دهند، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، مانند عروسی او را به بهشت می برند، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، در قبر او دو درب به بهشت گشوده می شود، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، خداوند او را مزار ملائکه رحمت قرار می دهد، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، بر اساس سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جامعیت [مسلمین] مرده است، آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، هنگامی که وارد قیامت می شود، بین دو چشم او نوشته شده است: «آیس من رحمه الله»، آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، کافر مرده است،

ص: ۳۵

۱- - محاسن، ج ۱/۶۱ ح ۱۰۳.

۲- - همان، ح ۱۰۴.

۳- - همان، ح ۱۰۵.

آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی کند. (۱)

(نمونه، حبّ آل محمد)

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (۲)

می فرماید: به خدا سوگند اگر او توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام بدهد و به محبت و ولایت ما هدایت نشده باشد، و فضل ما را نشناخته باشد، بهره ای از ایمان و عمل صالح خود نخواهد داشت. (۳)

(نمونه، و لم يعرف فضلنا)

ابوذر (رحمه الله) در تفسیر آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (۴)

فرمود: یعنی آمن بما جاء به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و «عمل صالح» یعنی أداء الفرائض و «ثم اهتدی» یعنی اهتدی إلى حبّ آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سپس می فرماید: من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق پیامبر خود قرار داد، آن سه چیز اول، بدون هدایت به محبت آل محمد سودی نخواهد داشت. (۵)

(نمونه، حتی بالرابعه)

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (۶)

فرمود: دشمنی با ما، اعمال آنان را باطل می کند. (۷) (نمونه، عداوتنا تبطل اعمالهم)

منصور صیقل گوید: من در منا در خیمه امام صادق (علیه السلام) بودم و آن حضرت نگاهی به مردم نمود و فرمود: این مردم [یعنی اهل تسنن] از حرام می خورند و از حرام می پوشند، و با حرام زناشوئی می کنند، و شما شیعیان ما، از حلال می پوشید، و با حلال زناشوئی می کنید، از این رو جز شما کسی حاجی نیست، و خداوند جز از شما را قبول نمی کند. (۸)

(نمونه، یا کلون الحرام)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «یا علی أنت امیرالمؤمنین...» سپس فرمود: اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت کند، خداوند او

ص: ۳۶

٣- - مستدرک الوسایل، ج ١/١٧٠ ح ٢٧٦.

٤- - طه/٨٢.

٥- - همان، ح ٢٧٧.

٦- - محمد/٣٣.

٧- - همان.

٨- - همان، ص ١٧١.

را نمی پذیرد، چز با ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان تو، و ولایت تو پذیرفته نمی شود مگر با برائت و بیزاری از دشمنان تو و دشمنان ائمه از فرزندان تو، و این چیزی است که جبرئیل به من خبر داده است « فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ » (۱)

یعنی هر که می خواهد به این معنا ایمان بیاورد، و هر که می خواهد کافر شود. (۲)

(نمونه، عبدالله الف عام)

محبت اهل البيت (عليهم السلام) و ارفاق ملك الموت

در کتاب بشاره المصطفی از ابی جارود از امام باقر (علیه السلام) از پدرانیش (علیهم السلام) نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من به دست قدرت اوست هیچ روحی از جسد صاحبش جدا نمی شود، تا این که [اگر مومن باشد] از میوه های بهشتی بخورد و [اگر کافر باشد] از درخت زقوم بخورد، و هنگامی که ملك الموت را می بیند مرا نیز خواهد دید و علی و فاطمه و حسن و حسین را نیز خواهد دید، و اگر دوست ما بوده باشد، من به ملك الموت می گویم: ای ملك الموت به او ارفاق کن، چرا که او دوست من و دوست اهل بیت من بوده است، و اگر او دشمن ما بوده باشد، من به ملك الموت می گویم: ای ملك الموت به سختی جان او را بگیر، چرا که او دشمن من و دشمن اهل بیت من بوده است. (۳)

(نمونه، لا تفارق روح)

مرحوم شیخ مفید با سند خود از ام سلمه همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی دوستان تو در سه وقت شاد و مسرور می شوند، ۱- هنگامی که جان از بدنشان جدا می شود، و آن وقتی است که تو در کنار آنان حاضر هستی، ۲- هنگام سؤال قبر، که تو در آن وقت حقایق را به آنان تلقین می نمایی، ۳- هنگام حضور در محضر پروردگار و تو در آن وقت آنان را معرفی می کنی.

مؤلف گوید: مرحوم شیخ حرّ عاملی پس از نقل حدیث فوق گوید: احادیث در این معنا فراوان و بیش از حد تواتر است، و دلالت آن ها بر این معنا قطعی است، همانگونه که مشاهده می کنی و افکار بعضی از متکلمین - که می گویند: جسم نمی تواند در یک آن در چند مکان حاضر شود - پذیرفته نیست.

ص: ۳۷

۱- - کهف/۲۹.

۲- - همان، ح ۲۸.

۳- - بشاره المصطفی، ص ۲۵.

مرحوم راوندی از حضرت جواد(علیه السلام) نقل نموده که فرمود: یکی از اصحاب امام رضا(علیه السلام) مریض شد و آن حضرت او را عیادت نمود و به او فرمود: چگونه است حال تو؟ او گفت: پس از جدا شدن از شما من مرگ را ملاقات کردم - و مقصود او شدت بیماری او بود - امام(علیه السلام) فرمود: چگونه مرگ را ملاقات کردی؟ او گفت: سخت و دردناک بود. امام(علیه السلام) فرمود: تو مرگ را ملاقات نکرده ای بلکه مقدمات آن را ملاقات کرده ای، سپس فرمود: مردم هنگام مرگ دو گونه هستند: برخی با ملاقات با مرگ [و ملک الموت] راحت می شوند، و برخی مرگ برای آنان سخت است و چون می میرند آسوده می شوند. سپس به او فرمود: اکنون تو ایمان به خدا و ولایت ما را در خود تجدید کن تا راحت شوی. و آن مرد چنین کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا اکنون ملائکه پروردگار با تحیات و تحف حاضر شده اند و بر شما سلام می کنند، و مقابل شما ایستاده اند تا شما به آنان اجازه جلوس بدهید. حضرت رضا(علیه السلام) فرمود: ای ملائکه پروردگار من، بنشینید. و سپس به آن مریض فرمود: از آنان سؤال کن، آیا از طرف خداوند مأمور شده اند که در مقابل من بایستند؟ و چون مریض آن سؤال را کرد، ملائکه گفتند: اگر ملائکه در اینجا حاضر می بودند بدون اجازه شما نمی نشستند، چرا که خداوند به آنان این گونه امر نموده است.

سپس آن مریض چشمان خود را بست و گفت: السلام علیک یا بن رسول الله، اکنون شما و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه دیگر(علیهم السلام) مقابل من حاضر شده اید، سپس از دنیا رفت. (۱)

(نمونه، لقیة الموت بعدک)

حارث اعور گوید: من در وسط روز و هوای گرم نزد امیرالمؤمنین(علیه السلام) رفتم و آن حضرت به من فرمود: برای چه [در این هوای گرم] نزد من آمده ای؟ گفتم: به خدا سوگند محبت شما مرا واداشت که در این وقت نزد شما بیایم. امیرالمؤمنین فرمود: اگر راست بگویی در سه موقف مرا خواهی دید،

۱- هنگامی که جان تو به اینجا می رسد- و دست مبارک خود را به گلوی خود اشاره نمود،

۲- هنگام عبور از صراط،

۳- نزد حوض کوثر. (۲)

(نمونه، لثرانی فی ثلاث)

اصبغ بن نباته گوید: حارث همدانی [عور] با عده ای از شیعیان وارد بر امیرالمؤمنین(علیه السلام) شدند و من نیز بین آنان بودم و حارث در آن حال بیمار بود و عصای خود را به زمین می کشید، پس

ص: ۳۸

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به او توجه نمود - چرا که او نزد آن حضرت منزلتی داشت - تا این که به او فرمود: چگونه است حال تو ای حارث؟ حارث گفت: یا امیرالمؤمنین روزگار مرا در فشار و سختی و خشم قرار داده، و افزون بر آن اختلاف و خصومتی که بین اصحاب شما می بینم بر خشم من افزوده است چرا که آنان درباره شما و آن سه نفری که قبل از شما حاکم بوده اند، اختلاف و خصومت دارند، برخی درباره دشمنی با شما غلوّ و زیاده روی می کنند، و برخی معتدل هستند، و برخی در تردید و شک می باشند و نمی دانند کوتاه بیایند و یا حمله کنند؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: سخن بس کن ای برادر همدانی و آگاه باش که بهترین شیعیان من آن گروه متوسط هستند [که دور از غلوّ و تقصیری باشند] و غالی و تالی باید به آنان ملحق شوند. پس حارث عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین پدر و مادرم فدای شما باد، ای کاش زنگار را از قلوب ما برطرف می نمودی و ما را در این امر بصیرت می بخشیدی؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: سخن کافست بیش از این مگو، چرا که این امر [یعنی امر خلافت] برای تو مشتبه شده است و بدان که دین خدا را نباید به وسیله موقعیت رجال و شخصیت ها شناخت، بلکه دین خدا با نشانه های حق باید شناخته شود، بنابراین تو باید نخست حق را بشناسی تا اهل آن را بیابی. سپس فرمود: ای حارث حق نیکوترین سخن است و گوینده حق مجاهد است، و من حق را به تو خبر می دهم بشرط آن که گوش خود را در اختیار من قرار بدهی و سپس آنرا برای افراد عاقل و دانای از اصحاب خود بازگو کنی. تا این که فرمود:

ای حارث آگاه باش که من بنده خدا و برادر رسول او و صدیق اوّل هستم و من او را تصدیق کردم زمانی که آدم بین روح و جسد بود [و هنوز لباس خلقت نپوشیده بود] و در این دنیا نیز صدیق اوّل این امت بودم [و قبل از دیگران نبوت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) را تصدیق کردم] از این رو «نحن الأوّلون و نحن الآخرون» هستیم، و ما ای حارث خواصّ این پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) و خالص او هستیم، و من برادر شفیق و وصیّ و ولیّ و صاحب نجوا و سرّ او می باشم، و به من فهم کتاب و فصل الخطاب و علم قرون و اسباب داده شد، و هزار کلید به دست من سپرده شد و از هر کلیدی هزار باب از علم گشوده شد و از هر بابی هزار هزار عهد به دست من آمد، و به وسیله شب قدر من تأیید و تقویت و برگزیده شدم و این فضیلت برای ذریّه [و امام بعد از من] تا شب و روز باقی است و تا خداوند وارث زمین و اهل آن نشده است باقی خواهد بود. سپس فرمود: ای حارث من تو را بشارت می دهم که تو هنگام مرگ و عبور از صراط و نزد حوض کوثر و هنگام مقاسمه [یعنی هنگام تقسیم

بهشت و دوزخ] مرا خواهی شناخت [و من از تو فریلدرسی خواهم نمود] حارث گفت: ای مولای من «مقاسمه» چیست؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: مقصودم قسمت کردن دوزخ است و من به دوزخ می گویم: این ولی و دوست من است او را رها کن، و این دشمن من است او را بگیر. سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) دست حارث را گرفت و فرمود: همین گونه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دست مرا گرفت و چون من به او از حسد قریش و منافقین شکوه نمودم فرمود: روز قیامت که می شود، من به حبل الله و عصمت او چنگ می زنم و پناهنده می شوم، و تو یا علی به دامن چنگ می زنی و ذریه تو به دامن تو چنگ می زنند و شیعیان شما به دامن ذریه من چنگ می زنند، سپس فرمود: یا علی تو فکر می کنی خداوند در آن وقت با پیامبر خود چه خواهد کرد؟ پیامبر او با وصی خود چه خواهد نمود؟

سپس فرمود: ای حارث این خلاصه ای از سخن طولانی است، آری ای حارث تو همنشین کسانی خواهی شد که آنان را دوست می داشته ای و نتیجه آنچه کرده ای را خواهی دید. و این دو جمله را سه مرتبه تکرار نمود. پس حارث در حالی که عبای او روی زمین می کشید برخاست و گفت: پس از این سخنان، مرا باکی نیست که من مرگ را ملاقات کنم و یا مرا ملاقات نماید.

جمیل بن صالح گوید: روایت فوق را ابوهاشم - معروف به سید حمیری - رحمه الله به شعر تبدیل نمود و گفت:

ق-ول علی لِح-ارث عجب

کَم تَمُّ أَعْجُوبَةٌ لَهُ حَمَلًا

یا حارِ همدان من یمت یرنی

من مؤمنٍ أو منافقٍ قُبَلًا

یع-رف-نی ط-وف-ه و أع-رف-ه

بنعمه و اسمه و ما عملا

و أنت عند الصراط معترض (تعرفنی)

فلا تخف عثره و لا زللا

أسقیك من ب--ارد علی ظم-أ

تخاله فی الحلاوه العسلا

أق-ول للنار ح-ين توقف لل-

عرض: دعيه لا تقربى الرجال

دع-يه لا تق-رب-ى-ه-ه إن ل---

حبلاً بحبل الوصى متصلاً (۱)

(نمونه، دخل الحارث الهمداني)

در قیامت هر جمعیتی را با امام و پیشوای آنان صدا می زنند

امام باقر(علیه السلام) در تفسیر آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» (۲)

فرمود: روز قیامت هر کسی را به اسم امام او صدا می زنند و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) با قوم خود وارد محشر می شود، و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین(علیهم السلام) با قوم خود محشور می شوند، و هر کس در زمان هر امامی بوده با آن امام او را صدا می زنند و با او محشور می شود. (۳)

(نمونه، و علی فی قومه و الحسن)

امام صادق(علیه السلام) در تفسیر آیه فوق فرمود: روز قیامت هر کسی را به نام امامی که در عصر او از دنیا رفته صدا می زنند و اگر آن امام او را تأیید و تثبیت کند نامه او را به دست راست او می دهند، و مراد از یمین، اثبات و تأیید امام است ... اگر امام او را انکار کند، نامه او را به دست چپ او می دهند. (۴)

(نمونه، الذی مات فی عصره)

محمد بن مسلم گوید: امام صادق و یا امام باقر(علیهما السلام) فرمود: هر کسی را در قیامت به اسم آن امامی صدا می زنند که در دنیا به او اقتدا نموده است... (۵) (نمونه، من کان یأتمون به فی الدنيا)

بشیردهان گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند شما بر دین خدا هستید و سپس آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ...» را تلاوت نمود و فرمود: علی(علیه السلام) امام ماست، و رسول

ص: ۴۱

۱- - امالی شیخ مفید، ص ۳، بحار الانوار ج ۶/۱۷۸.

۲- - اسراء / ۷۲-۷۱.

۳- - تفسیر عیاشی ج ۲/۳۰۲.

۴- - همان.

۵- - همان.

الله (صلی الله علیه و آله و سلم) امام ماست، و امام های فراوانی روز قیامت می آیند که پیروان خود را لعنت می کنند، و پیروانشان آنان را لعنت می نمایند ... (۱).

(نمونه، کم من امام یجئنی یوم القیامه یلعن)

جابر گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: هنگامی که آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ ...» نازل شد مسلمانان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتند: مگر شما امام همه مسلمانان نیستید؟ فرمود: من رسول خدا هستم و بر همه مردم و لکن زود است که بعد از من امامانی از اهل بیت من بیایند و بر مردم امامت کنند و مردم آنان را تکذیب نمایند و در حق آنان ظلم کنند، و شما آگاه باشید که هر کس آنان را دوست بدارد [و از آنان پیروی کند] او از من و با من خواهد بود و روز قیامت مرا ملاقات می نماید، و هر کس به آنان ظلم کند و یا در ظلم به آنان کم کند و آنان را تکذیب نماید از من نخواهد بود و با من نمی باشد و من از او بیزار خواهم بود. (۲).

(نمونه، أئمه علی الناس)

زیارت قبور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام)

مرحوم کلینی در باب زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از ابن ابی نجران نقل نموده که گوید: به امام باقر (علیه السلام) گفتم: فدای شما شوم پاداش کسی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را زیارت کند چیست؟ فرمود: پاداش آن بهشت است. (۳).

(نمونه، لمن زار رسول الله)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که به زیارت من بیاید، من در قیامت شفیع او خواهم بود. (۴).

(نمونه، كنت شفيعه یوم القیامه)

امام حسین (علیه السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشت: پدرجان پاداش زائر شما چیست؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای فرزند عزیزم، کسی مرا در زمان حیات و پس از مرگ زیارت کند، و یا پدرت را زیارت کند، و یا برادرت را زیارت کند، و یا تو را زیارت نماید، بر من حق و لازم است که در قیامت او را زیارت نمایم، و از کیفر گناهانش خلاصی بخشم. (۵).

(نمونه، او زار اخاک او زارک)

۱- - تفسیر عیاشی، ج ۲/۳۰۳.

۲- - همان، ص ۳۰۴.

۳- - کافی، ج ۴/۵۴۸ ح ۱.

۴- - همان، ح ۳.

۵- - همان، ح ۴.

و فرمود: کسی که مکه برود و در مدینه مرا زیارت نکند، من در قیامت به فریاد او نمی رسم و به او جفا می کنم، و کسی که به زیارت من بیاید، شفاعت من برای او واجب می شود. و کسی که شفاعت من برای او واجب شود، بهشت برای او واجب می شود، و کسی که در یکی از دو حرم مدینه و مکه بمیرد، مهاجر الی الله عزوجل مرده و در قیامت با شهدای بدر محشور می شود. (۱)

(نمونه، من اتی مکه حاجاً)

مؤلف گوید: از روایات استفاده می شود که حج بدون ولایت و زیارت پیامبر و امام (علیهم السلام) حج نیست، از این رو زراره گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: مردم مأمور شدند [به حج بروند و] اطراف کعبه طواف کنند و پس از آن نزد ما بیایند و ولایت شان را با ما تجدید کنند و خود را آماده یاری ما نموده باشند. (۲) (نمونه، و یرضوا علینا نصرهم)

عبدالله بن سنان گوید: ذریح محاربی به من گفت: من به امام صادق (علیه السلام) گفتم: خداوند در کتاب خود مرا به چیزی امر نموده و من دوست می دارم که به آن عمل کنم. امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن چیست؟ گفتم: خداوند می فرماید: «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ»؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: مقصود از «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» ملاقات با امام است [بعد از حج] و مقصود از «وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ» اعمال و مناسک حج است.

عبدالله بن سنان گوید: پس من خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و گفتم: فدای شما شوم مقصود از «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ» چیست؟ فرمود: کوتاه کردن شارب و ناخن و امثال این ها است. گفتم: فدای شما شوم ذریح محاربی از شما نقل نموده که فرموده اید: مقصود از «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» ملاقات امام است، و مقصود از «وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ» مناسک حج است؟ فرمود: ذریح راست گفته است و تو نیز راست می گویی، قرآن ظاهری دارد و باطنی و چه کسی مانند ذریح تحمل [اسرار] قرآن را دارد؟ (۳)

(نمونه، امرنی فی کتابه بامر)

ص: ۴۳

۱- همان، ح ۵.

۲- همان، ص ۵۴۹ ح ۱.

۳- کافی، ج ۴/۵۴۹ ح ۴.

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی مرا و یا یکی از ذریه مرا زیارت کند، من روز قیامت او را زیارت خواهم نمود و از وحشت های آن روز او را نجات خواهم داد.(۱)

(نمونه، احداً من ذریتی)

ثواب زیارت امیرالمؤمنین(علیه السلام)

ابو وهب بصری گوید: در مدینه خدمت امام صادق(علیه السلام) رسیدم و به آن حضرت گفتم: فدای شما شوم شما را زیارت نمودم و لکن قبر امیرالمؤمنین(علیه السلام) را زیارت نکردم؟ فرمود: چه بد کاری کرده ای و اگر تو از شیعیان ما نبودی من به تو نگاه نمی کردم، آیا زیارت نمی کنی کسی را که خداوند متعال و ملائکه و پیامبران و مؤمنین زیارت می کنند؟! گفتم: فدای شما شوم، این را نمی دانستم. فرمود: پس بدان که امیرالمؤمنین(علیه السلام) نزد خداوند از همه ائمه افضل است، و ثواب اعمال ائمه(علیهم السلام) برای اوست، و آنان به اندازه اعمالشان فضیلت دارند.(۲)

(نمونه، ما نظرت الیک)

مفضل گوید: به امام صادق(علیه السلام) گفتم: من مشتاق زیارت امیرالمؤمنین(علیه السلام) در نجف هستم. فرمود: چه قدر علاقه به زیارت او داری؟ گفتم: دوست می دارم امیرالمؤمنین(علیه السلام) را زیارت کنم. فرمود: آیا فضیلت زیارت او را می دانی؟ گفتم: نمی دانم، شما مرا آگاه کنید. فرمود: هنگامی که می خواهی به زیارت امیرالمؤمنین(علیه السلام) بروی بدان که تو زائر استخوان های آدم و بدن نوح و بدن امیرالمؤمنین(علیهم السلام) هستی. گفتم: آدم در سرانندیب [جزیره ای در بحر هند] و مطلع الشمس هبوط نمود و مردم می گویند استخوان های او در بیت الله الحرام است، و چگونه می شود در کوفه [یعنی نجف] باشی؟ فرمود: خداوند تبارک و تعالی در کشتی به نوح(علیه السلام) وحی نمود که هفت مرتبه طواف کعبه کند، و او طواف نمود و سپس از کشتی پائین آمد و آب تا زانوی او بود و تابوتی را بیرون آورد که در آن استخوان های آدم بود و آن تابوت را داخل کشتی نمود و آنچه خدا می خواست طواف کعبه نمود و سپس با کشتی، وارد مسجد کوفه شد، و در آنجا خداوند فرمود: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَ كِ وَ يَا سَمَاءُ أَفْلَعِي»(۳)

و زمین آب را از مسجد کوفه بلعید، همانگونه که از آنجا شروع شده بود، و کسانی که در کشتی بودند متفرق شدند و حضرت نوح آن صندوق را در نجف دفن نمود، و آن قطعه از

ص: ۴۴

۱- کامل الزیارات، ص ۴۱.

۲- کامل الزیارات، ص ۸۹، بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۷.

۳- هود/۴۴.

کوهی بود که خداوند در آن محل با موسی سخن گفته بود، و عیسی را بر روی آن تقدیس نموده بود، و ابراهیم را خلیل خود قرار داده بود، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را حبیب خود نموده بود، و آن را مسکن پیامبران گردانیده بود و به خدا سوگند احدی بعد از آدم و نوح بهتر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن دفن نشده است، و اگر تو آن محل را زیارت کنی پیامبران گذشته و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) خاتم پیامبران و علی (علیه السلام) سید اوصیاء را زیارت کرده ای، و برای دعای زائر امیرالمؤمنین (علیه السلام) درهای آسمان گشوده می شود، پس مواظب باش از چنین خیری نائم و غافل نباشی. (۱)

(نمونه، اشتاق إلى الغری)

ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا

صاحب کامل الزیارات از امام صادق (علیه السلام) می فرماید: کسی که قبر امام حسین (علیه السلام) را روز عاشورا زیارت کند و عارف به حق او باشد [یعنی او را امام و حجت خدا و واجب الإطاعة بداند] مانند کسی خواهد بود که خدای متعال را در عرش او زیارت کرده باشد. (۲)

(نمونه، عارفا بحقه کان)

و در روایت دیگری فرمود: «وجبت له الجنة» یعنی بهشت برای او واجب می شود. (۳)

و در روایت دیگری فرمود: «له من الثواب ثواب مائة الف شهيد مثل شهداء بدر» (۴)

یعنی پاداش او مانند پاداش یکصد هزار شهید از شهدای بدر است.

ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عرفه

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که روز عرفه [قبر] امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند و عارف به حق او باشد خداوند برای او هزار حج مقبول و هزار عمره مقبوله را می نویسد. (۵)

(نمونه، یوم عرفه عارفاً)

رفاعه گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و آن حضرت به من فرمود: ای رفاعه! امسال حج نرفتی؟ عرض کردم: مالی نداشتم که به حج بروم و لکن روز عرفه کنار امام حسین (علیه السلام) بودم.

ص: ۴۵

۱- کامل الزیارات، ص ۸۹.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۶/۵۱.

٣- - همان، ص ٥٢.

٤- - همان.

٥- - وسائل الشيعه آل البيت، ج ١٤/٤٦٣.

امام (علیه السلام) فرمود: ای رفاعة تو کمتر از کسانی نبوده ای که در منا بوده اند، و اگر من نمی ترسیدم که مردم حج را رها کنند، برای تو حدیثی می گفتم که هرگز زیارت امام حسین (علیه السلام) را ترک نکنی. سپس فرمود: پدرم به من خبر داد و فرمود: کسی که به طرف قبر امام حسین (علیه السلام) حرکت کند و عارف به حق او باشد و اهل کبر و تکبر نباشد یکهزار ملک در طرف راست او حرکت می کنند، و یکهزار ملک در طرف چپ او و خداوند برای او هزار حج و هزار عمره با پیامبر و یا وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می نویسد. (۱) (نمونه، الف عمره مع نبی)

داوود رقی گوید: از امام صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا (علیهم السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که روز عرفه نزد قبر امام حسین (علیه السلام) بیاید خداوند او را خشنود و صورت او را شاد و خرم می نماید. (۲) (نمونه، قلبه الله تلج الوجه)

عبدالله بن مسکان گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند متعال قبل از زوّار عرفه به زوّار قبر امام حسین (علیه السلام) توجه و نظر رحمت می نماید، و حوائج آنان را برآورده می کند و گناهانشان را می بخشد... و سپس توجه به اهل عرفات می نماید و حوائج آنان را برآورده و گناهانشان را می آمرزد. (۳)

(نمونه، ثم یشی باهل عرفات)

زیارت امام حسین (علیه السلام) روز اول رجب و اول شعبان و نصف آن ها

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی در روز اول رجب، امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند خداوند قطعاً او را می آمرزد. (۴)

(نمونه، أوّل یوم من رجب - غفرالله له البته)

ابونصر بزنطی گوید: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: شما در چه ماهی امام حسین (علیه السلام) را زیارت می کنید؟ فرمود: روز نیمه رجب و نیمه شعبان. (۵) (نمونه، و النصف من شعبان)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که در نیمه شعبان قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد، و کسی که او را در عرفه زیارت کند، خداوند هزار حج و

ص: ۴۶

۱- - همان، ۴۶۴.

۲- - وسائل ج ۱۴/۴۶۴

۳- - وسائل ج ۱۴ / ۴۶۵

۴- - وسائل ، ج ۱۴/۴۶۶.

هزار عمره مقبوله برای او می نویسد، و کسی که او را در روز عاشورا زیارت کند، مانند آن است که خداوند را در فوق عرش زیارت کرده باشد. (۱) (نمونه، النصف من شعبان غفرالله له ما تقدم)

ابوحمزہ ثمالی گوید: امام سجاد به من فرمود: کسی که دوست می دارد یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند، باید امام حسین (علیه السلام) را در شب نیمه شعبان زیارت کند، چرا که در آن شب ملائکه و پیامبران اذن زیارت او را می گیرند و خداوند به آنان اذن می دهد، و خوشا به حال کسی که با آنان مصافحه کند و آنان با او مصافحه نمایند. (۲)

(نمونه، فطوبی لمن صافحهم)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: روز اول شعبان منادی خداوند از زیر عرش ندا می کند: ای میهمانان حسین، زیارت امام حسین (علیه السلام) را در شب نیمه شعبان از دست ندهید، و اگر ثواب و فضیلت این شب را می دانستید، سال برای شما به انتظار نیمه شعبان طولانی می شد. (۳)

(نمونه، یا وفد الحسین - لا تخلوا ليله النصف)

و از آن حضرت سؤال شد: ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) در نیمه شعبان چیست؟ و امام (علیه السلام) فرمود: کسی که در نیمه شعبان برای خدا به زیارت امام حسین (علیه السلام) برود، خداوند گناهان او را در شب نیمه آن ماه می بخشد گرچه به عدد موهای بزهای کلب باشد تا این که فرمود: ثواب این زیارت به اندازه ثواب کسی است که خدا را در عرش زیارت کند. (۴)

(نمونه، بعدد شعر معزی)

و در سخن دیگری فرمود: خداوند برای او پاداش یکهزار حج را می نویسد. (۵) (نمونه، له الف حجه)

زیارت امام حسین (علیه السلام) در کربلا شب اول و وسط و شب قدر و شب آخر ماه رمضان

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که شب قدر می رسد و همه مقدرات سال در آن تعیین می گردد، منادی خداوند در آن شب از وسط عرش ندا می کند: خداوند کسانی که در این شب به زیارت امام حسین (علیه السلام) آمده اند را بخشد. (۶)

(نمونه، قد غفر لمن اتى قبر الحسين)

ص: ۴۷

۱- - وسائل، ج ۱۴/۴۹۶.

۲- - همان، ص ۴۷۰.

٣- - وسائل، ج ١٤/٤٧٠.

٤- - همان، ص ٤٧١.

٥- - همان.

٦- - همان، ص ٤٧٢.

به امام صادق(علیه السلام) گفته شد: آیا برای زیارت امام حسین(علیه السلام) وقت فضیلتی هست؟ و امام صادق(علیه السلام) فرمود: شما امام حسین(علیه السلام) را در هر وقتی و هر زمانی می توانید زیارت کنید، چرا که زیارت او بهترین عمل است، و هر کس هر چه بیشتر انجام بدهد خیر بیشتری به دست آورده است، و هر کس کمتر او را زیارت کند خیر کمتری به دست آورده است، و شما بکوشید تا در اوقات شریفه ای او را زیارت کنید که ملائکه به زیارت او می آیند... (۱)

(نمونه، فی کل وقت و فی کل حین)

زیارت امام حسین(علیه السلام) روز عاشورا

و فرمود: کسی که امام حسین(علیه السلام) را در روز عاشورا زیارت کند، بهشت برای او واجب می شود. (۲)

(نمونه، عاشورا وجبت له الجنة)

و فرمود: کسی که شب عاشورا در کربلا بماند، خدا را در قیامت ملاقات می کند در حالی که آغشته به خون خود می باشد، و مانند کسی خواهد بود که در کربلا با امام حسین(علیه السلام) شهید شده باشد. (۳)

(نمونه، قتل معه فی عرصه کربلا)

عنايات آل محمد(علیهم السلام) به شیعیان و دوستان خود

مراحل ارتباط با آل محمد(علیهم السلام) همان گونه که گذشت اقتضا می کند که آن بزرگواران نیز به شیعیان و دوستان خود عنایت داشته باشند، و بهترین این است که بگوییم عنایات آل محمد(علیهم السلام) اقتضا می کند، که شیعیان و دوستان آنان نیز به مقتضای « هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ » (۴) ارتباط خود را با آنان قوی تر و نزدیک تر گردانند، از این رو لازم است بخشی از عنایات و احسان ها و دفاعیات و نصایح آن بزرگواران را به شیعیان خود یادآوری می کنیم تا محبت و ارتباط ما نسبت به آنان قوی تر بشود و بدانیم آنان از هر پدر و مادر مهربانی برای ما مهربان تر می باشند چرا که پدران و مادران اکثراً در مسائل مربوط به دنیا و امور جسمانی ما، از ما دفاع و خیرخواهی می کنند و با این وصف خداوند

ص: ۴۸

۱- همان، ص ۴۷۳.

۲- همان، ص ۴۷۶.

۳- وسائل، ج ۱۴/۴۷۷.

۴- الرحمن/۶۰.

احسان به آنان را بر ما واجب نموده است، اولیای دین ما خود را به انواع گرفتاری‌ها مبتلا نمودند تا شیعیان‌شان نجات پیدا کنند و دنیا و آخرتشان اصلاح شود و برای نمونه در روایات آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گناهان امت خود را به عهده گرفت تا آنان گرفتار دوزخ نشوند و یا فرمود: «ادّخرت شفاعتی لأهل الكبائر من امتی» (۱).

و یا در روایات آمده که فرمود: «أنتی أشفع یوم القیامه فاشفع، و یشفع علی فیشفع و یشفع أهل بیتی فیشفعون...» (۲) یعنی من شفاعت خود را برای اهل کبائر از امت خود ذخیره نمودم. و یا فرمود: در قیامت من از امت خود شفاعت می‌کنم و خداوند شفاعت من را می‌پذیرد، و علی (علیه السلام) نیز شفاعت می‌کند و خداوند شفاعت او را می‌پذیرد، و اهل بیت من نیز شفاعت می‌کنند و از آنان پذیرفته می‌شود. و یا فرمود: هر پیامبری یک دعای مستجاب دارد و پیامبران دیگر دعای مستجاب خود را انجام دادند و خواسته خود را گرفتند، و من دعای مستجاب خود را برای نجات امت خود در قیامت ذخیره کرده‌ام. (۳) و ائمه دیگر نیز همین گونه خواهند بود.

و در روایات آمده که حضرت زهرا (علیها السلام) در قیامت داخل بهشت نمی‌شود تا دوستان و شیعیان خود را با خود به بهشت ببرد، و امام حسن (علیه السلام) نیز برای جلوگیری از ریخته شدن خون شیعیان خود با معاویه صلح نمود. (۴)

امام حسین (علیه السلام) نیز برای حفظ دین خدا به آن مصائب بزرگ تن داد بلکه او برای دشمن خود نیز خیرخواهی نمود و آنان را فراوان نصیحت نمود تا بلکه گرفتار عذاب الهی نشوند، و هر کدام از ائمه دیگر نیز چنین بودند که امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) فراوان شیعیان خود را نصیحت نمودند و وعده نجات و شفاعت به آنان می‌دادند، و مشفقانه از آنان می‌خواستند تا اهل ورع و تقوا باشند و رعایت حدود و دین خود را بکنند.

امام صادق (علیه السلام) به آنان می‌فرمود: هنگامی که شفاعت به دست ما برسد شما سزاوارترید که ما از شما شفاعت کنیم و سپس می‌فرمود: «ولکنی والله أتخوف علیکم من البرزخ» یعنی به خدا سوگند من برای شما از برزخ می‌ترسم» سؤال شد: برزخ چیست؟ فرمود: بین مردن تا قیامت است. و یا می‌فرمود: شما شیعیان آبروی ما اهل البیت را حفظ کنید، و سبب سرافکنندگی ما نشوید، چرا که اگر یکی از

ص: ۴۹

۱- - بحار، ج ۸/۳۰.

۲- - بحار، ج ۸/۳۰.

۳- - مجمع البیان، ج ۱/۲۰۱.

۴- - شرح کافی ملا صالح، ج ۱۱، ص ۳۱۹.

شما اهل صدق و درستی و امانت و کوشش در عبادت باشد مردم می گویند: این شیعه جعفر است، و این سبب مسرت و شادی ما خواهد بود، و اگر بر خلاف آن باشد باز می گویند: این شیعه جعفر است، و این سبب عار و سرافکنندگی ما می شود، یکی از اصحاب امام صادق به نام شقرانی از آن حضرت درخواست نمود که هدیه منصور را بگیرد و به او بدهد و آن حضرت هدیه منصور را گرفت و به او داد و فرمود: «الحسن من کلِّ أحدِ حسن و منك أحسن، و القبیح من کلِّ أحدِ قبیح و منك أقیح لمكانك منّا» (۱) (لمكانك منّا)

أبی القدام گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: من با پدرم کنار قبر پیامبر بین قبر و منبر به عده ای از شیعیان برخورد نمودیم و پدرم به آنان سلام کرد و فرمود: به خدا سوگند من شما را دوست می دارم و از بوی شما و ارواح شما مسرور می شود، پس شما با ورع و تقوا و اجتهاد در عبادت خدا، به ما کمک بدید، و بدانید که ولایت ما برای شما حاصل نمی شود مگر با ورع و تقوا و اجتهاد و کوشش در عبادت.

سپس فرمود: هر کدام از شما به بنده ای از بندگان خدا اقتدا نمود باید مانند او عمل کند تا این که فرمود: شما «شیعه الله» و «انصارالله» و سابقون اول و سابقون آخر هستید، و شما سابقون در دنیا و سابقون در آخرت می باشید، و ما با ضمانت خداوند عزوجل و ضمانت رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) بهشت را برای شما ضمانت کرده ایم، و به خدا سوگند در بهشت بهتر از شما نیست، پس بکوشید تا به درجات عالی بهشت برسید، همانا مردان شما طیّون اند و زن های شما طیّبات می باشند، و هر مؤمنی از شما صدیق است.

سپس فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) به غلام خود قنبر فرمود: ای قنبر من تو را بشارت می دهم و تو این بشارت را به شیعیان ما بده و بگو: علی (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت و بر امت خود خشم نموده بود مگر به شیعیان ما.

تا این که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر چیزی را عزّتی است عزّت اسلام شیعه است و ... (۲).

(نمونه، ریا حکم و ارواحکم)

از سویی ائمه (علیهم السلام) فراوان به شیعیان خود وعده بهشت داده اند و فرموده اند: «فاصله شما تا بهشت جز رسیدن جان به گلوی شما نیست» چنان که امام صادق به زید معروف به اباسامه فرمود: چند

ص: ۵۰

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۳/۳۶۲.

۲- کافی، ج ۸/۲۱۳ ح ۲۵۹.

سال از عمر تو گذشته است؟ اباسامه گوید: گفتم: این مقدار سال فمود: ای اباسامه عبادت خدا را در خود تجدید کن و مجدداً توبه کن. ابواسامه گوید: با شنیدن این سخن، من گریان شدم، و امام(علیه السلام) فرمود: برای چه گریه می کنی؟ گفتم: از مرگ خود آگاه شدم. فرمود: ای اباسامه شاد باش تو از شیعیان ما هستی و در بهشت خواهی بود. (۱)

(نمونه، و احدث توبه - من شیعتنا)

امام صادق(علیه السلام) نیز به یکی از اصحاب خود فرمود: به خدا سوگند خداوند فقط اعمال شما شیعیان را می پذیرد، و شما را می آمرزد، و بین یکی از شما و رسیدن به شادی و مسرت و بهشت فاصله ای نیست مگر رسیدن جان به گلو. سپس فرمود: در چنین حالی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) و علی(علیه السلام) و جبرئیل و ملک الموت حاضر می شوند، و علی(علیه السلام) به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید: یا رسول الله، او ما اهل بیت را دوست می داشت پس شما نیز به او محبت کنید، و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به جبرئیل می فرماید: ای جبرئیل او خدا و رسول و اهل بیت رسول خدا را دوست می داشته است و تو به او محبت کن، و جبرئیل به ملک الموت می گوید: او خدا و رسول و اهل بیت او را دوست می داشته است، پس تو او را دوست بدار و به او ارفاق کن، پس ملک الموت به او نزدیک می شود و می گوید: ای بنده خدا تو خود را از آتش دوزخ آزاد کردی، و برائت از دوزخ را گرفتی، و در دنیا به عصمت کبرا تمسک نمودی؟ پس خداوند به او توفیق می دهد و او می گوید: آری. ملک الموت می گوید: آیا تو می دانی عصمت کبرا چیست؟ و او می گوید: عصمت کبرا ولایت علی بن ابیطالب(علیه السلام) است. پس ملک الموت به او می گوید: راست گفتی و خداوند تو را از آنچه می ترسیدی در امان قرار داد، و به آنچه امیدوار بودی رسیدی، پس شاد باش که همنشین سلف صالح - یعنی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) و علی و فاطمه(علیهما السلام) خواهی بود. و سپس جان او را به آسانی می گیرد، و کفن و حنوط - معطر به مشک و ادفر بهشتی - می آید و او را [پس از غسل] با حنوط و کفن بهشتی کفن می کنند و حله زردی از حله های بهشتی [به جای سر تا سری] به او می پوشانند، و چون او را در قبر می گذارند دری از درهای بهشت به روی او باز می شود، و نسیم بهشتی به قبر او گشوده می گردد، و به او گفته می شود: مانند عروس در بستر خود بخواب و ... (۲)

(نمونه، ان یغبط - و یری السرور)

ص: ۵۱

۱- دلائل الامامه طبری شیعی، ص ۲۸۱، بصائر الدرجات، ج ۸/۲۸۴، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴/۲۲۳.

۲- کافی، ج ۳/۱۳۱ ح ۴.

و از عنایات اهل البیت (علیهم السلام) به شیعیان این است که آن بزرگواران برای پاکی و تطهیر شیعیان خود از حق خویش گذشتند تا فرزندان شیعیانشان از حرام ارتزاق نکنند و حرامزاده نباشند چنان که در روایت محمد بن مسلم از امام باقر و یا امام صادق (علیهم السلام) نقل شده که فرمود: سخت ترین چیزی که مردم در قیامت مبتلای آن هستند این است که صاحبان خمس بپاخیزند و گویند: «یا ربّ خمس» یعنی خدایا انتقام مرا از کسانی که سهم خمس مرا خوردند و به من نداده اند بگیر» سپس فرمود: ما خمس را برای شیعیان خود حلال نمودیم تا نطفه های آنان پاک باشد و فرزندانشان حلال زاده باشند. (۱)

(نمونه، یا ربّ خمس)

و در صحیحه ضریس کناسی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: آیا می دانی این مردم [یعنی اهل تسنن] از چه راه گرفتار زنا شده اند؟ ضریس گوید: گفتم: نمی دانم. فرمود: به خاطر خمس ما اهل البیت جز شیعیان پاک ما به خاطر این که ما خمس را برای آنان و فرزندانشان حلال نمودیم. (۲)

(نمونه، من قبل خمسن)

و در روایت ابی خدیجه نیز از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: [در قیامت] از خادمی که خریده و زنی که [با مهر] با او ازدواج کرده، و میراثی که به دست آورده، سود و تجارتي که برخوردار شده و هر چیزی که به او عطا شده سؤال خواهد شد که چرا حق ما را از آن نپرداخته است. سپس فرمود: اینها برای شیعیان ما حلال است چه شاهدی باشند و چه غائب و چه زنده باشند و چه مرده، و برای فرزندان آنان نیز تا قیامت حلال می باشد، و آگاه باشید که به خدا سوگند ما فقط برای شیعیان خود حلال نمودیم... (۳)

(نمونه، هذا لشیعتنا حلال)

مرحوم علامه مقدس اردبیلی سپس گوید: «هذه فیها عموم الآخذ و المأخوذ، فلیس بمخصوصٍ بالمناکح و قسیمیة و لا بزمانٍ دون آخر»

ص: ۵۲

۱- وسائل، باب ۴ ح ۵، از ابواب انفال.

۲- مجمع الفائده، ج ۴/۳۵۱.

۳- مجمع الفائده، ج ۴/۳۵۱.

و در صحیح‌ه ابوبصیر و زراره و محمد بن مسلم آمده که همه آنان از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده اند که فرمود: علی بن ابیطالب امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: هلك الناس فی بطونهم و فروجهم، لأنهم لم یؤدوا إلینا حقنا، ألا و إن شیعتنا من ذلك و آبائهم فی حل. (۱)

و در روایت داوود بن کثیر رقی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «إن الناس یعیشون فی فضل مظلمتنا، ألا إننا أحللتنا شیعتنا من ذلك». (۲)

مؤلف گوید: آنچه ذکر شد مختصری از عنایات ائمه اهل البیت (علیهم السلام) به شیعیان خود می باشد و اگر در این موضوع بررسی کامل بشود مجملداتی را احاطه خواهد نمود که ما در مقام آن نیستیم و تنها از امام زمان (عجل الله فرجه الشریف و صلوات علیه السلام و علی آبائه) عنایاتی در طول زمان غیبت انجام گرفته که آن نیز مجملداتی را اشغال خواهد نمود و ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱- امام زمان (علیه السلام) ضمن توقیع و نامه ای که برای شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه) مرقوم فرمود چنین آمده است ...
إننا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لولا - ذلك لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الأعداء، فاتقوا الله جلّ جلاله و ظاهرونا ... (۳)

یعنی ما از مراعات شما کوتاهی نمی کنیم، یاد شما را فراموش نمی کنیم و اگر جز این می بود رخدادهای سختی بر شما وارد می شد، و دشمنان، شما را از بین می بردند، پس شما از خدا بترسید، و از ما حمایت کنید ...

۲- امام زمان (علیه السلام) در ملاقات های خود با شیعیان، بالأخص علمای مخلص و ربّانی مانند شیخ مفید، و سید بحر العلوم و سید بن طاووس و سید ابوالحسن اصفهانی و مقدس اردبیلی و دیگران از علما و افراد صالح دیگر تاکنون عنایات فراوانی داشته که بیان آن ها نیاز به چندین جلد کتاب قطور دارد، و ما در کتاب «دوله المهدی» چهل مورد از آن ها را بیان نمودیم که برای دوستان آن حضرت بسیار آموزنده و موجب مسرت و امیدبخش خواهد بود، و از قصّه انار که در بحرین اتفاق افتاد ظاهر می شود که آن حضرت به طور کامل بر وضع شیعیان خود اشراف دارد و از آنان حمایت می فرماید، و این قصّه در بحار الأنوار جلد ۵۳ صفحه ۱۷۸، و جلد ۸۷ ص و در مستدرک سفینه البحار جلد ۴ حدیث ۱۴۲۲ ذکر شده است.

ص: ۵۳

۱- همان، ص ۳۵۲.

۲- وسائل، ابواب انفال، باب ۴ ح ۱ و ۷ و ۶.

۳- تهذیب الاحکام طوسی، ص ۳۸.

و خلاصه آن این است که وزیر والی ناصبی بحرین که خود نیز ناصبی و دشمن اهل البیت (علیهم السلام) بوده جملات « لا إله إلا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله » را در قالبی حک نمود و اطراف اناری که بر درخت بود بست و چون انار بزرگ شد و این جملات بر روی آن نقش بسته بود، و والی ناصبی به شیعیان بحرین گفت: شما در پاسخ این انار چه می گوید؟ و آنان را تهدید نمود که اگر پاسخ آن را ندهید من همه شما را خواهم کشت و شیعیان سه روز مهلت خواستند و از آن حضرت استمداد نمودند و روز سوم آن بزرگوار از حيله و مکر آن وزیر پرده برداشت و نجات یافتند و فرمود: علت تأخیر این بود که شما سه روز مهلت خواستید و اگر گفته بودید که در همان روز اول پاسخ می دهیم ما همان روز اول شما را راهنمایی می کردیم. آری حمایت های آن حضرت از شیعیان خود به قدری فراوان بوده و هست که آن بزرگوار را «غوث الأُمَّة» نامیده اند.

امام هادی (علیه السلام) درباره الطاف معصومین (علیهم السلام) به شیعیان خود می فرماید: «عادتکم الإحسان و سجتکم الکریم...» بلکه باید گفت: وجود آن بزرگواران سبب برقراری عالم و آرامش اهل آن می باشد، و ما به برکت وجود آنان زنده هستیم و اگر آنان نبودند زمین اهل خود را فرو می برد، چنان که فرموده اند: «لولا احججه لاساخت الأرض باهلها» (۱)

(نمونه، لولا احججه لاساخت)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: اگر یک روز روی زمین امامی از ما خانواده نباشد، زمین اهل خود را فرو می برد و خداوند سخت ترین عذاب را بر آنان وارد خواهد نمود. (۲) (نمونه، لو بقیت الأرض يوماً واحداً)

بشارت های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بالای منبر به من فرمود: یا علی، خداوند عزوجل محبت مساکین و مستضعفین روی زمین را به تو عطا نمود، و تو به برادری آنان با خود راضی شدی و آنان نیز به امامت تو راضی شدند، و خوشا به حال کسی که تو را دوست بدارد و درباره تو راستگو باشد، و وای بر کسی که تو را دشمن بدارد و درباره تو دروغگو باشد.

یا علی، تو عَلم [و عالم] این امت هستی، و کسی که تو را دوست بدارد رستگار است، و کسی که تو را دشمن بدارد هلاک خواهد شد.

یا علی، من شهر علم هستم و تو در آن می باشی، و آیا کسی جز از در، وارد شهر می شود؟!

ص: ۵۴

۱- - مستدرک سفینه، ج ۲۷۸/۵.

۲- - نوادر المعجزات محمد بن جریر طبری، ص ۱۹۶، کمال الدین، ص ۲۰۴ ح ۱۴.

یا علی، اهل محبت تو هر مؤمن اَوّاب حفیظ [یعنی کثیرالدعا و حافظ] و هر فقیر کهنه پوشی است که اگر خدا را سوگند بدهد، خداوند سوگند او را می پذیرد.

یا علی، برادران [شیعیان] تو هر انسان طاهر و پاک و کوشای در عبادت است که دوستی و دشمنی او به خاطر تو می باشد، و او نزد مردم حقیر و نزد خداوند عزّوجلّ عظیم و دارای منزلت است.

یا علی، دوستان تو - در بهشت فردوس - جیران الله هستند، و نسبت به آنچه از دنیا باقی می گذارد حسرت نمی خورد.

یا علی، من دوست کسی هستم که تو را دوست بدارد، و دشمن کسی هستم که تو را دشمن بدارد.

یا علی، کسی که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته است، و کسی که تو را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است.

یا علی، برادران تو خشک لبان [شکم تهی] هستند، و عبادت و پارسایی از صورت هایشان شناخته می شود.

یا علی، برادران تو [یعنی شیعیان] در سه موقف شاد خواهند بود: هنگام جان دادن که من و تو در آن حال نزد آنان حاضر خواهیم بود [و سفارش آنان را به ملک الموت خواهیم نمود] و هنگام سؤال قبر، و هنگام عرض اکبر، [یعنی قرار گرفتن در پیشگاه خداوند] و هنگام عبور از صراط، که از ایمان مردم سؤال می شود، و آنان نمی توانند پاسخ بدهند.

یا علی، جنگ با تو جنگ با من است، و مسالمت با تو مسالمت با من است، مسالمت با من مسالمت با خدای عزّوجلّ می باشد.

یا علی، به برادران خود [از شیعیان] بشارت بده، چرا که خداوند عزّوجلّ از آنان راضی می باشد، و راضی شده تو رهبر و امام آنان باشی، و آنان نیز راضی شده اند که تو امام و ولیّ آنان باشی.

یا علی، تو امیر مؤمنان و پیشوای سفیدرویان هستی.

یا علی، شیعیان تو نجبا و پاکان هستند، و اگر تو و شیعیان تو نبودند، دین خداوند عزّوجلّ برقرار نمی ماند، و اگر شما روزی زمین نمی بودید، آسمان باران خود را نمی بارید.

یا علی، برای تو در بهشت گنجی است و تو مالک آن خواهی بود، و شیعیان تو به «حزب الله» شناخته می شوند.

یا علی، تو و شیعیان تو اهل قسط و عدالت و بهترین خلق خدا می باشید.

یا علی، من نخستین کسی هستم که در قیامت سر از خاک برمی آوردم و تو با من خواهی بود، و سپس بقیه مردم سر از خاک برمی آوردند.

یا علی، تو و شیعیانت کنار حوض کوثر خواهید بود، و هر که را شما دوست بدارید از کوثر سیراب می کنید، و هر که را دوست ندارید از کوثر منع می کنید، و شما آنقدر که در روز فزع اکبر در زیر سایه عرش در امان هستید و مردم در وحشت و اندوه می باشند و شما اندوهی ندارید، و آیه «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ» (۱)

درباره شما نازل شده است.

یا علی، تو و شیعیانت در بهشت متنعم هستید، و مردم در قیامت به جستجوی شما هستند.

یا علی، ملائکه و خزّان بهشت مشتاق شما هستند، و ملائکه مقرب خدا و حاملین عرش تنها به شما دعا می کنند و از خداوند برای دوستان شما طلب خیر می نمایند، و هر که از شما بر آنان وارد شود خوشنود می شوند، همانند غائبی که پس از مدت طولانی بر اهل خود وارد می شود.

یا علی، شیعیان تو کسانی هستند که در پنهانی از خدا می ترسند [و گناه نمی کنند] و در آشکارا نیز خیرخواه دین خدا هستند.

یا علی، شیعیان تو کسانی هستند که برای رسیدن به درجات عالی بهشتی کوشا می باشند، و به همین علت هنگامی که خدای عزّوجلّ را ملاقات می کنند گناهی بر آنان نیست.

یا علی، اعمال شیعیان تو در هر جمعه بر من عرضه می شود و من با اطلاع از اعمال صالح آنان شاد می شوم و برای گناهانشان استغفار می کنم.

یا علی، تو و شیعیانت قبل از آن که به دنیا بیایید در تورات و انجیل به هر خیری یاد شده اید، و تو از اهل انجیل و اهل تورات درباره کلمه «إلیا» سؤال کن تا به تو خبر بدهند، گر چه تو عالم به تورات و انجیل هستی و خداوند عزّوجلّ علم کتاب [درهای آسمانی] را به تو عطا نموده است، و اهل کتاب، «إلیا» را بزرگ می شمارند و لکن او و شیعیانش را نمی شناسند، و تنها به آنچه در کتاب خود می یابند تعظیم می کنند.

یا علی، ذکر یاران و شیعیان تو در بین اهل آسمان بیشتر و عظیم تر از اهل زمین است، از این رو شیعیان تو باید شاد باشند و بر کوشش خود [در عبادت و کارهای نیک] بیفزایند.

ص: ۵۶

یا علی، ارواح شیعیان تو هنگام خواب و پس از مرگ به آسمان بالا می روند و ملائکه از روی شوق و محبت به خاطر منزلت آنان نزد خداوند با شگفتی به آنان می نگرند، همانند این که مردم در شب اول به ماه می نگرند.

یا علی، به اصحاب خود - که دارای معرفت به تو می باشند - بگو، از اعمال دشمنان خود پرهیز نمایند، چرا که هیچ روز و شبی نمی گذرد، جز آن که رحمت خداوند تبارک و تعالی آنان را فرا می گیرد، از این رو باید خود را از آلودگی [گناه] دور نمایند.

یا علی، غضب و خشم خداوند عزوجل بر کسانی خواهد بود که به شیعیان تو خشم می کنند و از تو و آنان بیزار می جویند، و به جای تو و شیعیان تو، دیگران را قرار می دهند، و به دشمنان تو تمایل می کنند، و ضلالت و گمراهی را بر حق مقدم می دارند، و با تو و شیعیان تو به جنگ برمی خیزند، و با ما خانواده و دوستان و یاران تو - که در راه حمایت از تو جان خویش را فدا می کنند - دشمنی می کنند.

یا علی، سلام مرا به شیعیانت - که من آنان را ندیده ام و آنان نیز مرا ندیده اند - برسان، و به آنان بگو: شما برادران من هستید، و من مشتاق دیدار شما هستم، از این رو شما باید دانش مرا به قرون و اقوام بعد از من برسانید، و به ریسمان الهی [یعنی قرآن] تمسک کنید و از آن عصمت طلب نمایید، و در اعمال خیر کوشا باشید، چرا که ما شما را از راه هدایت خارج نخواهیم نمود، و به آنان خبر بده که خداوند عزوجل از آنان راضی و خشنود است، و به خاطر آنان بر ملائکه مباحث می نماید، و در هر جمعه به آنان نظر رحمت می افکند، و ملائکه را امر می کند تا برای آنان استغفار نمایند.

یا علی، غافل مباش از یاری کردن قومی که چون شنیدند من تو را دوست می دارم تو را دوست داشتند و این دوستی را جزء دیانت خود دانستند و خالص ترین محبت خود را برای تو قرار دادند، و تو را بر پدران و برادران و فرزندان خود مقدم داشتند، و به روش و طریقه تو عمل کردند، و به خاطر محبت ما رنج هایی را تحمل نمودند و دست از یاری ما برنداشتند، و در راه محبت ما آزارها و بدگویی ها را به خود خریدند، تا جایی که جان خویش را به خاطر ما فدا کردند پس تو باید نسبت به آنان مهربان باشی و به آن ها قناعت کنی، چرا که خداوند عزوجل از بین خلق خود آنان را انتخاب نموده، و از طینت ما آن ها را آفریده است، و اسرار ما را به آنان سپرده، و قلوب آن ها را ملزم به معرفت حق ما کرده است، و شرح صدر به آنان داده و آن ها را متمسک به حبل ما کرده، از این رو احدی را بر ما مقدم نمی کنند، گرچه دنیا از دست آنان برود، از این رو خداوند تأییدشان نموده و در راه هدایت قرارشان داده

و آنان راه هدایت را پذیرفته اند، در حالی که مردم در ضلالت و گمراهی و هواپرستی متحیر و از دیدن حق و حجت و آنچه از ناحیه خداوند آمده کورند، و شب و روز در سخط و خشم الهی به سر می برند، و شیعیان تو بر منهاج حق و استقامت در دین می باشند، و با مخالفین خود انس نمی گیرند و دنیا از آنان نیست و آنان از دنیا نیستند.

آری شیعیان تو چراغ های نورانی هستند [و این جمله را سه مرتبه تکرار نمود] (۱)

(نمونه، و هب لك حبّ المساکین - طول الغیبه)

انتظار فرج آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين)

مؤلف گوید: در توقیعی که امام عسگری (علیه السلام) برای - عالم و فقیه و محدث جلیل القدر - مرحوم ابن بابویه قمی معروف به صدوق اول مرقوم فرمود آمده است: «و عليك بالصبر و انتظار الفرّج فإنّ النبی (صلی الله علیه و آله و سلّم) قال: «أفضل اعمال امتی انتظار الفرّج، و لا یزال شیعتنا فی حزنٍ حتی یظهر ولدی الذی بشر به النبی - صلی الله علیه و آله و سلّم - أنّه یملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً. فاصبر یا شیخی و امر جمیع شیعتی بالصبر، فإنّ الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین، و السلام علیک و علی جمیع شیعتنا و رحمه الله و برکاته، و حسبنا الله و نعم الوکیل، نعم المولی و نعم النصیر» (۲). یعنی حضرت عسگری (علیه السلام) به صدوق اول فرمود: بر تو باد به صبر و انتظار فرج، چرا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: افضل اعمال امت من انتظار فرج [امام مهدی علیه السلام] می باشد، و همواره شیعیان ما در حزن و اندوه خواهند بود تا فرزندم ظاهر شود همان گونه که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نوید و بشارت آمدن او را داده و فرموده است: او زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد. آری انتظار فرج بالاترین راه ارتباط با خاندان نبوت (علیهم السلام) است و روایات درباره آن فراوان است.

ص: ۵۸

۱- صفات الشیعه، ۵۵/۱۷- بشاره المصطفی، ص ۱۸۰- بحار الأنوار، ج ۳۹/۳۰۶- امالی صدوق، ص ۶۵۸ ح ۲.

۲- بحار الأنوار ج ۵۰/۳۱۷، مستدرک الوسائل، ج ۳/۵۲۷، عن الاحتجاج، الإمامه و التبصره لابن بابویه قمی.

امام صادق(علیه السلام) فرمود: کسی که عمر خود را با انتظار فرج ما طی کند، مانند کسی خواهد بود که در طول عمر خود در راه خدا جهاد نماید و با شمشیر با دشمنان خدا جنگ نماید.^(۱)

(نمونه، انّ المیت منکم)

و در سخن دیگری فرمود: هر کدام از شما با انتظار فرج ما بمیرد، مانند این است که در خیمه امام زمان(علیه السلام) در کنار آن حضرت باشد. و پس از لحظه ای فرمود: بلکه مانند کسی خواهد بود که با شمشیر خود در راه خدا جهاد نماید. سپس فرمود: نه والله او مانند کسی خواهد بود که در رکاب رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به شهادت برسد.

ابو خالد کابلی گوید: خدمت حضرت زین العابدین(علیه السلام) رسیدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا مرا نسبت به کسانی که خداوند اطاعت و موذت و اقتدای به آنان را بر مردم واجب نموده آگاه کنید. امام(علیه السلام) فرمود: ای ابو خالد، اولی الأمر [که خداوند امر به اطاعت آنان نموده] کسانی هستند که خداوند آنان را ائمه و پیشوایان مردم قرار داده است و آنان: امیر المؤمنین علی بن ابیطالب(علیه السلام) و سپس امام حسن و سپس امام حسین فرزندان علی بن ابی طالب و سپس امامت به ما منتهی شده است. تا این که سکوت نمود، و من گفتم: ای مولای من، برای ما روایت شده که: علی(علیه السلام) فرموده است: زمین هیچگاه خالی از حجت الهی - برای هدایت مردم - نمی ماند، و شما بفرمایید حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندان باقر، امام می باشد و نام او در تورات باقر است و او شکافنده علم و حجت و امام بعد از من می باشد، و بعد از او فرزندش جعفر، امام است و نام او نزد اهل آسمان صادق است. گفتم: برای چه او صادق نامیده شده در حالی که جمیع شما صادق هستید؟

فرمود: پدرم از پدر خود نقل نمود که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب(علیهم السلام) به دنیا آمد او را صادق به نامید، چرا که پنجمین فرزند او نیز جعفر نامیده می شود، و به ناحق ادّعی امامت می کند و او نزد خداوند جعفر کذاب و مفتری بر خداوند عزوجلّ و مدّعی چیزی است که اهل آن نیست، و مخالف پدر خود [امام هادی(علیه السلام)] می باشد و با برادر خود [امام عسگری(علیه السلام)] حسد می ورزد، و او همان کسی است که قصد پرده برداشتن از غیبت ولی الله عزوجلّ را پیدا می کند.

ص: ۵۹

سپس امام سجاد گریه شدیدی نمود و فرمود: اکنون می بینم که جعفر کذاب طاغوت زمان خود را و می دارد تا از امر ولیّ خدا تفتیش نماید، در حالی که او در حفظ خداوند و موکّل به حفظ حرم پدر خود می باشد، و آنان که از ولایت او آگاه نیستند می کوشند تا اگر بتوانند او را بکشند، و جعفر کذاب این عمل را به خاطر طمع در میراث او انجام می دهد در حالی که حقّی به آن ندارد.

ابوخالد گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا، آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: به خدا سوگند آری این در آن صحیفه ای که نزد ماست، و در آن مصائب و محن ما بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) ذکر شده، نوشته شده است.

ابوخالد گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا، پس از آن چه خواهد شد؟ فرمود: سپس غیبت ولیّ خدا یعنی امام دوازدهم از اوصیای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) طولانی [و سخت] خواهد شد.

تا این که فرمود: ای اباخالد مردم زمان غیبت او قائل به امامت او هستند و انتظار ظهور او را می کشند، افضل از مردم هر زمانی هستند، چرا که خداوند تبارک و تعالی به آنان عقل و معرفت و فهمی داده که غیبت [امام] برای آنان به منزله مشاهده آن حضرت است، و خداوند آنان را در آن زمان همانند مجاهدان در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) قرار داده، و به حق آنان، اهل اخلاص و شیعیان صادق و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و پنهان می باشند.

در سخن دیگری امام سجاد (علیه السلام) فرمود: انتظار فرج بهترین و بزرگترین فرج است. (۱)

(نمونه، علی عباده الاقتداء بهم)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: «أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج» یعنی بهترین جهاد امت من، انتظار فرج [ما خانواده] است. (۲)

امام حسین (علیه السلام) می فرماید: پیرمردی از اهل شام نزد پدرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و [سؤالات فراوانی کرد و پدرم به او پاسخ داد و یکی از سؤالات او این بود که] گفت: فأئی الأعمال أحبّ إلى الله عزّوجلّ؟ و پدرم به او فرمود: انتظار الفرج. (۳)

ص: ۶۰

۱- - کمال الدین، ص ۳۱۹.

۲- - تحف العقول، ص ۳۷.

۳- - معانی الأخبار، ص ۱۹۹.

مؤلف گوید: اهل سنت نیز روایات انتظار فرج را نقل کرده اند و لکن می گویند: مقصود انتظار فرج از خداوند است بعد از هر سختی و مشکلی. و عبارت را تغییر داده اند و می گویند: «انتظار فرج الله» در حالی که در روایات ما تصریح شده که مقصود انتظار فرج حضرت مهدی (علیه السلام) است و هیچکدام از روایات ما تعبیر «انتظار فرج الله» نیامده بلکه تعبیر «انتظار الفرج» آمده و معلوم است که این فرج، فرج خاصی می باشد و الف و لام اشاره به آن فرج است، از این رو مرحوم علامه مجلسی نیز در کتاب بحارالانوار در تفسیر آیه «والعاقبه للمتقين» (۱)

می فرماید: لفيكون المراد: انتظار الفرج بظهور القائم عليه السلام.

و از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: ما در کتاب علی (علیه السلام) یافتیم که می فرماید: مقصود از آیه «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۲) من و اهل بیت من می باشیم و خداوند ما را وارث زمین قرار داده است، و مقصود از «متقین» ما هستیم و همه زمین از آن ما می باشد. (۳)

(نمونه، وجدنا فی کتاب علی)

مرحوم صدوق در کتاب «کمال الدین» با سند خود از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری نقل نموده که گوید: خدمت امام عسکری (علیه السلام) رسیدم و می خواستم راجع به امام بعد از او سؤال کنم، و امام عسکری (علیه السلام) شروع به سخن نمود و به من فرمود: ای احمد بن اسحاق خدای تبارک و تعالی از زمانی که آدم (علیه السلام) را خلق نموده زمین را تا قیامت خالی از حجت نمی گذارد، و به واسطه حجت خود بلاها را از اهل زمین برطرف می نماید، و باران را از آسمان فرو می فرستد و به خاطر او زمین برکات خود را خارج می کند.

پس من عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ و آن حضرت برخاست و با سرعت داخل اطاق شد، و چون خارج گردید فرزند زیبایی مانند ماه شب چهارده در سن سه سالگی بر شانه ی او بود و به من فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر کرامت تو نزد خداوند عزوجل و نزد ما نبود من فرزندم را به تو نشان نمی دادم، همانا او همانم و هم کنیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و او کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، همان گونه که پر از جور و ظلم شده

ص: ۶۱

۱- - اعراف/۱۲۸.

۲- - اعراف/۱۲۸.

۳- - تفسیر صافی، ج ۲/۲۲۸.

باشد. سپس فرمود: ای احمد بن اسحاق مثل فرزندم در این امت مثل خضر (علیه السلام) و مثل ذی القرنین است و به خدا سوگند او غیبی خواهد داشت که در زمان غیبت او کسی از هلاکت و گمراهی نجات پیدا نمی کند مگر آن که خداوند عزوجل قلب او را بر اعتقاد به امامت ما ثابت نموده باشد، و در آن زمان به او توفیق دعا برای تعجیل در فرج فرزندم را داده باشد.

احمد بن اسحاق گوید: گفتیم: ای مولای من آیا نشانه ای هست که قلب من با آن مطمئن شود؟ پس آن غلام یعنی آن فرزند عزیز (سلام الله علیه) با زبان عربی فصیح فرمود: «أنا بقیة الله فی أرضه، و المنتقم من أعدائه فلا تطلب أثراً بعد عین یا احمد بن اسحاق» یعنی من بقیه الله روی زمین و انتقام گیرنده ی از دشمنان او هستم، ای احمد بن اسحاق بعد از دیدن و مشاهده، چیز دیگری را طلب مکن. احمد بن اسحاق گوید: من با دیدن و مشاهده جمال امام خود مسرور و خشنود از نزد امام عسکری (علیه السلام) باز گشتم و فردای آن روز باز خدمت آن حضرت رسیدم و عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا به راستی من به خاطر منت و لطفی که شما به من نمودید بسیار شاد شدم اکنون بفرمایید سنت جاریه خضر و ذوالقرنین درباره او چگونه است؟ فرمود: ای احمد مقصود غیبت طولانی اوست. گفتیم: آیا غیبت او طولانی می شود؟ فرمود: به خدا سوگند آری به قدری غیبت او طولانی می شود که اکثر قائلین به امامت او از اعتقاد خود باز می گردند، جز کسانی که خداوند عزوجل پیمان ولایت ما را از آنان گرفته و ایمان را در قلوب آنان ثبت کرده و مورد تأیید اویند. سپس فرمود: ای احمد این تقدیر و سرّی است از اسرار خداوند، پس تو آنچه یافتی نگهدار و پنهان کن و شاکر خداوند باش تا فردای قیامت در علین با ما باشی. (۱)

(نمونه، أسأله عن الخلف - طول الغیبه)

دعا برای فرج آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام زمان (علیه السلام) در ضمن یکی از توقیعات خود به اسحاق بن یعقوب فرمود: «وأكثروا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجكم...» یعنی فراوان برای تعجیل فرج دعا کنید، چرا که همین دعا فرج شماست. (۲)

ص: ۶۲

۱- - کمال الدین، ص ۳۸۴.

۲- - کمال الدین، ص ۴۸۵.

محمد بن عثمان - که یکی از نواب اربعه غیبت صغری می باشد - گوید: در آخرین ملاقات خود با امام زمان (علیه السلام) او را نزد کعبه دیدم که می گفت: اللَّهُمَّ انجز لی ما وعدتني یعنی خدایا آنچه را به من وعده داده ای منجز و عملی کن. (۱)

محمد بن عثمان نیز گوید: من امام زمان (علیه السلام) را دیدم که در مستجار پرده ی کعبه را گرفته بود و می فرمود: «اللَّهُمَّ انتقم بی من أعدائك» یعنی خدایا به واسطه من از دشمنان خود انتقام بگیر. (۲)

در کتاب مزار کبیر مرحوم محمد بن المشهدی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هر کس دعای معروف به دعای عهد را در چهل صبحگاه بخواند از یاران و انصار قائم ما (علیه السلام) خواهد بود، و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند هنگام ظهور او را زنده می نماید و از قبر خارج می کند و از انصار آن بزرگوار می شود، و به هر کلمه ای از این دعا خداوند هزار حسنه به او می دهد، و هزار گناه او را می بخشد، و آن دعا این است: «اللَّهُمَّ ربَّ النور العظیم...» (۳)

(نمونه، اللهم بلغ مولانا)

مؤلف گوید: در فرازهایی از این دعای شریف برای فرج امام زمان (علیه السلام) دعا شده است مانند: «اللَّهُمَّ أرنی طلعتہ الرشیدة و غرته الحمیدة...» و «عجل فرجه و سهّل مخرجه و أوسع منهجه...» و «اللَّهُمَّ و سیر نبیک محمداً صلّی الله علیه و آله الطاهرین برؤیتہ...» و «عجل لنا ظهوره إنهم یرونه بعیداً و نراه قریباً برحمتک با أرحم الراحمین...» و «العجل العجل العجل یا صاحب الزمان».

مرحوم شیخ طوسی نیز در مصباح المتهدّج صفحه ۵۸ گوید: در ذیل دعای مفصّلی آمده: «اللَّهُمَّ فصل علی محمد و آل محمد و عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و لا تسؤنی فی نفسی و لا فی أحد من أحبّتی...» (۴)

استغاثه به حضرت مهدی و ائمه دیگر (علیهم السلام)

صاحب مزار کبیر مرحوم ابن مشهدی درباره استغاثه به آن حضرت گوید: هر کجا هستی دو رکعت نماز [مانند نماز صبح] بخوان و رو به قبله زیر آسمان به ایست و بگو: «سلام الله الکامل التام الشامل

ص: ۶۳

۱- صحیفه المهدی (علیه السلام)، ص ۲۷۴.

۲- همان، ص ۲۷۶.

۳- مزار محمد بن المشهدی، ص ۶۶۴.

۴- دعوات راوندی، ص ۱۳۴.

العام...» تا « و کشف کربتی» و سپس هر چه می خواهی دعا کن ان شاء الله حاجات تو برآورده خواهد شد. (۱)

(نمونه، سلام الله الکامل)

در کتاب دعوات مرحوم قطب الدین راوندی آمده که گوید: ابوالوفای شیرازی برای من نقل کرد و گفت: من در کرمان به دست ابن الیاس اسیر و در غل و زنجیر بودم و اطلاع یافتم که می خواهند مرا بکشند، پس حضرت زین العابدین (علیه السلام) را به درگاه خدا شفیع قرار دادم، ناگهان خواب، مرا ربود و در خواب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم، و او به من فرمود: برای امور دنیا به من (و به دخترم فاطمه) و به دو فرزندم (حسن و حسین) توسّل پیدا مکن، و برای آخرت خود و رسیدن به فضل خداوند به ما توسّل پیدا کن. سپس فرمود: و اما برادرم ابوالحسن [علی بن ابیطالب (علیه السلام)] او می تواند برای تو از ظالم انتقام بگیرد. پس من عرضه داشتم: یا رسول الله مگر فاطمه (علیها السلام) مظلومه نبود و علی (علیه السلام) صبر کرد؟ و مگر ارث او را از شما غصب نکردند و او صبر کرد؟ پس چگونه برای من انتقام جویی می کند؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: این عهدی بود که من به او سپرده بودم و چیزی بود که من به او امر کرده بودم و او چاره ای جز صبر نداشت و به وظیفه خود عمل کرد. و لکن الآن وای بر کسانی که متعزّض دوستان او بشوند، چرا که او از آنان دفاع خواهد نمود. سپس فرمود: و اما علی بن الحسین (زین العابدین علیه السلام) را برای نجات از سلاطین و فساد شیاطین باید به او توسّل نمود.

و اما محمّد بن علی و جعفر بن محمّد (علیهما السلام) را برای آخرت باید به آنان توسّل نمود.

و اما موسی بن جعفر (علیهما السلام) را برای عافیت باید به او توسّل نمود.

و اما علی بن موسی (الرضا علیه السلام) را برای نجات در سفرهای زمینی و دریایی باید به او توسّل نمود.

و اما محمّد بن علی (جوادلأئمه علیه السلام) را برای توسعه روزی باید به او توسّل نمود.

و اما علی بن محمّد (الهادی علیه السلام) را برای قضای نوافل و احسان به برادران دینی باید به او توسّل نمود.

و اما حسن بن علی (العسکری علیه السلام) را برای امور آخرت باید به او توسّل نمود.

ص: ۶۴

و اما حجه (بن الحسن المهدي عليه السلام) را هنگام خطر شمشیر و کشته شدن باید به او توسل نمود، و اوست که به فریاد تو می رسد، و او فریادرس و پناه هر استغاثه کننده ای است.

پس گفتم: «یا مولای یا صاحب الزمان انا مستغيث بك» و ناگهان دیدم شخصی از آسمان پایین آمد و اسبی (و شهری) زیر قدم های او بود و به دست او شمشیری از نور بود، پس گفتم: ای مولای من مرا از شرّ کسی که به من آزار می کند نجات بدهید، فرمود: «من تو را نجات خواهم داد» و چون صبح شد ابن الیاس مرا خواست و غل و زنجیر را از من باز کرد و گفت: به چه کسی پناهنده شدی؟ گفتم: به کسی که او فریادرس بیچارگان است. (و او خداوند عزّوجلّ نجات مرا درخواست نمود و الحمد لله ربّ العالمین)

مرحوم صاحب وسائل الشیعه گوید: نماز امام زمان دو رکعت است در رکعت اول و دوّم باید «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را صد مرتبه تکرار کند، و پس از اتمام سوره حمد سوره «قل هو الله أحد» را بخواند و پس از سلام بگوید: «اللهم عظم البلاء و برح الخفاء ...» تا «یا مولای یا صاحب الزمان» و این جمله را سه مرتبه بگوید و سپس بگوید: «الغوث الغوث، أدرکنی أدرکنی، الأمان الأمان» [و حاجت خود را بخواند].^(۱)

(نمونه، صلاه الحجه)

صاحب مزار کبیر گوید: پس از زیارت عسکریین (علیهما السلام) اذن دخول بگیر و با وقار و آرامش وارد سراب امام زمان (علیه السلام) شو و دو رکعت نماز در صحن سرداب بخوان و بگو: «الله اکبر الله اکبر، لا إله إلا الله و الله اکبر و الله الحمد، الحمد لله الذی هدانا لهذا و عرفنا اولیاءه و أعداءه و وقفنا لزیاره أئمتنا، و لم يجعلنا من المعاندین الناصبین، و لا من الغلاة المفوضین، و لا من المرتابین المقصّیرین» سپس بگو: السلام علی ولیّ الله و ابن اولیائه، و السلام علی المدّخر لکرامه الله و بوار أعدائه ... تا این که گوئی: «اللهم إني أدين لك بالرجعه بين يدي صاحب هذه البقعه، الغوث الغوث الغوث یا صاحب الزمان...» تا این که گوئی: «و صلّى الله على محمّد و آله الطاهرين. سپس داخل صفا شو و دو رکعت نماز بخوان بگو: «اللهم عبدك الزائر في فناء وليك المزور، الذي فرضت طاعته على العبيد و الأحرار ...» تا «یا ربّ العالمین».^(۲)

(نمونه، بلاغ الصالحین - یا صاحب الزمان)

ص: ۶۵

۱- وسائل الشیعه آل البیت، ج ۸/۱۸۵.

۲- مزار کبیر، ص ۶۵۹، مصباح الزاهر، ص ۲۲۹، بحار ج ۱۰۳/۱۰۲.

صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين

صاحب مزار کبير مرحوم محمد بن مشهدی گوید: توقيعی از ناحیه امام زمان (علیه السلام) برای یعقوب بن یوسف ضرباب غسانی به دست خادمه آن حضرت رسید و حدیث آن مفصل است و ما آن را مختصر نمودیم و مقدار نیاز آن را آوردیم. و آن این است که خادمه آن بزرگوار به یعقوب بن-یوسف ضرباب غسانی گوید: آقا می فرماید: هنگامی که می خواهی صلوات بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بفرستی چه می گویی؟ یعقوب بن یوسف می گوید: گفتم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد كأفضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم إنک حمید مجید» خادمه گفت: چنین مگو بلکه هر گاه بر آنان صلوات می فرستی نام همه آنان را باید ببری. گفتم: آری [چنین خواهم کرد]. پس او روز بعد آمد و دفتر کوچکی با خود آورده بود و گفت: آقا می فرماید: هنگامی که می خواهی بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات بفرستی طبق این نسخه صلوات بفرست. پس من آن نسخه را گرفتم و متن آن چنین بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ...» تا «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱)

(نمونه، المصطفى في الظلال - المطهر من كل آفة)

مؤلف گوید: یکی از ادله افضلیت محمد و آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) بر جمیع پیامبران و اوصیاء روایات فراوانی است که تأکید بر صلوات بر آن بزرگواران دارد و ما به بخشی از آن اشاره می کنیم و در پایان کتاب «کشکول عجایب» نیز تفصیلاً بیان کردیم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «الدعاء محبوب عن الله حتى يُصلی علی محمد و آل محمد» - صلوات الله عليهم اجمعين - یعنی دعا از صعود به درگاه خداوند ممنوع است تا بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده شود. (۲)

و فرمود: «لا- تصلوا علی الصلاه التبراء» یعنی بر من صلوات ناقص نفرستید، اصحاب گفتند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: صلوات ناقص این است که بر آل من صلوات نفرستید. (۳)

(نمونه، الصلاه التبراء)

ص: ۶۶

۱- جمال الأسبوع، ص ۳۰۶-۳۰۱، مزار محمد بن المشهدی، ص ۶۶۷.

۲- مصابیح السنه، ج ۴/ص ۱۹۳.

۳- احقاق الحق، ج ۹/۶۳۷-۶۳۶.

جابر گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی هر صبح و شام بگوید: «اللهم صلّ علی محمد ال محمد، واعط محمداً الدرجه و الوسيله فی الجنّه، اللهم یاربّ محمد صلّ علی محمد و آل محمد، و اجز محمداً عنّا ما هو أهله، و ابعث سبعین کاتباً ألف صباح بذلك» حتی از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر او نمی ماند، جز آن که ادا کرده و خداوند او و پدر و مادرش را می آمرزد و با محمد و آل محمد (علیهم السلام) محشور می شود. (۱)

(نمونه، الف صباح بذلك)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که یکصد مرتبه بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) صلوات بفرستد، خداوند یکصد حاجت او را برآورده می کند. (۲)

(نمونه، له ما ه حاجه - مره قضی)

کعب بن عجزه گوید: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته شد: ما سلام بر شما را دانستیم، آیا صلوات بر شما چگونه است؟ فرمود: بگویید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، کما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم إنک حمید مجید» (۳)

(نمونه، فکیف الصلاه)

امام الصادق (علیه السلام) فرمود: شنبه برای ماست، و یکشنبه برای شیعیان ماست، و دوشنبه برای دشمنان ماست، و سه شنبه برای بنی امیه است، و چهارشنبه روز آشامیدن دواست، و پنجشنبه روز برآورده شدن حوائج است، و جمعه روز نظافت و خوشبویی است، و آن عید مسلمین است، و افضل از فطر و قربان می باشد، و روز غدیر افضل از جمیع اعیاد است، و آن روز هیجدهم ذی حجه می باشد و روز غدیر روز جمعه بوده است، و قائم ما نیز روز جمعه قیام می کند، و قیامت نیز روز جمعه به پا می شود، و هیچ عملی در روز جمعه بهتر از صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست. (۴) (نمونه، و تقوم القيامة يوم الجمعة)

زید شحام گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «هیچ عملی در روز جمعه بهتر از صلوات بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) نیست، گرچه یکصد مرتبه و یا یک مرتبه باشد» پس من عرضه داشتم: چگونه باید صلوات بفرستیم؟ فرمود: می گویی: «اللهم اجعل صلواتک و صلوات

ص: ۶۷

۱- همان.

۲- مناقب ابن مغزلی، ص ۲۹۵ ح ۳۳۸.

۳- احقاق الحق، ج ۹/۵۴۹-۹/۵۲۴.

۴- خصال، ج ۲/۳۲.

ملائکتک و انبیائک و رسلک و جمیع خلقک علی محمد و اهل بیت محمد، علیه و علیهم السلام و رحمه الله برکاته» (۱).

(نمونه، کیف اصلی علیهم)

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: کسی که قدرت بر کارهایی که کفاره گناهان او شود را ندارد، باید فراوان بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) صلوات بفرستد، چرا که صلوات گناهان را منهدم می کند. و فرمود: صلوات بر محمد و آل محمد معادل تکبیر و تهلیل و تسیح خداوند است. (۲)

و در مستدرک سفینه البحار آمده که بنی اسرائیل هنگامی که به دست آل فرعون شکنجه می شدند، خداوند به موسی (علیه السلام) وحی نمود: به آنان بگو: هر کاری را با صلوات بر محمد و آل پاک او شروع کنید، تا عذاب آل فرعون بر آنان سبک شود. و بنی اسرائیل از تعرض آل فرعون به زنان و دخترانشان شکایت کردند، به آنان گفته شد: به زن ها و دخترانتان بگوئید بر محمد و آل او صلوات بفرستید تا نجات پیدا کنند ... (۳)

(نمونه، صلین علی محمد و آله)

نگاه به چهره مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام)

مرحوم ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از کتاب شرف النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردم در مسجد نماز می خواندند، و ابوذر ایستاده بود و به چهره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نگاه می کرد! و چون مردم از علت آن سؤال کردند فرمود: من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: نگاه به چهره امیرالمؤمنین (علیه السلام) عبادت است، و نگاه به چهره پدر و مادر با رأفت و رحمت عبادت است، نگاه در مصحف (یعنی قرآن) عبادت است، و نگاه به کعبه عبادت است. (۴)

(النظر الی علی)

در کتاب بشاره المصطفی نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شخصی نزد آن حضرت آمد و گفت: یا رسول الله آیا ندیدید که فلانی با سرمایه کمی با کشتی یه چین سفر کرد و در مدّت کوتاهی، درآمد زیادی را به دست آورد که دوستانش به او حسد بردند و از آن درآمد به خویشان و همسایگان خود کمک کرد؟

ص: ۶۸

۱- بحار الانوار، ج ۸۶/۳۳۳.

۲- بحار، ج ۹۴/۴۷ و ۶۳.

۳- بحار الانوار ج ۱۳/۵۷ و ج ۹۴/۶۱.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۹/۱۵۳.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مال دنیا هر چه زیاد شود بلای صاحب آن بیشتر خواهد شد و شما حسرت صاحبان مال را نخورید، جز آن که صاحبان مال اموال خود را در راه خدا صرف نمایند، و لکن اگر می خواهید من کسی را به شما معرفی می کنم که با سرمایه کمتر و مدّت کوتاه تری درآمد بیشتر و بزرگتری را به دست آورده و برای او از خیرات در خزائن عرش الهی پاداش فراوانی ذخیره شده است؟

اصحاب عرض کردند آری او کیست؟ فرمود: بنگرید به کسی که اکنون وارد می شود. راوی حدیث گوید: پس ما نظر کردیم و دیدیم مردی از انصار که هیئت و وضع مرتبی نداشت وارد شد، و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: امروز از این مرد از خیرات و طاعات به قدری به درگاه خداوند بالا رفته که اگر تقسیم همه اهل آسمان ها و اهل زمین بکنند، کمترین سهم یکی از آنان آمرزش گناهان و و وجوب دخول در بهشت خواهد بود! اصحاب گفتند: مگر او چه کرده است؟ رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: از او سؤال کنید تا برای شما بگوید: در این روز چه کرده است؟ پس اصحاب به طرف او رفتند و به او گفتند: بشارت رسول خدا برای تو مبارک باد، مگر تو امروز چه کرده ای که این ثواب های فراوان برای تو نوشته است؟ آن مرد گفت: من امروز کاری نکرده ام، جز این که برای کاری از خانه خارج شدم و چون ترسیدم که به حاجت خود نرسم با خود گفتم: به جای آن می روم به چهره علی بن ابی طالب(علیه السلام) نگاه می کنم، را که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده بودم که می فرمود: نگاه به چهره علی بن ابی طالب(علیه السلام) عبادت است. پس رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری به خدا سوگند عبادت است و چه عبادت بزرگی است. سپس به او فرمود: ای بنده خدا تو از خانه خود خارج شدی تا برای قوت عیال خود دیناری را به دست بیاوری، و چون به آن نرسیدی به جای آن رفتی و به چهره علی بن ابی طالب(علیه السلام) نگاه کردی چرا که او را دوست می داشتی و معتقد به فضل او بودی، و این برای تو ارزش مندتر این است که همه دنیا طلا باشد، و تو آن ها را در راه خدا صرف نمایی، و پاداش هر نفسی که در این را کشیده ای این است که هزار نفر را که مستحق عذاب باشند شفاعت کنی و آنان را از عذاب دوزخ نجات دهی. (۱)

(نمونه، عبادت و ایّ عبادت)

ص: ۶۹

نگاه به ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: «نگاه به ذریه ما عبادت است» گفته شد: آیا نگاه به ائمه از شما خانواده عبادت است و یا نگاه به همه ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است؟ فرمود: نگاه به جمیع ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است، به شرط آن که از مسیر و منهاج آن حضرت جدا نشده باشند، و خود را آلوده به گناهان نکرده باشند. (۱)

(نمونه، النظر إلى ذریتنا عباده)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که بخواهد به من توسل پیدا کند، حقی به من پیدا کند تا در قیامت از او شفاعت کنم، باید به اهل بیت من صله و احسان نماید، و آنان را شاد نماید.

و فرمود: کسی که در دنیا قیراطی به اهل بیت من صله و احسان نماید، در قیامت به اندازه قنطار به او احسان خواهم کرد. (۲)

(نمونه، من اراد التوسل الیّ)

و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود: نگاه به کعبه، و نگاه به صورت پدر و مادر [با محبت] و نگاه به خط قرآن بدون قرائت، و نگاه به صورت عالم، و نگاه به آل محمد [و سادات] و ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است. (۳)

(نمونه، النظر الى الكعبه)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نگاه فرزند به پدر و مادر از روی محبت عبادت است. (۴)

(نمونه، نظر الولد الی والدیه)

و فرمود: نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمن خود از روی محبت عبادت است. (۵)

(نمونه، نظر المؤمن)

و فرمود: نگاه به چهره عالم از روی محبت عبادت است. (۶)

(نمونه، النظر فی وجه العالم)

نجات ذریه فاطمه (علیها السلام) و منسوبین او از آتش دوزخ

مرحوم صدوق در کتاب امالی با سند خود از امام باقر (علیه السلام) نقل نمود که می فرماید: من از جابر بن عبدالله انصاری می شنیدم که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که قیامت بر پا می شود دخترم فاطمه (علیها السلام)

سوار بر ناقه بهشتی می شود که پیشاپیش او مزین، و قدم های او از لؤلؤ تازه و ... و تاجی از نور بر سر اوست که هفتاد رکن دارد، و هر رکنی مرصع به درّ و

ص: ۷۰

-
- ۱- عیون، ج ۱/۵۵.
 - ۲- روضه الواعظین، ص ۲۷۳.
 - ۳- وسائل الشیعه، ج ۸/۶۲۱.
 - ۴- مستدرک الوسائل، ج ۹/۱۵۲-ح ۱۰۵۲۵.
 - ۵- همان، ح ۱۰۵۲۷.
 - ۶- همان.

یاقوت است و مانند ستاره درّی در افق آسمان نور می دهد، و در طرف راست او هفتاد هزار ملک و در طرف چپ او هفتاد هزار ملک قرار دارند، و جبرئیل افسر ناچه ی او را گرفته، و با صدای بلند می گوید: «ای مردم چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمّد (علیهاالسلام) عبور کند» پس هر رسول و پیامبر و صدّیق و شهیدی چشمان خود را می بندد تا فاطمه (علیهاالسلام) عبور کند، سپس فاطمه (علیهاالسلام) محازی عرش پروردگار جلّ جلاله قرار می گیرد و از ناچه خود پایین می آید و می گوید:

«ای پروردگار من ای مولای من حکم کن بین من و بین کسانی که به من ظلم کردند و فرزندانم را گشتند».

ناگهان ندا می رسد: ای حبیبه من و ای دختر حبیب من! سؤال کن تا به تو عطا شود، و شفاعت کن تا پذیرفته شود، سوگند به عزّت و جلالم امروز هیچ ظالمی نمی تواند از مجازات من نجات پیدا کند. پس فاطمه (علیهاالسلام) می گوید: «الهی و سیدی و ذرّیتی و شیعتی شیعه ذرّیتی و محبّی و محبّ ذرّیتی» یعنی خدایا به فریاد ذریه و شیعیان من و شیعیان ذریه من و دوستان من و دوستان ذریه من برس.

ناگهان از ناحیه خدای عزّوجلّ ندا می رسد: کجائید ذریه فاطمه و شیعیان و دوستان او، و دوستان ذریه او؟ پس همه آنان آماده می شوند و ملائکه رحمت آن ها را احاطه می کنند، و فاطمه (علیهاالسلام) آنان را داخل بهشت می نماید. (۱)

(نمونه، تقبل ابنتی فاطمه علی ناچه)

مؤلف گوید: مؤید روایت فوق روایتی است که دلالت می کند آتش بر منسوبین به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نیز حرام است جز ابولهب و ابوجهل که مستحق آتش هستند به خاطر دشمنی با آن حضرت.

مرحوم کلینی در کتاب کافی با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل نمود که فرمود: جبرئیل (علیه السلام) بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نازل شد و گفت: ای محمّد پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید: من آتش را بر پدر و مادر تو و کسی که تو را در دامن خود تکفل نموده پرورش داده حرام نمودم و مقصود از تکفل کننده ابوطالب است.

و در روایت ابن فضال فاطمه بنت اسد نیز تکفل کننده آن حضرت نامیده شده است. (۲)

(نمونه، صلب انزلک)

ص: ۷۱

۱- - امالی صدوق، ص ۷۰، بحارالانوار، ج ۴۳ ص ۲۱۹ ح ۱.

۲- - کافی، ج ۱/۴۴۶ ح ۲۱.

و عجیب این است که برخی از مخالفین - از اهل تسنن - فکر کرده اند که حضرت ابوطالب (علیه السلام) چون مشرک بوده و داخل در جهنم می شود و لکن به خاطر خدماتی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نموده آتش او را آزار نمی دهد در حالی که ابوطالب و همه اجداد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تابع دین ابراهیم (علیه السلام) بوده اند و هرگز اهل شرک و بت پرستی نبوده اند و حضرت ابوطالب (علیه السلام) همان گونه که در روایات ما آمده چون شیخ مکه بوده تقیه نموده و اسلام خود را آشکار نکرده تا بتواند از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حمایت کند و به همین علت خداوند دو پاداش به او می دهد چنان که در تفسیر آیه ۲۸ سوره حدید «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ...» آمده است.

امام صادق (علیه السلام) از پدران او از امیرالمؤمنین (علیهم السلام) نقل نموده که آن حضرت هنگامی که در رحبه و حیات مسجد کوفه نشسته بود و مشغول قضاوت بود و مردم در اطراف او بودند، شخصی برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین شما دارای همان مقامی هستید که خداوند برای شما خواسته است، در حالی که پدر شما در جهنم معذب است.

و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به او فرمود: ساکت شو خدا دهانت را خورد کند. سپس فرمود: سوگند به خدایی که حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به حق پیامبر خود قرار داد، اگر پدر من برای همه گنهکاران روی زمین شفاعت کند، خداوند شفاعت او را می پذیرد، آیا پدر من در آتش معذب است، و فرزند او قسیم الجنه و النار است؟! سوگند به خدایی که حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبری مبعوث نمود، نور پدر من ابوطالب در قیامت غالب بر انوار همه خلائق است مگر نور پنج نفر که آنان: حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) و من و فاطمه و حسن و حسین و فرزندان او ائمه (علیهم السلام) می باشند.

تا این که فرمود: نور ابوطالب (علیه السلام) از نور ما می باشد، و خداوند عزوجل او را دو هزار سال قبل از خلقت آدم (علیه السلام) خلق کرده است. (۱)

(نمونه، و ابوک معذب فی النار)

ص: ۷۲

و در روایتی آمده که عباس عموی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن حضرت سوال کرد: شما درباره ابوطالب چه امیدی دارید؟ و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر چیزی را برای ابوالب از خداوند امیدوار هستم. (۱)

(نمونه، ما ترجو لابی طالب)

مجالس ذکر آل محمد (علیهم السلام)

عبد بن کثیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من به یکی از قصه پردازها برخورد کردم و او مشغول قصه پردازی بود و می گفت: «این مجلسی است که سبب شقاوت کسی نمی شود» امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیئات هیئات، او به خطا سخن گفته است» و به ضرب المثل بین عرب تمثّل نمود و فرمود: أخطأت أستاذهم الحفّره».

و سپس فرمود: خداوند جز ملائکه کرام کاتبین، ملائکه ای دارد که روی زمین سیر می کنند و هنگامی که به مجلسی برخورد می کنند که اهل آن مشغول به مذاکره [علوم] محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) هستند، به همدیگر می گویند: توقّف کنید که به حاجت خود رسیدید، پس در آن مجلس شرکت می کنند و از مطالب و دانش آن بهره مند می شوند و هنگامی که آن مجلس به پایان می رسد از مریض های آنان عیادت می کنند، و جنازه هایشان را تشییع می نمایند، و از غایبین آنان تفقّد می کنند، و این آن مجلسی است که اهل آن به شقاوت نمی رسند. (۲)

(نمونه، بقاص یقص)

یکی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) به نام میسر گوید: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: آیا شما بین خود خلوت می کنید؟ و احادیث ما را بازگو می کنید؟ و هر چه را می خواهید می گوئید؟ گفتم: آری به خدا سوگند ما خلوت می کنیم و احادیث شما را بازگو می کنیم و آنچه را می خواهیم می گوئیم.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند من دوست می دارم که در بعضی از مجالس شما می بودم، چرا که به خدا سوگند من شما را دوست می دارم، و از ارواح شما لذت می برم، به خاطر این که شما بر دین خدا و دین ملائکه او هستید، پس با ورع و اجتهاد خود ما را یاری کنید. (۳)

(نمونه، لوددت انی معکم)

امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: برای ابلیس و جنود او چیزی کشنده تر از زیارت برادران دینی از همدیگر - برای خدا - نیست، و هنگامی که دو نفر مؤمن همدیگر را ملاقات می کند و به یاد خدا

ص: ۷۳

۱- - کتر الفوائد، ص ۸۰.

۲- - کافی، ج ۲/۱۸۶ ح ۳.

هستند، و فضائل ما اهل البیت را مذاکره می کنند، گوشت و صورت هر ابلیسی از بین می رود و از ناراحتی و شدت درد استغاثه می کند، و ملائکه آسمان و خزانه بهشت و هر ملک مقربیی چون این حالت را احساس می کنند او را لعنت می نمایند، و ابلیس در آن حال مطرود و ناتوان خواهد شد. (۱) (نمونه، یذکران فضلنا - الّا تخدّد)

نشستن در مجالس ذکر خداوند

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر مسلمان [مؤمنی] که در مصلاهی خود بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب بنشیند و ذکر خدا را بگوید، پاداش حجاج بیت الله را خواهد داشت، و خداوند او را می آمرزد. (۲) (نمونه، جلس فی مصلاه)

و در سخن دیگری فرمود: هنگامی که باغستان های بهشت را یافتید، از آن ها بهره بگیرید. اصحاب گفتند: یا رسول الله! باغستان های بهشت چیست؟ فرمود: مجالس ذکر، باغستان های بهشت است. (۳)

(نمونه، فارتعوا فیها)

و در سخن دیگری فرمود: هیچ مردمی در مجالس خود ذکر خدا را نمی گویند، جز آن که منادی خداوند از آسمان به آنان می گوید: به پاخیزید که گناهانتان مبدل به حسنات گردید، و همه شما بخشیده شدید، تا این که فرمود: هر جمعیتی که در مجلس خود ذاکر خدا باشند، ملائکه با آنان همنشین خواهند شد.

و فرمود: هیچ قومی در مجلس خود ذکر خدا را نمی گویند، مگر آن که ملائکه الهی گرد آنان جمع خواهند شد و رحمت خدا آنان را در بر خواهد گرفت، و سکینه و آرامش الهی بر آنان فرود خواهد آمد، و آنان را متذکر و بیدار خواهد کرد. (۴) (نمونه، وغشیتهم الرحمه - و تنزلت علیهم السکینه)

و در سخن دیگری فرمود: هنگامی که ملائکه به حلقه ها [و جلسات] ذکر برخورد می کنند، بالای سر آنان می ایستند، و همراه گریه آنان گریه می کنند، و دعای آنان را آمین می گویند... تا این که فرمود: و خداوند سبحان به ملائکه می فرماید: شما شاهد باشید که من آنان را بخشیدم، و از آنچه می ترسند به آنان امان دادم. پس ملائکه می گویند: فلانی بین آنان بود و ذاکر تو نبود؟ و خداوند در پاسخ ملائکه می

ص: ۷۴

۱- کافی، ج ۲/۱۸۸ ح ۷.

۲- روضه الواعظین، ص ۳۹۱.

۳- همان.

۴- همان.

فرماید: او را نیز به خاطر مجالست با آنان بخشیدم. چرا که ذاکرین من کسانی هستند که هم نشین آنان به شقاوت نمی رسد. (۱)

(نمونه، علی حلق الذکر)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر فرمود: نشستن یک ساعت در جلسه مذاکره علم برای تو بهتر از عبادت یک سال است که روزهای آن را روزه باشی و شب های آن را به عبادت طی کنی، و نگاه به چهره عالم برای تو بهتر از آزاد کردن هزار بنده می باشد. (۲)

(عند مذاکره العلم)

ذکر فضائل و مصائب آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین)

امام صادق (علیه السلام) به فضیل بن یسار فرمود: هر کس نام ما را ببرد و یا نام ما نزد او برده شود، و به خاطر [مظلومیت] ما متأثر شود و گریه کند، گرچه به اندازه بال مگسی اشک او جاری شود، خداوند گناهان او را می بخشد گرچه به اندازه کف روی دریا باشد. (۳) (نمونه، من ذکرنا عنده)

ابوهارون مکفوف گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «ای ابهارون برای من مرثیه حسین (علیه السلام) را بخوان» پس من مرثیه ای را خواندم و آن حضرت گریه کرد، و فرمود: همان گونه که بین خودتان با سوز و رقت می خوانید بخوان» پس من گفتم:

أمرر علی جدتِ الحسین

فقل لأعظمه الزکیه

یا أعظماً لازلت من

و طفاء ساکبه رویه

و إذا مررت بقبره

فاطل به وقف المطیبه

و ابک المطهر للمطهر

و المطهره النقیه

کبکاء معوله أت

و آن حضرت باز گریان شد و فرمود: بیش از این بخوان پس من قصیدہ دیگری را خواندم و او باز گریان شد، و من صدای گریہ خانوادہ آن حضرت را از پشت پردہ شنیدم، و چون فارغ شدم بہ من

ص: ۷۵

۱- - وسائل الشیعہ، ج ۷/۲۳۲.

۲- - مستدرک الوسائل، ج ۹/۱۵۳.

۳- - محسن، ج ۱/۶۳ ح ۱۱۰.

فرمود: ای اباهارون هر کس در مصائب امام حسین (علیه السلام) شعری بخواند و بگیرد و ده نفر را گریان کند، بهشت برای او نوشته می شود، و کسی که شعری بخواند و گریه کند، و پنج نفر را بگیراند، بهشت برای او نوشته می شود، و کسی که در مصائب امام حسین (علیه السلام) شعری بخواند و گریه کند، یک نفر را بگیراند، بهشت برای آن دو نوشته می شود، سپس فرمود: و هر کس با شنیدن نام حسین (علیه السلام) به اندازه بال مگسی گریه کند، پاداش او بر خداوند خواهد بود، و خداوند به کمتر از بهشت برای او راضی نمی شود. (۱)

(نمونه، انشدنی فی الحسین)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ذکر ما اهل بیت شفای از تب و بیماری و وسواس - در شبهه و شک - می باشد، و دوستی ما سبب خشنودی خداوند تبارک و تعالی می باشد. (۲) (نمونه، و حَبْنَا رَضِيَ الرَّبِّ)

مرحوم کلینی در «باب تذاکر الإخوان» از ابو حمزه ثمالی نقل نموده که گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: شیعیان ما به همدیگر ترحم می کنند، و هنگامی که در خلوت قرار می گیرند، خدا را یاد می کنند، و یاد ما نیز یاد خداوند محسوب می شود، و یاد دشمنان ما یاد شیطان محسوب می شود. (۳)

(نمونه، ذکرنا ذکرالله)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: برخی از ملائکه آسمان چون اطلاع پیدا می کنند که یک نفر و یا دو نفر و یا سه نفر از شما مشغول به ذکر فضائل آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) هستید، و به همدیگر می گوید:

آیا نمی بینید این ها با عدد ناچیز خود در مقابل دشمنان فراوانی که دارند فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیان می کنند؟! و ملائکه دیگر می گویند: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۴)

(نمونه، یصفون فضل آل محمد)

امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: در هیچ مجلسی سه نفر و بیشتر از مؤمنین اجتماع نمی کنند، مگر آن که همان اندازه از ملائکه حاضر می شوند، و چون دعا می کنند، آنان آمین می گویند، و اگر از شرّ دشمنان خود به خدا پناه ببرند، آنان نیز از خداوند می خواهند که شرّ دشمنان را از آنان برطرف نماید، و

ص: ۷۶

۱- - کامل الزیارات، ص ۲۰۸.

۲- - محاسن، ج ۱/۶۲.

۳- - کافی، ج ۲/۱۸۶.

۴- - همان/۱۸۷ ح ۴.

اگر از خداوند حاجتی طلب کنند، ملائکه نیز از خداوند می خواهند تا حاجت آنان را برآورده نماید. سپس فرمود:

اگر در مجلسی سه نفر از منکرین [ولایت اهل البیت (علیهم السلام)] جمع شوند قطعاً ده برابر آنان از شیاطین گرد آنان جمع می شوند، و با آن ها سخن می گویند، و سخنانشان را تکرار می کنند، و اگر خنده کنند آنان نیز خنده می کنند، و اگر یکی از مؤمنین در چنین مجالسی گرفتار شود، باید آن مجلس را ترک کند، و همنشین و شریک شیطان نشود، چرا که غضب خداوند عزوجل و لعنت او را کسی نمی تواند جلوگیری کند.

سپس فرمود: و اگر نتواند از آن مجلس خارج شود، باید با قلب خود آن مجلس را انکار کند، گر چه مدت آن به اندازه دوشیدن گوسفندی و یا شتری باشد. (۱) (نمونه، دعوا بخیر أمنوا)

مذاکره احادیث و احیای معارف اهل البیت (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) - همان گونه که گذشت - به بعضی از اصحاب خود فرمود: آیا جلسه برقرار می کنید سخنان ما را بیان می نمایید؟ راوی گفت: آری. امام (علیه السلام) فرمود: من این مجالس را دوست دارم و هنگامی که شما جمع شدید، باید امر ما را احیا نمایید. سپس فرمود: خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا می کنند. [و امر آنان حفظ شریعت جدشان می باشد و شیعیان در زمانی که امامشان محدودیت دارد باید شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) را از خطرها حفظ نمایند و از آنان دفاع کنند و ...] (۲) (نمونه، فاحیوا امرنا)

امام باقر (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود به نام میسر فرمود: آیا خلوت می کنید و سخنان ما را بیان می کنید و آنچه را می خواهید [بدون تقیه] بین خود می گوید؟ میسر گوید: گفتم: آری والله چنین می کنیم. فرمود: به خدا سوگند من دوست می دارم که در برخی از این مجالس با شما باشم ... (۳)

و در سخن دیگری فرمود: خدا رحمت کند بنده ای را که یاد ما را زنده می کند. راوی گوید: گفتم: زنده کردن یاد شما به چیست؟ فرمود: ملاقات با اهل ثبات [و معتقدین به ولایت ما] و مذاکره سخنان و احادیث ما می باشد. (۴)

ص: ۷۷

۱- - همان، ص ۱۸۷ ح ۶.

۲- - وسائل، ج ۱۲/۲۰.

۳- - همان، ص ۲۱.

۴- - همان.

و در سخن دیگری به فضیل بن یسار فرمود: آیا بین خود مجلس برقرار می کنید؟ فضیل گوید: گفتم: آری، فرمود: به با این مجلس. (۱)

و در سخن دیگری به اصحاب خود فرمود: جمع شوید و احادیث ما را مذاکره کنید تا ملائکه اطراف شما جمع شوند، خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا می کنند. (۲)

امام صادق (علیه السلام) نیز به اصحاب خود فرمود: رعایت تقوای الهی را بکنید، و برای خدا با همدیگر برادران نیک و با محبتی باشید، و به همدیگر کمک و ترحم نمایید، و به زیارت و ملاقات همدیگر بروید، و درباره امر ولایت و امامت ما مذاکره کنید، و امر ما را احیا نمایید. (۳)

(نمونه، بدره متحابین فی الله)

و در سخن دیگری فرمود: ملاقات با برادران دینی غنیمت و خیر بزرگی است. (۴)

(نمونه، لقیة الاخوان مغنم)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بنگرید با چه کسانی مذاکره می کنید، چرا که هر کس می خواهد از دنیا برود رفقا و اصحاب او مقابلش مُمَثَّل می شوند، و اگر رفقای او در دنیا خوب بوده اند در آن وقت نیز خوبان رفقای او هستند، و اگر بد بوده اند در آن وقت رفقای بدی خواهد داشت، و احدی نمی میرد مگر آن که من هنگام مرگ مقابل او مُمَثَّل خواهم شد. (۵) (نمونه، انظروا من تحدّثون)

ابن عباس گوید: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته شد: کدام همنشینین خوب است؟ فرمود: کسی که شما با دیدن او به یاد خدا بیفتید، و سخن او بر علم شما بیفزاید، و عمل او شما را به آخرت ترغیب نماید. (۶) (نمونه، ای الجلساء خیر - فی علمکم منطقه)

مؤلف گوید: مرحوم علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الأنوار بابی به نام «مذاکره علم و دین و مجالست با علما و حضور در مجالس علم و مذمت از مجالست و رفت و آمد با جهال» باز نموده و از

ص: ۷۸

۱- همان.

۲- همان، ص ۲۲ ح ۱۵۵۴۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲/۲۲ ح ۱۵۵۳۹.

۴- وسائل، ج ۸/۴۱۰.

۵- وسائل، ج ۸/۴۱۱ ح ۱۵۵۴۵.

انس بن مالک نقل کرده که گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که مؤمن از دنیا می رود اگر ورقی از علم [دین] از او باقی مانده باشد، آن ورق در روز قیامت بین او و بین آتش جهنم ستر خواهد بود، و خداوند به هر حرفی که در آن نوشته شده شهری در بهشت به او می دهد که وسیع تر از هفت برابر دنیا می باشد.

سپس فرمود: و هر مؤمنی که یک ساعت نزد عالم [دینی برای کسب معارف دین] بنشیند خداوند عزوجل به او ندا می کند: حال که در کنار حبیب من نشستنی به عزت و جلالم سوگند من تو را در بهشت در کنار او قرار خواهم داد و باکی از آن ندارم. (۱)

(نمونه، مات و ترک ورقه)

امام صادق(علیه السلام) به داوود بن سرحان فرمود: ای داوود سلام مرا به دوستانمان برسان و بگو: من در حق شما دعا می کنم و می گویم: خدا رحمت کند آن بنده ای را که در کنار برادر دینی خود قرار بگیرد و درباره ولایت ما با همدیگر سخن بگویند، چرا که سومی آنان ملکی خواهد بود که در حق آنان دعا می کند، و هرگاه دو نفر با همدیگر درباره ما سخن بگویند، خداوند به خاطر آنان بر ملائکه مباحثات می کند، پس هرگاه شما در کنار همدیگر قرار گرفتید مشغول به ذکر خدا باشید، چرا که اجتماع و مذاکره شما سبب احیای امر ما می باشد، و بهترین مردم بعد از ما کسی است که سخن از ما بگوید و مردم را به یاد ما بیاورد] و آنان را دعوت به ولایت ما نماید[(۲) (نمونه، یا داوود ابلغ موالی عنی السلام)

صله و احسان به آل محمد(علیهم السلام) و شیعیان آنان

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: هنگامی که قیامت برپا می شود و خداوند اولین و آخرین را جمع می کند، منادی خداوند با صدای بلند می گوید: کسی که به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) حقی دارد قیام کند، پس گروهی از مردم به پا می ایستند، و به آنان گفته می شود: شما چه حقی بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) دارید؟ و آنان می گویند: ما بعد از او به اهل بیت او احسان می کردیم.

پس به آنان خطاب می شود: بین مردم گردش کنید، و هر کس را دیدید که بر شما حقی دارد او را با خود به بهشت ببرید. (۳) (نمونه، صله آل محمد)

ص: ۷۹

۱- بحارالانوار، ج ۱/۱۹۸ ح ۱.

۲- بحارالانوار، ج ۱/۲۰۰ ح ۸.

۳- محاسن، ج ۱/۶۲ ح ۱۰۹.

امام صادق(علیه السلام) نیز فرمود: کسی که به ما صله و احسان کند، به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) احسان کرده است، و کسی که به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) احسان و صله کرده باشد، به خداوند صله نموده است. (۱)

(نمونه، من وصلنا)

و فرمود: کسی که به شیعیان ما احسان کند به امیرالمؤمنین(علیه السلام) احسان نموده است، و کسی که به آن حضرت احسان کند به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) احسان نموده و کسی که به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) احسان کند به خداوند احسان کرده کسی که به خدا احسان کند، به خدا سوگند او در رفیع اعلی با ما خواهد بود... (۲)

(نمونه، من احسن الی شیعتنا)

امام صادق(علیه السلام) نیز فرمود: از صله به آل محمد(علیهم السلام) از مال خود دریغ نکنید: و هر کس به اندازه قدرت و توان خود باید به آنان احسان کند، غنی به اندازه دارائی و تمکن خود و فقیر نیز به اندازه توان خود، و هر کس بخواهد، خداوند مهم ترین حاجت او را برآورده کند، باید به آل محمد(علیهم السلام) و شیعیان آنان صله و احسان داشته باشد، و تا می تواند به آنان احسان کند. (۳) (نمونه، صله آل محمد)

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...» (۴)

از جابر از امام باقر از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: احسان به پدر و مادر، و صله رحم حساب قیامت را آسان می کند. و سپس آیه فوق را تلاوت نمود.

سپس مرحوم طبرسی در تفسیر آیه فوق از امام کاظم(علیه السلام) نقل نموده که فرمود: صله و احسان به آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) معلق به عرش خداوند است و می گوید: خدایا احسان کن به کسی که به من احسان نموده، و احسان خود را قطع کن از کسی که احسان خود را از من قطع کرده است. سپس فرمود: این آیه درباره هر رحم و خویشی جاری است. (۵)

(نمونه، یهونان الحساب)

مرحوم علامه مجلسی در بحار از امالی صدوق از ابوبصیر از امام صادق(علیه السلام) نقل نموده که فرمود: هنگامی که خداوند در قیامت اولین و آخرین را جمع می کند، ظلمت و تاریکی آنان را فرا می

ص: ۸۰

۱- همان.

۲- مناقب، ج ۲/ص ۳۶۱.

۳- تحف العقول، ص ۵۱۴.

۴- رعد/ ۲۱.

گیرد، و آنان به درگاه پروردگار خود ناله و ضججه می زنند و می گویند: خدایا این ظلمت را از ما برطرف فرما. پس گروهی که نور آنان زمین قیامت را روشن نموده است فرا می رسند، و اهل قیامت چون آنان را می بینند می گویند: این ها پیامبران هستند، و از ناحیه خداوند ندا می آید، که این ها پیامبران نیستند. پس اهل محشر می گویند: این ها ملائکه هستند، و از ناحیه خداوند ندا می رسد: این ها ملائکه نیستند، سپس اهل محشر می گویند: این ها شهدا می باشند، و از ناحیه خداوند ندا می رسد: که این ها شهدا نیستند. پس اهل محشر می گویند: خدایا این ها کیانند؟ و از ناحیه خداوند ندا می رسد: ای اهل محشر شما از آنان سؤال کنید که چه کسانی هستید؟

پس اهل محشر به آنان می گویند: شما کیانید؟ و آنان می گویند: ما فرزندان علی (علیه السلام) و ذریه محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزندان علی ولی الله هستیم، و ما مخصوصین به کرامت الله، و امنون و مطمئنون می باشیم، پس از ناحیه خداوند عزوجل ندا می رسد: «شما درباره شیعیان و دوستان خود شفاعت کنید» و آنان شفاعت می کنند، و شفاعتشان پذیرفته می شود. (۱) (نمونه، اضاء ارض القیامه)

دعبل بن علی از امام رضا از پدران از امیرالمؤمنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: من در قیامت از چهار نفر شفاعت خواهم نمود: ۱- کسی که بعد از من به ذریه من اکرام و احسان نماید، ۲- کسی که حوائج آنان را برآورده کند، ۳- کسی که سعی کند هنگام اضطرار، امور آنان را اصلاح نماید، ۴- کسی که با قلب و زبان خود آنان را دوست بدارد. (۲)

(نمونه، أربعه انالهم شفیع یوم القیامه)

عمران بن معقل گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: از صله و احسان مالی خود به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دریغ نکنید، غنی به اندازه غنای خود، و فقیر به اندازه فقر خود، بنابراین هر کس بخواهد خداوند بالاترین حاجت او را برآورده کند، باید به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و شیعیان شان احسان کند، گرچه خود سخت ترین نیاز را به مال خود داشته باشد. (۳) (نمونه، صله آل محمد)

ص: ۸۱

۱- بحار الانوار، ج ۲۱۷/۹۳.

۲- بحار الانوار، ج ۲۲۰/۹۳.

۳- بشاره المصطفی، ص ۲۴- بحار الانوار، ج ۲۱۶/۹۶.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: من برای طول عمر چیزی را بهتر از صلّه رحم سراغ ندارم، حتی اگر سه سال به عمر کسی باقی مانده باشد و صلّه رحم کند، خداوند سی سال بر عمر او می افزاید، و اگر کسی سی سال عمر داشته باشد و قطع رحم کند سی سال از عمر او کم می شود. (۱)

(نمونه، یزید فی العمر - الّا صلّه الرحم)

اقامه مجالس عزا برای مصائب محمّد آل محمّد (علیهم السلام)

مؤلف گوید: اقامه ی مجالس عزا و ذکر مصائب اهل البیت (علیهم السلام) یک امر مسلم و سیره متشرعه بلکه سیره معصومین (علیهم السلام) بوده مخصوصاً نسبت به مصائب حضرت سیدالشهداء و عزیزان و اهل بیت و اصحاب آن حضرت و تاکنون این سیره و روش ادامه دارد و معصومین (علیهم السلام) قولاً و فعلاً و تأییداً مشروعیت آن را اثبات نموده اند. چه نیکوست ما در این موضوع و جمیع امور خود به سیره آن بزرگواران عمل کنیم و از اعمال دیگری که شبهه حرمت و بدعت دارد و نسبت دادن آن ها به معصومین (علیهم السلام) صحیح نیست، پرهیز کنیم و گمان نکنیم که ابکاء و گریاندن با نسبت های خلاف واقع ثواب و پاداشی دارد، چرا که دروغ از محرّمات است و در این موضوع حرمت آن برداشته نشده است، بنابراین خواندن روضه های دروغ که در هیچ مقتلی نامی از آن ها برده نشده اگر به صورت زبان حال نباشد، حرام خواهد بود، و کیفر نسبت دروغ به معصومین را خواهد داشت و روایت «من بکی أو أبکی أو تبأکی وجبت له الجنّه» هرگز به این معنا نیست که ما با نسبت دروغ دادن به معصوم (علیه السلام) کسی را در مجلس عزا بگریانیم و فکر کنیم که پاداش آن بهشت است.

اکنون سیره ائمه (علیهم السلام) را به طور اختصار نقل می کنیم تا روشن شود معنای عزاداری و نوحه سرایی و شبیه خوانی و زبان حال گوئی چیست، و از خداوند متعال برای همه دوستان اهل البیت (علیهم السلام) آروزی موفقیت و عصمت و سداد کلام طلب می نمائیم.

مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) می فرماید: من در برخی از مآلفات متأخرین دیدم که دعبل خزاعی گوید: در ایام عاشورا بر حضرت رضا (علیه السلام) وارد شدم و او را حزین و مصیبت زده دیدم و اصحاب او را دیدم که اطراف او نشسته بودند و چون آن حضرت مرا دید فرمود: «خوش آمدی مرحباً بناصرنا بیده و لسانه» سپس مرا در کنار خود نشانند و فرمود: ای دعبل من دوست دارم که در این ایام -

ص: ۸۲

که ایام حزن و اندوه ما اهل بیت و ایام سرور و شادی دشمنان ما به یژه بنی امیه باشد - برای من اشعاری را بخوانی؟

سپس فرمود: «ای دعبل کسی که برای مصائب ما بگریید و بگریاند دیگری را گرچه یک نفر باشد پاداش او بر خداوند خواهد بود، ای دعبل کسی که بر مصائب جدم حسین (علیه السلام) گریه کند خداوند قطعاً گناهان او را می بخشد». سپس امام (علیه السلام) برخاست و پرده ای بین ما و خانواده خود زد، و اهل بیت خود را پشت پرده نشانید و به من فرمود: «ای دعبل برای جدم حسین مرثیه بخوان، همانا تو تا زنده هستی ناصر و مداح ما خواهی بود، و تا می توانی از یاری ما کوتاهی مکن» پس اشک من جاری شد و گفتم:

أفطم لو دخت الحسین مجدلاً

و قد مات عطشاناً بشط فرات

إذن للطمت الخدّ فاطم عنده

وأجريت و مع العين فی الوجنات

أفطم قومی یا ابنه الخیر و اندبی

نجوم سماوات بأرض فلات

قبور بکوفان و اخری بطیبه

واخری بفتح نالها صلواتی

قبور ببطن النهر من جنب کربلا

معز سهم منها بشط فرات

توافوا عطاشا بالعراء فلیتنی

توفیت فیهم قبل حین وفاتی

إلی الله أشکو لوعه عند ذکرهم

سقتنی بکأس الثکل والفظعات

إذا فخرُوا یوما أتوا بمحمّدٍ

و جبريل والقرآن والسُورَات

وعدّوا عليّاً ذَا المناقب والعُلا

ص: ٨٣

وفاطمه الزهراء خير بناتٍ

إلى قوله

سأبكيهم ما حجج الله راكب

وما ناح قمرى على الشجرات

فيا عين بكيهم وجودى بعبره

فقد آن للتسكابُ والهملات

بنات زيادٍ فى القصور مصونه

و آل رسول الله منتهكات

وآل زياد فى الحصون منيعه

وآل رسول الله فى الفلوات

ديار رسول الله أصبحن بلقعا

وآل زيادٍ تسكن الحجرات

وآل رسول الله نحف جسومهم

وآل زيادٍ غلظ القصرات

وآل رسول الله تدمى نحورهم

وآل زيادٍ ربّه الحجلات

وآل رسول الله تسبى حريمهم

وآل زياد آمنوا السربات

إذا وتروا مدّوا إلى واتريهم

أكفأ عن الأوتار منقبضات

سأبكيهم ما ذرّ في الأفق شارق

ونادى منادى الخير للصلوات

وما طلعت شمس وحن غروبها

وبالليل أبكيهم وبالغدوات

ص: ٨٤

أقول: و سیاتی تمام القصیده و شرحها فی أبواب تاریخ الرضا(علیه السلام)^(۱) (نمونه، فرأیته جالساً الحزین)

گریه برای مظلومیت اهل البیت به ویژه سیدالشهداء و عزیزان و اهل البیت آن حضرت(علیهم السلام)

از روایات و سیره ائمه(علیهم السلام) استفاده می شود که گریه و عزاداری برای امام حسین(علیه السلام) سبب خشنودی خدا و رسول او و ائمه معصومین(علیهم السلام) است و آن دری از درهای رحمت الهی و وسیله نجات و آمرزش گناهان و دخول در بهشت می باشد، و عزاخانه های آن حضرت مورد توجه امام زمان و خشنودی آن بزرگوار است، و دعا در این مجالس مستجاب می شود، و اگر کسی بیماری روحی و جسمی دارد باید در این شفاخانه ها از خداوند بهبودی و نجات خود را طلب کند، و همان گونه که تربت قبر مطهر آن حضرت شفاست مجالس عزای او نیز شفاخانه می باشد و ... و بهترین راه ارتباط با خاندان نبوت(علیهم السلام) همین است و اگر کسی باور ندارد باید آثار این مجالس را از اقامه کنندگان سؤال کند، و ما تردید نداریم که ائمه معصومین و شخص امام زمان(علیه السلام) در این مجالس شرکت می کنند و قطعاً وجود آنان در این مجالس برای عزاداران و گریه کنندگان سبب هدایت و نجات و شفا و قضای حوائج آنان خواهد بود.

امام صادق(علیه السلام) فرمود: کسی که نام ما [و مظلومیت ما] نزد او برده شود و برای مظلومیت ما به اندازه بال مگسی گریه کند، گناهان او را می بخشد گرچه به اندازه کف روی دریا باشد.^(۲)

(نمونه، و لو مثل جناح الذباب)

امام صادق(علیه السلام) نیز به فضیل فرمود: جلسه می گیرید و از ما سخن می گوئید؟ فضیل گوید: گفتم: آری. فرمود: من این مجالس را دوست می دارم، و شما باید در این مجالس امر ما را احیا کنید، خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را زنده می کنند، سپس همان حدیث بالا را فرمود.^(۳)

ص: ۸۵

۱- - بحار الأنوار، ج ۴۵/۲۵۷.

۲- - وسائل الشیعه، ج ۱۰/۳۹۱.

۳- - همان، ح ۳.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: امام سجّاد (علیه السلام) می فرمود: هر مؤمنی که برای [مظلومیت] امام حسین (علیه السلام) گریه کند و اشک او به خاطر مصائب ما بر گونه هایش جاری شود، خداوند او را در جایگاه صدق جای خواهد داد، و هر مؤمنی که به خاطر ما آزاری [از دشمنان مان] ببیند، و به خاطر مصائب ما گریه کند، خداوند در قیامت او را از آزار و آتش و سخط خود ایمن خواهد نمود. (۱)

(نمونه، فیما مسنا من الادی)

حسین بن ثویر گوید: من و یونس بن ظبّیان و مفضل و ابوسلمه سراج خدمت امام صادق (علیه السلام) نشستیم و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید، آسمان ها (و زمین ها) و آنچه بین آنها و آنچه در بهشت و دوزخ از مخلوق خدا بود، و آنچه دیده می شد و آنچه دیده نمی شد برای او گریه کردند، جز سه چیز که برای او گریه نکردند، یونس گوید: گفتم: آن سه چیز چه بود؟ فرمود: بصره و دمشق و آل عثمان بن عفّان بر او گریه نکردند. (۲)

(نمونه، لم تبک علیه السلام)

زراره گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای زراره آسمان برای حسین (علیه السلام) چهل روز خون گریه کرد، و زمین برای حسین (علیه السلام) چهل روز گریه سیاه نمود، و خورشید چهل روز برای حسین (علیه السلام) گرفته شد و قرمز گردید، و کوه ها از هم جدا شد و پراکنده گردیدند و دریاها شکافت، و ملائکه چهل روز بر حسین (علیه السلام) گریه کردند، و پس از شهادت حسین (علیه السلام) هیچ زنی از ما خضاب و سرمه و روغن مالی و زینت نکرد، تا سر عیدالله زیاد ملعون را برای ما آوردند، و از آن پس ما همواره گریان بودیم، و جدّم (زین العابدین علیه السلام) هر گاه به یاد پدر خود حسین می افتاد گریه می کرد و از اشک او محاسن اش پر از آب می شد، و هر کس او را می دید از روی ترحم گریه می نمود، و ملائکه ای که نزد قبر حسین (علیه السلام) هستند همواره گریه می کنند، و از گریه آنان هر چه در هوا و آسمان از ملائکه هستند، گریه کنند.

تا این که امام صادق (علیه السلام) غیظ جهنم را برای قاتلین امام حسین (علیه السلام) بیاد آورد و فرمود: جهنم بر حسین (علیه السلام) ندبه و گریه می کند، و همواره بر قاتلین امام حسین (علیه السلام) شعله ور می شود، و اگر حجت های خدا روی زمین نمی بودند، زمین شکافته می شد، و اهل خود را فرو

ص: ۸۶

۱- - وسائل، ج ۱۰/۳۹۲.

۲- - مستدرک الوسائل، ج ۱۰/۳۱۳.

می برد ... تا این که فرمود: و هر بنده ای در قیامت گریان محشور می شود، جز کسانی که در دنیا بر جدم حسین (علیه السلام) گریه کرده اند، و اینان با چشم روشن و شادی و بشارت وارد محشر می شوند، و اهل محشر در ترس و وحشت می باشند، و گریه کنان بر جدم حسین (علیه السلام) در قیامت در امان خواهند بود، و چون مخلوق خدا در قیامت بر خداوند عرضه می شوند، و گریه کنندگان جدم در زیر عرش با حسین (علیه السلام) سخن می گویند، و از سختی حساب قیامت نمی ترسند، و به آنان گفته می شود: «داخل بهشت شوید، و آنان از رفتن به بهشت خودداری می کنند، و مجالست و سخن گفتن با حسین (علیه السلام) را انتخاب مینمایند، در حالی که حورالعین بهشتی و ولدان مخلصین برای آنان پیام می دهند و می گویند: ما مشتاق ملاقات شما هستیم، و آنان به آنها توجه نمی کنند، چرا که مجالست با امام حسین (علیه السلام) برای آنان شیرین تر می باشد... (۱)» (نمونه، إن السماء بکت علی الحسین)

خواندن شعر در مصائب امام حسین (علیه السلام)

در کتاب کامل زیارات از ابوهارون مکفوف نقل شده که گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «ای اباهارون برای من در مصائب امام حسین (علیه السلام) اشعاری را بخوان» پس من اشعاری را خواندم و آن حضرت گریه کرد و فرمود: «همان گونه که بین خود با رقت و سوز می خوانید بخوان» پس من گفتم:

أمر علی جَدَّتِ الحسین - فقل لأعظمه الزکیه

و آن حضرت گریه کرد و فرمود: «بیشتر بخوان» و من قصیده دیگری را خواندم و آن حضرت گریه کرد و من صدای گریه زن ها را از پشت پرده شنیدم و چون فارغ شدم به من فرمود: ای اباهارون هر کس در مصائب امام حسین (علیه السلام) شعری بخواند و گریه کند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او نوشته می شود، و کسی که شعری بخواند و گریه کند و دیگری را بگریاند برای آن دو بهشت نوشته می شود، و هر کسی که نام امام حسین (علیه السلام) نزد او برده شود و به اندازه بال مگسی گریه کند پاداش او بر خدا خواهد بود، و خداوند به کمتر از بهشت برای او راضی نمی شود. (۲) (نمونه، أنشدنی فی الحسین)

ص: ۸۷

۱- - مستدرک الوسائل، ج ۱۰/۳۱۴ ح ۱۲۰۷۷.

۲- - بحار الانوار، ج ۴۴/۲۸۸ از کامل زیارات، ص ۲۰۸.

و در همان کتاب از ابوعمارہ مُنشد نقل شده که گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «ای اباعمارہ برای من شعری در مصائب حسین (علیه السلام) بخوان» و من شعری خواندم و آن حضرت گریه کرد، و باز برای او شعری خواندم و او گریه کرد، و به خدا سوگند من پیایی اشعاری را خواندم و او گریه می کرد، تا این که صدای گریه از خانه امام بلند شد، و امام (علیه السلام) به من فرمود: ای اباعمارہ کسی شعری در مصائب حسین (علیه السلام) بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر چهل نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر سی نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر بیست نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر ده نفر را بگریاند بهشت برای او خواهد بود، و اگر شعری بخواند و یک نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر شعری بخواند و خود را گریه کند بهشت برای او خواهد بود، و کسی که شعری در مصائب حسین (علیه السلام) را بخواند و تباکی کند، بهشت برای او خواهد بود. (۱)

(نمونه، فانشدته مرثیه الحسین)

پاداش یاد امام حسین (علیه السلام)

داوود رقی گوید: من نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که آن حضرت آب طلب کرد و چون نوشید دیدم اشک او جاری شد و فرمود: ای داوود! خدا لعنت کند قاتل حسین (ع) را. سپس فرمود: هر بنده ای که آب بنوشد و یادی از امام حسین (علیه السلام) بکند و بر قاتل او لعنت نماید، خداوند برای او یکصد هزار حسنه می نویسد، و یکصد هزار گناه او را برطرف می کند، و یکصد هزار درجه او را بالا می برد، و پاداش آزاد کردن یکصد هزار بنده را به او می دهد، و روز قیامت او را با دلی شاد و خنک محشور می نماید. (۲) (نمونه، ثلج الفؤاد)

در کتاب شجره طوبی نقل شده که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به شیعیان خود وصیت نموده که هنگام آشامیدن آب او را یاد کنند. [و بر قاتل او لعنت بفرستد] و فرموده است:

«شیعتی مهما شربتم عذب مای فاذکرونی - أو سمعتم بغریبٍ أو شهید فاندبونی»

و سفارش نموده که بر او اشک بریزد و بلند بلند گریه کنند، و به فرزند خود امام سجاد (علیه السلام) فرموده است: هنگامی که به مدینه بازگشتی سلام مرا به شیعیانم برسان و بگو: پدرم غریب بود و به شهادت رسید، و شما برای او گریه و ندبه کنید، و خداوند، سفید کند صورت شیعیان ما را، اگر به

ص: ۸۸

۱- کامل الزیارات، ص ۲۰۸ ح ۲۹۸، بحار الانوار ج ۴۴/۲۸۲.

۲- کامل الزیارات، ص ۲۱۲، بحار الانوار، ج ۴۴/۳۰۳.

وصیّت پدرم عمل کنند و هرگز او را فراموش ننمایند و هر گاه آب می نوشید او را بیاد آورید، و هنگامی که او را یاد کنند و مصائب او را می شنوند بر او گریه و ندبه نمایند. (۱)

(نمونه، مهما شربتم عذب ماء)

مؤلف گوید: آنچه صاحب کتاب شجره طوبی نقل نموده ما در هیچ کتابی نیافتیم.

چنان که اشعاری که معروف شده و می گویند آن حضرت از گلوی بریده خود به دخترش فرمود: به شیعیان من بگو:

لیتکن فی یوم عاشورا جمیعاً تنظرون - کیف أستسقی لطفی فأبوا أن یرحمونی ...

در هیچ مقتلی یافت نشد. والله العالم.

پاداش غم و اندوه در مصائب آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

عیسی بن ابی منصور گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: نفس کسی که برای مظلومیت ما غصه مند و غمگین است، پاداش تسییح خدا را دارد، و غصه مندی او به خاطر ما، عبادت است، و کتمان سر ما، پاداش جهاد فی سبیل الله را دارد.

عیسی بن ابی منصور گوید: محمد بن سعید به من گوید: این حدیث را با آب طلا بنویس، چرا که من حدیثی بهتر از این حدیث را ننوشته ام. (۲)

(نمونه، نفس المهموم لنا)

و در امالی شیخ مفید از ابان تغلب از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: نفس کسی که برای مظلومیت ما غصه مند و غمگین است، پاداش تسییح خدا را دارد، و اندوه او به خاطر ما، عبادت است، و کتمان سر ما جهاد فی سبیل الله است.

سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود: واجب است این حدیث با آب طلا نوشته شود. (۳)

(نمونه، نفس المهموم لظلمنا)

و در کتاب لواعج الأشجان سید محسن امین از امام حسین (علیه السلام) نقل شده که فرمود: من کشته ی اشکم و با حال کرب و مصیبت کشته می شوم و بر خداوند حق است که هر مکروبی که به زیارت من می آید شاد و مسرور به اهل خود باز گردد. (۴) (نمونه، أنا قتیل العبره)

ص: ۸۹

٢- - كافي، ج ٢/٢٢٦ ح ١٦.

٣- - بحار الانوار، ج ٢/١٤٧ ح ١٦، از مجالس مفيد، امالي مفيد، ص ٣٣٨ ح ٣.

٤- - لواعج الأشجان، ص ٥.

پاداش لعنت بر قاتلین امام حسین (علیه السلام)

علی بن عاصم گوید: به امام عسکری (علیه السلام) گفتم: من قدرت بدنی برای یاری شما را ندادم و تنها می توانم مؤالات و دوستی شما و بیزاری از دشمانتان را داشته باشم و در خلوت به دشمنان شما لعنت نمایم آیا حال من چگونه خواهد بود؟ حضرت عسکری (علیه السلام) فرمود: پدرم و از جدّم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نقل نمود که آن حضرت فرمود: کسی که از یاری ما اهل البیت ناتوان باشد و در اوقات خلوت به دشمنان ما لعنت کند، خداوند صدای او را به جمیع ملائکه می رساند، و ملائکه با او هم صدا می شوند، و هر که از دشمنان ما را او لعنت کند ملائکه نیز او را لعنت می کنند، و کسانی از دشمنان ما را که او لعنت نکرده آنان لعنت می نمایند، و چون صدای او به ملائکه می رسد ملائکه برای او استغفار و ثناخوانی می نمایند، و می گویند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ عَبْدِكَ هَذَا الَّذِي بَدَلَ فِي نَصْرِهِ أَوْلِيَاءَهُ جَهْدَهُ وَ لَوْ قَدَّرَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ لَفَعَلَ» یعنی خدایا درود بفرست بر روح این بنده خود که به اندازه توان خود اولیای تو را یاری نمود، و اگر قدرت بیشتری می داشت در یاری اولیای تو کوتاهی نمی کرد».

پس از ناحیه خداوند ندا می رسد: ای ملائکه من، من دعای شما را درباره این بنده خود مستجاب نمودم و ندای شما را شنیدم، و بر روح او و ارواح همه ابرار و نیکان درود فرستادم و او را از برگزیدگان خود قرار دادم. (۱)

(نمونه، ثواب اللعن)

و در تهذیب شیخ طوسی (رحمه الله) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت پس از هر نماز واجب چهار مرد و چهار زن را لعنت می نمود ... (۲)

(نمونه، فی دبر کل صلاه مکتوبه)

مؤلف گوید: روایات درباره لعنت نمودن پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) به ابوسفیان - در هفت موطن - و لعنت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به معاویه و عمروعاص و ابوموسی اشعری و ابوالاعور سلمی و یاران آنان فراوان است و روایت شده که معاویه بعد از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عراق آمد و چون به شام بازگشت خطبه ای خواند و به مردم گفت: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) به من گفت: «زود است که تو خلافت را به دست بگیری و باید شام را که ارض مقدسه است انتخاب کنی چرا که ابدال در آنجا هستند» سپس گفت: من شما را انتخاب کردم و شما باید

ص: ۹۰

۱- - مستدرک سفینه البحار، ج ۹/۲۶۴. بحار الانوار، ج ۵۰/۳۱۶.

۲- - همان، ص ۲۶۵.

ابوتراب را لعنت نمائید» از این رو شامیان علی (علیه السلام) را لعنت می کردند... (۱)

(نمونه، فاخر الأرض المقدسه)

و در روایات آمده که ثواب لعنت بر دشمنان اهل البیت (علیهم السلام) بیش از ثواب صلوات بر آنان است.

اسباب دوری از محمد و آل محمد (علیهم السلام)

مؤلف گوید: به طور خلاصه می توان گفت: شانزده چیز سبب دوری از محمد و آل محمد (صلوات الله) می شود:

۱- تصویب عمل غاصبین حق آل محمد (علیهم السلام) و اعتقاد به حقانیت آنان نسبت به غضب خلافت .

۲- پرهیز از معارف آل محمد (علیهم السلام) و نپذیرفتن روایات و سخنان آنان.

۳- عدم اعتقاد به ولایت تکوینی و تشریحی و امامت الهیه آنان .

۴- ارتباط با دشمنان محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) و طرح دوستی با آنان .

۵- دفاع از مسلک فاسد و هابیت و دشمنان اهل البیت (علیهم السلام) .

۶- عدم اعتقاد به غیبت امام زمان (علیه السلام) و تشکیک در انتظار فرج آن حضرت.

۷- تشکیک در ولایت فقیه در زمان غیبت.

۸- توهین به علمای شیعه به طور عموم.

۹- تشکیک در مظلومیت اهل البیت (علیهم السلام) .

۱۰- تشکیک در بیزاری از دشمنان اهل البیت (علیهم السلام) .

۱۱- عدم اعتقاد به زیارت قبور معصومین (علیهم السلام).

۱۲- عدم شرکت در مجالس ذکر آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین).

۱۳- توهین به مقدسات و شعائر مکتب اهل البیت (علیهم السلام).

۱۴- عدم دفاع از شیعیان و دوستان اهل البیت (علیهم السلام).

۱۵- عدم شرکت در مجالس عزای آل محمد(علیهم السلام) در اثر معاشرت با غرب زده های غافل و منحرف.

۱۶- بی تقوایی و بی حیایی و شهوت رانی و توهین به دوستان و شیعیان اهل البیت(علیهم السلام).

آنچه گفته شد تنها سبب دوری و فاصله گرفتن از آل محمد(علیهم السلام) نیست بلکه اکثر آن ها سبب کفر و شرک و عدم ایمان به خداوند و حقانیت دین و شریعت سید المرسلین(علیهم السلام) نیز می باشد، و راه نجات و سعادت را براهل آن مسدود می نماید و سبب عدم توفیق توبه و بازگشت به آئین حقه اسلامی می گردد، مع الاسف در زمان ما افکار و اعتقادات یاد شده فراوان گردیده و معلوم است که دشمن نامرئی چنین افکاری را با عناوین فریبنده و در لباس بیان حقیقت به مردم تزریق می نماید، از این رو نویسنده احساس خطر می کند و به مردم می گوید: مواظب عقائد خود باشید، چرا که دشمن می- خواهد شما را از مکتب اهل البیت(علیهم السلام) دور نماید.

از این رو مردم باید در زمان غیبت امام زمان(علیه السلام) به اخبار مربوط به آخرالزمان توجه کنند و امام زمان خود را خوب بشناسند و از دیانت خود واری نمایند و پیرو علمای ربّانی و نواب امام زمان خود باشند و گرنه دزدان دین آنان را فریب می دهند و نمی فهمند و در روایات معصومین(علیهم السلام) آمده که در آخرالزمان شخصی اول روز ایمان دارد و در آخر آن روز از ایمان جدا می شود و یا اول شب ایمان دارد و صبحگاه ایمان ندارد، و مردم فوج فوج از دین خارج می شوند و به این خاطر همواره باید دعای غریق را بخوانند راوی سؤال کرد: دعای غرق کدام است؟ امام صادق(علیه السلام) فرمود: بگو: یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» آنچه گفته شد اجمالی از اسباب دوری از مکتب اهل البیت(علیهم السلام) بود اکنون می گوئیم: راه های ارتباط و نزدیک شدن به خاندان نبوت - که سبب نجات و دور شدن از انحراف و رسیدن به حقانیت مکتب شیعه و قرب به خدا و اولیای او می شود - در مباحث آینده بیان خواهد شد، و نویسنده از خداوند استمداد می کند تا اسباب قرب به خاندان نبوت و اهل البیت(علیهم السلام) را در قالب عناوینی که در روایات آن بزرگواران آمده بیان کند و مردم شیرینی و لذت ارتباط با آن بزرگواران و سخنانشان را بیابند و با نزدیک شدن به آنان و بهره مندی از معارف شان هرگز توجه به دیگران یعنی منحرفین از ولایت نداشته باشند و همواره توجه کنند که پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما ان

تمسکتُم بهما لَن تزلوا بعدی ابدأً و إنهما لَن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض» (۱)

یعنی من دو چیز را برای هدایت شما جایگزین خود می‌نمایم: کتاب خدا و اهل بیت خود را و تا زمانی که شما به این دو چیز چنگ بزنید و از آن‌ها پیروی کنید هرگز گمراه نخواهید شد، و این دو چیز از همدیگر جدا نخواهند شد تا در قیامت کنار حوض کوثر مرا ملاقات نمایند، و مفهوم این حدیث شریف و متواتر این است که اگر از کتب خدا و عترت و اهل بیت من جدا شوید گمراه خواهید شد، و هرگز کتاب خدا از اهل بیت و اهل بیت من از کتاب خدا جدا نخواهند بود تا در قیامت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در کنار حوض کوثر ملاقات کنید، بنابراین کسانی که فکر می‌کنند بدون اهل بیت (علیهم السلام) نجات پیدا می‌کنند سخت در اشتباه هستند چرا که قرآن بدون بیان اهل بیت (علیهم السلام) هادی و نجاتبخش کسی نخواهد بود فاعتبروا یا اولی الألباب اللهم اهدنا من عندک و ما بنا من نعمه فمنک لا إله إلا أنت اللهم بک و منک و لک و إلیک و لا حول و لا قوه إلا بقدرتک و لا نجاه لنا من مکاره الدنیا و الآخرة إلا بعصمتک و لک الحمد دائماً سرمداً أولاً و آخراً.

راه های جدا شدن از آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) به طور تفصیل

ما به طور خلاصه راه های دوری از خاندان نبوت را بیان نمودیم اکنون تفصیل بعضی از آن‌ها را بیان می‌کنیم و از خداوند می‌خواهیم که ما را از این خاندان در دنیا و آخرت جدا نفرماید.

اولاً ترک راه های ارتباط با اهل بیت (علیهم السلام) نوعاً سبب قطع ارتباط با آنان می‌شود، و اگر کسی راه ارتباط خود را با خاندان نبوت قطع نماید، هیئات است که باز موفق به ارتباط با آنان بشود و این چیزی است که به تجربه رسیده است.

۱- مهم ترین علت جدائی از آل محمد (علیهم السلام) عدم معرفت به مقام و منزلت خاندان نبوت و انکار امامت آنان است که در بحث های گذشته به آن اشاره شد.

اصبغ بن نباته گوید: مردی نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و گفت: معنای آیه «وَعَلَى الْمَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ» (۲) چیست؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ما اعراف هستیم، و ما انصار خود را با سیمای آنان می‌شناسیم و ما همان اعرافی هستیم که خداوند شناخته نمی‌شود، مگر با معرفت ما، و ما همان اعرافی هستیم که بین بهشت و دوزخ می‌ایستیم و کسی داخل بهشت نمی‌شود مگر آن که

ص: ۹۳

۱- مسند احمد، ج ۳/۱۴.

۲- اعراف/۴۶.

ما را شناخته باشد و ما نیز او را شناخته و پذیرفته باشیم، و داخل آتش نمی شود مگر کسی که ما را انکار کرده باشد و ما نیز او را انکار کرده و نپذیرفته باشیم، چرا که خدای تبارک و تعالی اگر بخواهد [و شایسته باشد] توفیق معرفت می دهد و مردم به او معرفت پیدا می کنند و موخّید می شود، و از راه ما به او راه پیدا می کنند، چرا که او ما را ابواب و صراط و سبیل خود قرار داده است، و مردم باید بوسیله ما به درگاه او راه پیداکنند. (۱)

(نمونه، عرفنا و عرفناه)

مؤلف گوید: مضمون روایت فوق در چندین روایت دیگر در بصائرالدرجات و کافی و خصال و تحف العقول و غیره نقل شده و روشن ترین آن هاروایت نهم بصائرالدرجات است که در پاورقی مشاهده می شود. (۲)

(نمونه، اسمهما منکر و نکیر فاؤل)

۲- دیگران را به جای آل محمد (علیهم السلام) قرار دادن و آنان را شایسته امامت امت و خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) دانستن، نیز از مهم ترین علت جدایی از خاندان نبوت است، چنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حدیث «اربعامه» یعنی حدیث یکصد کلام نصیحت آمیزی که برای اصحاب خود بیان نمود، فرمود: بدانید که خداوند تبارک و تعالی نسبت به افراد متلّون [که هر روز رنگ عوض می کنند و روزی در گروه باطل دیده می شوند و روزی در گروه حق] خشم دارد، و شما مواظب باشید که از حق و ولایت اهل حق جدا نشوید، چرا که هر کس دیگران را به جای ما قرار بدهد [و آنان را به حاکمیت پذیرد] هلاک و گمراه خواهد شد، و با حسرت از دنیا خواهد رفت ... (۳) (نمونه، من استبدل بنا هلك)

حضرت زهرا (علیها السلام) نیز در پاسخ محمود بن لبید که گوید: من حضرت زهرا (علیها السلام) را کنار قبور شهدای احد دیدم که از فراق پدر گریه می کرد و به او گفتم: آیا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) قبل از وفات خود به امامت علی بن ابیطالب (علیه السلام) تصریح نمود؟ و او فرمود: واعجبا أنسیتم یوم غدیر خم؟ یعنی چه قدر سؤال تو عجیب است، آیا شما غدیر خم را فراموش کردید؟ ابن لبید گوید: گفتم: غدیر را می دانم و لکن می خواهم بدانم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) در این باره به شما چه فرموده است؟ حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: من خدای متعال را شاهد می گیرم که از پدرم

ص: ۹۴

۱- - بصائرالدرجات، ص ۵۱۷.

۲- - بصائرالدرجات، ص ۵۱۸.

۳- - خصال، ص ۶۲۶.

شنیدم که درباره علی (علیه السلام) فرمود: علی بهترین خلیفه و جانشینی است که من جانشین خود در بین شما قرار می دهم، و اوست امام و خلیفه بعد از من، و سپس دو سبط من حسن و حسین و نه نفر امام از صلب حسین، امامان پاک و نیکوئی هستند (که بعد از من خلیفه و جانشینان من خواهند بود ...)

تا این که فرمود: به خدا سوگند اگر این مردم حق را به دست اهلش واگذار کرده بودند و از عترت پیامبر خود پیروی نموده بودند، هرگز حتی دو نفر درباره دین خدا اختلاف پیدا نمی کردند، و خلافت و امامت به دست یکایک فرزندان من قرار می گرفت تا زمانی که نهمین امام از فرزندان حسینم قیام کند، و لکن این مردم کسانی را که خداوند کنار زده بود جلو انداختند و کسانی را که او جلو انداخته بود، کنار زدند، و هنگامی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به خاک سپرده شد با خواسته نفسانی و رأی [فاسد و دنیاطلبی] خود، دیگران را به جای آن حضرت انتخاب نمودند!! هلاکت باد بر آنان، آیا سخن خدا را نشنیدند که فرمود: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (۱)

آری شنیدند و لکن همان گونه که خداوند می فرماید: «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (۲) دل های آنان از پذیرفتن حق کور شده بود ... (۳)

(نمونه، من آخره الله)

ابوذر غفاری نیز پرده کعبه را گرفت و همین سخنان را به مردم فرمود. (۴) (نمونه، من آخره الله) (نمونه، لو قدمتم من قدمه الله)

ابن عباس نیز با آن که با ابوبکر بیعت نموده بود گفت: «لو قدموا من قدمه الله ...» (۵)

(نمونه، من آخره الله)

ام سلمه همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به شداد بن اوس همین سخن را فرمود. (۶)

(نمونه، من آخره الله)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در سرزنش و ملامت از غاصبین خلافت همین سخن را فرمود. (۷) (نمونه، من آخره الله)

ص: ۹۵

۱- - قصص ۶۸/.

۲- - حج ۴۶/.

۳- - بحار الانوار، ج ۳۶/۳۵۴، از کفایه.

۴- - شرح الأخبار، ج ۲/۴۹۹. احتجاج، ج ۱/۲۳۱.

۵- - کتاب اربعین، من محمد طاهر قمی، ص ۵۶۳.

۶- - بحار الانوار، ج ۳۶/۳۴۶.

۳- انکار فضائل و مقام و منزلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اولاد پاک آن حضرت نیز از اسباب جدا شدن از خاندان محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) می باشد.

مرحوم علامه مجلسی گوید: مرحوم پدرم [محمدتقی مجلسی] حدیث مفصلی را در یک کتاب قدیمی که برخی محدثین از اصحاب ما درباره فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) جمع آوری کرده بودند، یافته بود، و من نیز آن را در کتاب عتیقی یافتیم که مشتمل بر اخبار و احادیث فراوانی [در فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)] بود و آن حدیث این است که:

محمد بن صدقه گوید: ابوذر غفاری به سلمان (رضی الله عنهما) گفت: یا اباعبدالله معرفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عالم نوراتیت چگونه است؟ سلمان گفت: ای اباذر بیا تا نزد او برویم تا از او سؤال کنیم، ابوذر گوید: ما منتظر آن حضرت ماندیم تا او نزد ما آمد و فرمود: برای چه آمده اید؟ راوی حدیث محمد بن صدقه گوید: سلمان و ابوذر گفتند: «ما آمده ایم که از معرفت شما در عالم نوراتیت سؤال کنیم» امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آنان فرمود: مرحبا به شما دو دوست متعهد به دین که در امر دین خود کوتاهی نمی کنید. سپس فرمود: به جان خودم سوگند، بر هر زن و مرد مؤمنی واجب است که چنین سؤالی را بکند، تا این که فرمود: ایمان احدی کامل نمی شود تا به کنه معرفت و نوراتیت من برسد، هر گاه به چنین معرفتی برسد خداوند قلب او را بر ایمان ثابت می گرداند، و شرح صدر پیدا می کند، و اهل عرفان و بصیرت می گردد و کسی که از این معرفت آگاهی پیدا نکند، در شک و تردید خواهد ماند. تا این که فرمود: معرفت به نوراتیت من اگر برای کسی حاصل شود «معرفه الله» برای او حاصل شده است، و معرفه الله همان معرفت به من خواهد بود، و آن دین خالصی است که خداوند متعال می فرماید: «وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (۱) آیه می فرماید: مردم مأمور نشدند مگر به پذیرش نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که آن دین حنیف محمدیه سمحه و سهله است، و مقصود از «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ» اقامه ولایت من است و هر کس ولایت مرا بر پا کند، نماز را بر پا کرده است، و اقامه ولایت من کار بسیار سختی است که جز ملک مقرب و یا پیامبر مرسل و یا عبد ممتحن - که خداوند قلب او را بر ایمان آزموده باشد -

ص: ۹۶

تحمل آن را ندارد، از این رو اگر کسی پیامبر مرسل و یا مؤمن ممتحن نباشد تحمل آن را نخواهند داشت.

اباذر گوید: گفتم: یا امیرالمومنین مؤمن کیست و نهایت ایمان و حد آن چیست تا من آن را بشناسم؟ فرمود: مؤمن ممتحن کسی است که هر چه از ما به گوش او برسد استعداد پذیرفتن آن را دارد و هیچ شک و تردیدی در آن پیدا نمی کند.

سپس فرمود: ای اباذر من بنده خدا و خلیفه او بر بندگانش هستم، ما را خدا ندانید و هر چه می خواهید در فضیلت ما بگوئید، چرا که شما به نهایت و کنه فضائل ما نمی رسید، و خداوند عَزَّوَجَلَّ بزرگتر و بالاتر از آنچه به قلب شما خطور می کند را به ما عطا نموده است، و اگر این گونه ما را بشناسید مؤمن خواهید بود.

سلمان گوید: گفتم: ای برادر رسول خدا، آیا کسی که نماز را اقامه کند ولایت شما را اقامه نموده است؟ فرمود: آری ای سلمان چنین است و دلیل آن سخن خداوند می باشد که می فرماید: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۱)

و مقصود از صبر، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و مقصود از «الصلاه» اقامه ولایت من است، و به همین خاطر فرمود: «وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ» و نفرمود: «وَ إِنَّهُمَا لَكَبِيرَتَانِ» چرا که ولایت ما کبیر و سنگین است و جز خاشعون که همان شیعیان با بصیرت ما می باشند، کسی طاقت تحمل آن را ندارد، به خاطر این که صاحبان اقوایل باطله مانند جبریّه و قدریّه و خوارج و غیر آنان از دشمنان ما، به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) اقرار دارند و اختلافاتی بین آنان نیست، و در ولایت من اختلاف دارند و منکر آن هستند جز کمی از آنان که خداوند آنها را در قرآن توصیف نموده و می فرماید: «وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۲)

و درباره نبوت حضرت محمد و ولایت من می فرماید: «وَ بئْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ» (۳)

و «قَصْرٍ مَشِيدٍ» حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و «بئْرٍ مُّعْطَلَةٍ» ولایت من است که مردم آن را معطل نمودند و انکار کردند، در حالی که هر کس اقرار به ولایت من نکند، اقرار به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برای او سودی ندارد، و شما بدانید که نبوت و ولایت پیوسته به همدیگرند، چرا که

ص: ۹۷

۱- - بقره/۴۵.

۲- - بقره/۴۵.

۳- - حج/۴۵.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر مرسل و پیشوای همه خلائق است، و علی بعد از او امام خلق و وصی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: «أنت منی بمنزله هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی».

سپس فرمود: و اول ما محمد است و اوسط ما محمد است و آخر ما نیز محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و هر کس به من معرفت کامل داشته باشد، دارای دین قیم است چنان که خداوند می فرماید: «وَذَلِكِ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (۱) و من با کمک خدا و توفیق او این مسأله را برای شما روشن خواهم نمود.

سپس فرمود: ای سلمان و ای ابوذر. سلمان و ابوذر گفتند: «لیک یا امیر المؤمنین (صلوات الله علیک) امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: من و محمد نور واحدی از نور خدای عزوجل بودیم، و خداوند به آن نور امر کرد تا دو نصف شود، و به نصف آن فرمود: «محمد باش و به نصف دیگر فرمود: علی باش» از این رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «علی منی و أنا من علی و لا یؤدی عنی إلا علی» یعنی علی از من است و من از علی هستم و پیام من را جز علی نباید ابلاغ کند. . به همین علت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ابتداءً آیات اول سوره براءت را به ابوبکر داد که برای اهل مکه بخواند، و لکن جبرئیل (علیه السلام) آمد و گفت: ای محمد! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: لئیک. جبرئیل گفت: «خداوند به تو امر می نماید که این آیات را جز تو و یا کسی که از تو باشد نباید به اهل مکه ابلاغ نماید» از این رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا فرستاد تا به ابوبکر بگویم باز گردد، و ابوبکر ترسید و گفت: یا رسول الله آیا آیه ای از قرآن در مذمت از من نازل شده؟ فرمود: چیزی درباره تو نازل نشده جر این که این آیات را یا من باید به اهل مکه ابلاغ کنم و یا علی. سپس فرمود: ای سلمان و ای ابوذر - سلمان و ابوذر گفتند: «لئیک یا أخوا رسول الله» امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: کسی که صلاحیت و قابلیت بردن یک نامه را از طرف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد چگونه صلاحیت امامت امت را دارد؟! ای سلمان و ای ابوذر، من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نور واحد بودیم و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) محمد مصطفی گردید، و من وصی او [علی] مرتضی گردیدم و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ناطق گردید، و من صامت

ص: ۹۸

گردیدم، و در هر عصری باید ناطق و صامتی باشد، ای سلمان، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) منذر بود و من هادی هستم، چنان که خداوند می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۱)...

تا این که فرمود: من خاتم اوصیاء و صراط مستقیم، و النبأ العظیم الذی هم فیہ مختلون» هستم و احدی از مسلمانان اختلاف ندارند، جز در ولایت من، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صاحب دعوت شد و من صاحب سیف و شمشیر گردیدم ...

سپس فرمود: «ای سلمان و ای ابوذر» گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» آن گاه فرمود: من بودم که به امر پروردگار خود نوح را داخل کشتی قرار دادم، و یونس را از شکم ماهی خارج کردم، و موسی را از دریا عبور دادم، و ابراهیم را از آتش نجات دادم، و نهرهای آنان را جاری کردم، و چشمه ها را جوشش دادم و اشجارشان را غرس نمودم ...

تا این که فرمود: من در هر روز سخنان جباران و منافقان را با لغاتی که دارند می شنوم، و من معلم سلیمان بن داوود و ذوالقرنین و قدرت خدای عزوجل هستم، ای سلمان و ای اباذر من محمّد هستم و محمّد من است و من از محمد هستم و محمد از من است، چنان که خداوند می فرماید: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (۲)

ای سلمان و ای اباذر گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» فرمود: میت ما خانواده نمرده و غائب ما غائب نشده و کشته های ما هرگز کشته نشده اند ...

سپس فرمود: من امیر هر مرد و زن مؤمن از گذشته ها و آیندگان هستم و خداوند مرا به روح عظمت تأیید نموده، و من بنده ای از بندگان خدا هستم، ما را خدا نخوانید و هر چه می خواهید از فضائل برای ما بگویید، و شما هرگز به حقیقت فضائل ما نمی رسد، بلکه به عشری از اعشار آن نیز نمی رسید، چرا که ما آیات الله و دلائل او هستیم، و حجج الله و خلفای او می باشیم و ما امنای ائمه او هستیم و ما وجه الله، و عین الله، و لسان الله هستیم، و به واسطه ما خداوند عذاب نمی کند و ثواب می دهد ...

تا این که فرمود: هر کس به آنچه گفتم ایمان بیاورد، و تصدیق کند و به آنچه بیان کردم و تفسیر و شرح و توضیح دادم ایمان داشته باشد او مؤمن ممتحن است و خداوند قلب او را بر ایمان آزموده، و او را برای پذیرفتن اسلام شرح داده و او را عارف و صاحب بصیرت کامل خواهد بود، و کسی که در گفته های من شک و تردید و تحیر و انکار داشته باشد او مقصّر و اهل عداوت و دشمنی با ما می باشد.

ص: ۹۹

سپس فرمود: «ای سلمان و ای اباذر» گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صلوات الله عليك)» فرمود: من [همانند عیسی] با اذن خداوند زنده می‌کنم و می‌میرانم، و من به شما خبر می‌دهم که چه خورده‌اید و چه چیزهایی را در خانه‌های خود ذخیره کرده‌اید، و من عالم به اسرار شما هستم، و امام بعد از من از فرزندانم نیز همین چیزها را می‌دانند و اگر بخواهند بر آنچه من انجام می‌دهم توانائی دارند، چرا که همه ما [نور] واحد هستیم و اول ما و آخر ما و اوسط ما محمّد است، و کل ما محمّد هستیم، پس نباید شما فرقی بین ما قرار بدهید، و ما اگر بخواهیم، خداوند نیز می‌خواهد، و اگر کراهت داشته باشیم خداوند نیز کراهت دارد، و همه ویل و بدبختی برای کسی است که فضل ما و آنچه خدا به ما داده است را انکار نماید، چرا که هر کس فضائلی که خدا به ما عطا نموده است را انکار کند، قدرت خدا و مشیت او را درباره ما انکار کرده است.

سپس فرمود: «ای سلمان و ای اباذر» و آنان گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صلوات الله عليك)» فرمود: «خداوند بالاتر و بیشتر و بزرگتر از این‌ها را به ما عطا نموده است» سلمان گوید: ما گفتیم: یا امیرالمؤمنین بالاتر و بیشتر چیست؟ فرمود: خداوند به ما اسم اعظم خود را تعلیم نموده است که اگر بخواهیم می‌توانیم در آسمان‌ها و زمین و بهشت و دوزخ سیر کنیم، و به آسمان‌ها صعود کنیم و به زمین هبوط نماییم و به شرق و غرب برویم و خود را به عرش برسانیم و بر روی عرش بنشینیم و در محضر قرب الهی قرار بگیریم و همه چیز حتی آسمان و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و حیوانات و دریاها و بهشت و دوزخ از ما اطاعت کنند، و خداوند همه این‌ها را به برکت اسم اعظم خود به ما عطا نموده است، و با همه این فضائل ما [همانند دیگران] می‌خوریم و می‌آشامیم و در بازارها حرکت می‌کنیم و این کارها را به امر پروردگار خود انجام می‌دهیم، و ما بندگان مکرمون خداوند هستیم [و همانند ملائکه] تخلف از قول خدای خود نمی‌کنیم و به دستور او عمل می‌نماییم و خداوند ما را معصوم و پاک قرار داده. و ما را بر زیادی از بندگان خود فضیلت داده است، از این رو می‌گوییم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» (۱).

و کلمه عذاب بر کافران حق است، و مقصود من از کافران کسانی هستند که منکر فضائل و احسان خدا بر ما می‌باشند.

سپس فرمود: ای سلمان و ای اباذر آنچه گفتیم معنای معرفت به نورانیت من است، پس تو ای سلمان [و ای اباذر] به این نورانیت تمسک پیدا کنید تا به رشد و تعالی خود برسید، چرا که احدی از

ص: ۱۰۰

شیعیان ما به بصیرت و بینش [کامل] نمی رسد تا مرا به نوراتیت بشناسد و اگر مرا به این نوراتیت شناخت به بصیرت کامل رسیده و در دریایی از علم فرو رفته و به درجه عالی از فضیلت رسیده است، و بر سّری از اسرار خداوند اطلاع پیدا کرده و به خزائن رحمت او دست یافته است. (۱)

(نمونه، فی کتاب عتیق جمعه بعض)

مؤلف گوید: مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله علیه) پس از نقل روایت فوق جملاتی از آن را شرح نموده که برای اهل نظر بسیار مفید خواهد بود، و نویسنده تاکنون چنین روایتی را نیافته بودم.

۴- عدم کفر به طاغوت و عدم برائت و بیزاری از آنان نیز از مهم ترین اسباب جدائی از خاندان نبوت و اهل بیت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، چرا که خداوند می فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۲)

یعنی کسی که به حکومت طاغوت [یعنی حکومت ستمکاری و غاصبین خلافت و ظالمین به محمّد و آل محمّد (علیهم السلام)] کافر شود و به خدا ایمان بیاورد به عروه الوثقی و دستگیره محکم الهی تمسّک نموده که هرگز گسیخته و جدا نخواهد شد، و خداوند شنوا و دانا [ی به احوال مردم] می باشد.

و سپس فرمود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۳)

یعنی، تنها خدا [و رسول خدا و جانشینان او] ولی و حاکم و مولای مؤمنین هستند که آنان را از تاریکی ها [ی گناهان] خارج به نور [توبه] وارد می نمایند، و کسانی که کافر شدند اولیای آنان طاغوت می باشد، و طاغوت [ها] آنان را از نور ایمان خارج می کنند و به تاریکی های کفر داخل می نمایند (از این رو) آنان برای همیشه در آتش [معدّب] خواهند بود.

مؤلف گوید: از آیه اول استفاده می شود که ایمان به خداوند مسبوق به کفر به طاغوت است و همان گونه که توحید در «لا إله إلا الله» مسبوق به نفی هر معبود دیگری است، و امکان ندارد کسی موخّید باشد و بت پرست و آتش پرست و خورشید پرست و امثال این ها باشد، ایمان نیز بدون کفر به طاغوت، ایمان نیست و کسی که حاکمیت طاغوتی را پذیرفته باشد، مؤمن به خدا نخواهد بود، چنان که خداوند در آیه

ص: ۱۰۱

۱- بحار الانوار، ج ۲۶/۱ ح ۱.

۲- بقره/۲۵۶.

۳- بقره/۲۵۷.

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ» (۱) می فرماید: ای رسول من! آیا نمی بینی [و تعجب نمی کنی] از کار این گروهی که گمان می کنند به تو و قرآن تو و آنچه بر پیامبران قبل از تو نازل شده - مانند تورات و انجیل - ایمان آورده اند و با این وضعیتی می خواهند حاکمیت طاغوت [ها] را بپذیرند، در حالی که ما به آنان امر کردیم که باید به طاغوت [ها] کافر باشند [و هرگز حاکمیت آنان را نپذیرند و از آنان اطاعت نکنند؟!]

از این آیات روشن می شود که خداوند با مبالغه و تأکید فراوانی می فرماید: بین ایمان به خدا و به پیامبران و کتب آسمانی، و پذیرفتن حاکمیت طاغوت ها [یعنی حکومت های ستمگر و ظالمانه] منافات سختی وجود دارد، و جمع بین این دو چیز امکان پذیر نیست، و طاغوت ها همان حکام ستمگر زمان های پیامبران اند. از این رو صاحب تفسیر مجمع البیان از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل نموده که می فرمایند: مراجعه به هر حاکمی که از ناحیه خداوند نیست و به غیر حق حکم می کند، مراجعه به طاغوت است.

و ما توضیح این موضوع را در کتاب «دفاع از مقام ولایت» ذیل آیات فوق و روایت ابن حنظله و غیر آن بیان نمودیم خواننده محترم می تواند به آن مراجعه نماید.

۷- عدم اعتقاد به ولایت فقیه در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) نیز از اسباب جدائی از خاندان نبوت (علیهم السلام) می باشد، و اگر کسی در زمان غیبت امام زمان - طبق روایات فراوانی که معصومین و شخص امام زمان (علیهم السلام) فرموده اند، از فقیه جامع الشرائط اطاعت نکند و حاکمیت او را نپذیرد ناچار باید از حکام ستمگر و طاغوت های زمان خود اطاعت کند و حاکمیت آنان را بپذیرد در حالی که خداوند اطاعت از طاغوت و پذیرفتن حاکمیت او را حرام نموده و با ایمان به خود و پیامبران خود سازگار ندانسته است.

۶- عدم ایمان و عدم انتظار و آمادگی برای قیام آخرین امام از اوصیای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از اسباب جدائی از خاندان نبوت می باشد، چرا که ادله بی شماری در کتب شیعه و اهل تسنن وجود دارد که آخرین امام از فرزندان امام حسین (علیهم السلام) در آخرالزمان پس از غیبت طولانی

ص: ۱۰۲

قیام خواهد نمود و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد و این روایات متواتر است و صدور آن ها از معصومین (علیهم السلام) مسلم و قطعی می باشد.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (۱) می فرماید: ایمان به غیب اقرار به حقانیت قیام قائم (علیه السلام) است. (۲) (نمونه، من اقر بقیام القائم)

یحیی بن ابی القاسم گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: مقصود از «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» و مقصود از «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» شیعیان علی (علیه السلام) می باشند و مقصود از «غیب» حجت غائب است، و شاهد این معنا قول خداوند است که می فرماید: «وَقَوْلُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (۳) و خداوند عزوجل در این آیه خبر داده که مقصود از آیه «آيَةً مِنْ رَبِّهِ» غیب است و مقصود از غیب حجت خداست، چرا که خداوند عزوجل درباره عیسی و مادر او می فرماید: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً» (۴)

و مقصود از «آیه» حجت می باشد. (۵) (نمونه، و الغیب هو الحجه)

امام صادق (علیه السلام) نیز در تفسیر آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا» (۶)

فرمود: مقصود از «آیات» ائمه (علیهم السلام) هستند و آیه مورد انتظار، حضرت قائم (علیه السلام) است، و در آن روزی که او قیام می کند، ایمان کسی که قبل از قیام او با شمشیر، ایمان نیاورده بوده پذیرفته نیست، گر چه به پدران آن حضرت قبلاً ایمان آورده بوده است. (۷)

(نمونه، الآيات هم الأئمة - والآية المنتظرة)

۵- عدم معرفت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) نیز از اسباب جدایی از خاندان نبوت (علیهم السلام) می باشد. مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه گوید: معرفت به احوال و خصوصیات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) واجب است، و ایمان هیچ مؤمنی به آن حضرت صحیح نیست مگر آن که به احوال آن بزرگوار آگاهی داشته باشد، چنان که خداوند می فرماید: «إِلَّا مَنْ

ص: ۱۰۳

۱- - بقره/۳.

۲- - کمال الدین، ص ۱۷.

۳- - یونس/۲۰.

۴- - مؤمنون/۵۰.

۵- - همان، ص ۱۸.

٦- - انعام / ١٥٨.

٧- - همان.

و این آیه می گوید: صحت شهادت به حق به این است که شاهد به مشهود به علم و آگاهی داشته باشد، و ایمان به حضرت مهدی (علیه السلام) نیز برای مؤمن هرگز سودی ندارد، جز این که عارف به شأن او در حال غیبت او باشد، چرا که ائمه (علیهم السلام) از غیبت او خبر داده اند، و خصوصیات غیبت او را برای شیعیان خود بیان نموده اند و این خصوصیات را حدود دوست سال قبل از تولد و غیبت آن حضرت بیان نموده اند، و در کتاب ها نوشته شده است و مخالفین و دشمنان ما [با این که روایات مربوط به آن حضرت فراوان در کتاب هایشان نقل شده است] برای گمراه کردن عوام مردم مسأله غیبت آن حضرت را دلیل عدم وجود او مطرح نموده و می گویند: اگرچنین امامی وجود می داشت باید تاکنون ظاهر می شد [در حال که مسأله طول غیبت آن حضرت در روایات ما و آنان فراوان بیان شده است، تا جایی که معصومین (علیهم السلام) فرموده اند: غیبت او به قدری طولانی می شود که اکثر کسانی که اعتقاد به امامت او داشته اند، ناامید می شوند و منکر وجود او می گردند]

سپس مرحوم صدوق درباره حضرت مهدی (علیه السلام) و حکمت غیبت آن حضرت و غیبت های پیامبران (علیهم السلام) و کسانی که آن بزرگوار را دیده اند و سخنانی از او شنیده بلکه معجزاتی از او دیده اند را بیان می فرماید و ما نیز در کتاب «دوله المهدی» و کتاب «بشارت های مهدی» این موضوع را با بیان روشن بیان نمودیم، و من به طور اجمال بیاد دارم که در روایتی آمده بود: اگر مردم در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام)، آگاهی از خصوصیات و علائم ظهور آن حضرت نداشته باشند دزدان دین، آنان را گمراه خواهند نمود. (۲)

(نمونه، وجوب معرفه المهدی)

۸- عدم انتظار و آمادگی برای ظهور امام زمان (علیه السلام) نیز دلیل بر دوری از خاندان نبوت (علیهم السلام) است و از روایات استفاده می شود که یکی از شرائط قبولی اعمال، انتظار فرج حضرت قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای ما دولت و حکومتی خواهد بود و خداوند ان شاء الله در آینده آن را آماده خواهد نمود. سپس فرمود: کسی که دوست می دارد از اصحاب و یاران حضرت قائم (علیه السلام) باشد، باید اهل تقوا و ورع و اخلاق نیک باشد، تا بتواند منتظر آن حضرت باشد، چنین کسی اگر قبل از قیام امام خود بمیرد، پاداش کسی را خواهد داشت که او را درک کرده است.

ص: ۱۰۴

۱- - زخرف/ ۸۴.

۲- - کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۹.

سپس فرمود: پس شما باید [در بندگی و اطاعت خدا و رعایت تقوا] بکوشید. منتظر قیام امام خود باشید. (۱)

(نمونه، إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيئُ اللَّهُ)

آزار به محمد و آل محمد (عليهم السلام)

قال الله سبحانه: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» و قال سبحانه: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا كُتِبَ لَكُمْ أَنْ تَأْتُوا بِهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مُمِينَاتٌ» (۲)

مؤلف گوید: دو آیه فوق را اگر کنار سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمود: «فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله» (۳)

و سخنان فراوان دیگری که به این معنا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره امیرالمؤمنین و ائمه بعد از آن حضرت بیان نمودند بگذاریم، نتیجه می شود که غاصبین خلافت در دنیا و آخرت مورد لعنت خداوند هستند، و خداوند برای آنان عذاب خوارکننده ای را آماده کرده است، چرا که آنان غیر از آزارهای فراوانی که در حق خاندان نبوت روا داشتند، «اِحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَ اِثْمًا مُبِينًا» یعنی آنان به ناحق و با افترا و تهمت و گناه آشکار، خلافت را حق خود دانستند، و خاندان نبوت را از حق مسلمی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای آنان قرار داده بود، محروم نمودند ... بس کن که سخن به درازا می کشد.

مرحوم علامه حلّی در کتاب قواعد گوید: ادب اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان آنان، لعن و دشنام به غاصبین خلافت نیست، چنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین هنگامی که شنید دو نفر از اصحاب او مانند حُجر بن عدی و عمرو بن حَمِق به اهل شام لعنت می کنند و از آنان براءت و بیزاری می جویند، آنان را خواست و فرمود: از این عمل خودداری کنید.

آنان گفتند: یا امیرالمؤمنین! مگر ما بر حق نیستیم؟ فرمود: آری. گفتند: مگر آنان بر باطل نیستند؟ فرمود: لاری، گفتند: پس برای چه شما ما را دشنام به آنان منع می کنید؟ فرمود: خوش ندارم شما اهل لعنت و دشنام و بیزاری [علنی] از آنان باشید، لکن اگر اعمال ناپسند و روش نادرست شان را مطرح کنید، بهتر و مؤثرتر خواهد بود، و اگر به جای لعنت و دشنام و براءت، بگوئید: «اللهم احقن دماءنا و

ص: ۱۰۵

۱- کتاب الغیبه للنعمانی، ص ۲۰۰.

۲- احزاب ۵۸-۵۷.

۳- المجموع، ج ۲۰/۲۴۴.

دماءه و أصلح ذات بیننا و بینهم و اهدهم ... یعنی خدایا ما و آنان را از ریختن خون همدیگر حفظ کن، و بین ما و آنان را اصلاح کن، و آنان را از ضلالت و گمراهی نجات ده و هدایت فرما، تا حق را بشناسند و از باطل و گمراهی و ظلم پرهیز نمایند، نزد من محبوب تر می باشد و خیر شما خواهد بود. پس آن دو نفر گفتند: یا امیرالمؤمنین ما نصیحت شما را پذیرفتیم و به آن عمل خواهیم نمود. (۱)

(نمونه، ادب ائمه اهل البیت)

مرحوم علامه حلی در کتاب قواعد گوید: یا امیرالمؤمنین ما نیز موعظه و ادب شما را می پذیریم و به شما عمل خواهیم نمود. سپس گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) جز این چه کاری می توانست انجام بدهد؟ با آن خون دل ها و غصه هایی که بیایی بر قلب او وارد کردند، و فرمود: صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی اری تراشی نهباً ... (۲) تا این که گوید: چه کنند امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم او (علیهم السلام) و علمای ریّانی شیعه که پیرو آنان هستند، و با مردمی که در سرکشی و خروج از دین به جایی رسیده اند که خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت نموده است؟!

سپس گوید: ای خواننده محترم، تو را به خدا سوگند، آیا خداوند در قرآن نمی فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا» (۳) و آیا امام بخاری آنان را که از اعلام آنان است در صحیح بخاری [به گمان آنان] از پیامبران خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نکرده که فرمود: «فاطمه بضعه منی فمن أغضبها أغضبنی»؟ (۴)

و آیا امام بخاری در صحیح خود روایت نکرده که حضرت فاطمه (علیها السلام) بر آن دو نفر خشم نمود و با آن ها سخن نگفت تا از دنیا رحلت نمود؟ (۵)

در کتاب امالی صدوق روایت مفصّلی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که در بخشی از آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره اهل بیت خود می فرماید: «إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي

ص: ۱۰۶

۱- - احقاق الحق، ج ۱/۶۲.

۲- - نهج البلاغه، ج ۱/۳۱.

۳- - احزاب/۵۷.

۴- - صحیح بخاری، ج ۵/۳۶.

۵- - صحیح بخاری، ج ۴/۹۶۸/۱۸۵.

فمن آذاهم آذانی و من ظلمهم ظلمنی، و من أذلهم أذلنی، و من أعزهم أعزنی، و من أكرمهم أكرمني، و من نصرهم نصرنی، و من خذلهم خذلنی، و من طلب الهدی فی غیرهم فقد كذبنی ... (۱)

یعنی علی و فاطمه و فرزندان آنان (علیهم السلام) اهل بیت من هستند، و کسی که آنان را بیازارد، مرا آزار نموده، و کسی که به آنان ظلم کند، به من ظلم کرده است، و کسی که آنان را خوار کند، و از آنان حمایت نکند، مرا خوار نموده، و کسی که آنان را عزیز بدارد، مرا عزیز داشته است، و کسی که به آنان اکرام و احسان و احترام کند، به من اکرام نموده است، و کسی که آنان را یاری کند، مرا یاری کرده است، و کسی که آنان را یاری نکند، مرا یاری نکرده است، و کسی که از غیر آنان هدایت طلب کند [و دین خود را از غیر آنان بگیرد] به راستی مرا تکذیب نموده است.

سپس فرمود: ای مردم از خدا بترسید و فکر کنید در قیامت جواب مرا چه خواهید داد؟ چرا که من با کسانی که به اهل بیت من آزار نموده باشند دشمن خواهم بود و خصمانه با آنان برخورد خواهم کرد. سپس فرمود: «أقول قولي و أستغفر الله لي و لكم» (۲)

(نمونه، انی مقبوض - یا معشر المؤمنین)

آزار به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

مرحوم ابوالفتح کراچکی صاحب کتاب «التعجب» گوید: از عجائب این است که اهل تسنن اعتراف دارند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خداوند به خاطر غضب فاطمه (علیها السلام) غضب می کند و به خاطر خشنودی او خشنود می شود» و فرمود: «فاطمه پاره تن من است، هر چه او را به درد آورد، مرا به درد آورده است، و فرمود: کسی که فاطمه را بیازارد، مرا آزرده است، و کسی که مرا بیازارد خدا را آزرده است. و با توجه به این روایات آنان یقین و اتفاق دارند و می گویند: «ابابکر فاطمه (علیها السلام) را به درد آورد و آزار نمود و خشمگین کرد و نمی گویند: به او ظلم کرده و فدک را از او غصب کرد و به او نداد، و ادعا می کنند که فاطمه (علیها السلام) به باطل ادعای فدک را نمود و نمی گویند: ابوبکر کسی را به خشم آورد که خداوند به خاطر خشم او خشم می کند، و نمی گویند: ابوبکر کسی را به درد آورد که پاره تن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، و کسی را آزار نمود که آزار به او آزار به خدا و رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) بود؟! و توجه نمی کنند که خداوند می فرماید: «إِنَّ

ص: ۱۰۷

۱- - امالی صدوق، ص ۱۲۲.

۲- - امالی صدوق، ص ۱۲۲- بشاره المصطفی، ص ۱۶- بحار الانوار، ج ۳۸/۹۴.

الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (۱) آیا این جز تأیید و تصویب ظالم و تهوّر و جرأت بر انجام ظلم است؟!

در کتاب شواهد التنزیل از زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) نقل شده که او موی خود را گرفته بود و می گفت: پدرم علی بن الحسین موی خود را گرفته بود ... و امیرالمؤمنین (علیه السلام) موی خود را گرفته بود و می فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) موی خود را گرفته بود و فرمود: هر کس به یک موی من آزار رساند، به من آزار رسانده است، و هر کس به من آزار رساند، به خداوند آزار رسانده است، و هر کس به خدا آزار رساند، خداوند به اندازه گنجایش آسمان ها و زمین او را لعنت خواهد نمود، و هیچ عمل واجب و مستحبی را از او قبول نخواهد کرد. (۲) (نمونه، من آذی شعره منی)

حدیث فوق در تعدادی از کتب اهل سنت مانند شواهد التنزیل حسکانی و تاریخ دمشق ابن عساکر و کشف الغمّه اربلی و ینابیع المودّه قندوزی نقل شده است و در کتب شیعه نیز فراوان نقل شده مانند عیون اخبار الرضا و امالی صدوق و امالی شیخ طوسی و دلائل الإمامه طبری و بحار الأنوار مجلسی و مستدرک السفینه نمازی و ...

مؤلف گوید: با توجه به حدیث فوق باید مردم از ظلم به آل محمد و ذریه آن حضرت بترسند. ولا حول و لا قوه إلا بالله.

ناله حضرت فاطمه (علیها السلام) در قیامت

در کتاب ثواب الأعمال از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: هنگامی که قیامت برقرار می شود فاطمه (علیها السلام) با گروهی از زن های منسوب به او وارد قیامت می شود، و به او گفته خواهد شد: داخل بهشت شو، و او می گوید: داخل بهشت نمی شوم تا بدانم بعد از من با فرزندم (حسین) چه شده است؟

از این رو به او گفته می شود: به قلب قیامت بنگر، و چون می نگرد، حسین خود را می بیند که ایستاده است و سر در بدن او نیست، پس ناله ای می زند، و من نیز به خاطر ناله او ناله ای می زنم، و ملائکه نیز به خاطر ناله [جان سوز] او ناله می زنند، و در آن هنگام خدای عزوجلّ خشم می کند، و به آتشی که به آن هَبَّهَب می گویند - و هزار سال بر آن دمیده شده تا سیاه شده است، و هرگز نسیمی داخل آن نمی شود و

ص: ۱۰۸

۱- احزاب/۵۷.

۲- شواهد التنزیل، ج ۲/۱۴۲.

غم و اندوهی از آن خارج نمی شود - دستور می دهد و می فرماید: بگیر قاتلین حسین و حاملان قرآن را [که در جنگ با قرآن بوده اند] و آن آتش آنان را فوراً می رباید و در چاندان خود قرار می دهد و چون در حوصله و چاندان او قرار می گیرند و او شیهه و فریاد می کشد و از جا می پرد آنان نیز شیهه و فریاد می کنند و با زبان فصیح می گویند: پروردگارا چه شده که ما را قبل از بت پرستان به آتش بردی؟! و از ناحیه خداوند جواب می آید: کسی که می دانسته مانند کسی نیست که نمی دانسته است [یعنی شما به خوبی می دانستید که فرزند پیابر خود را می کشید]. (۱) (نمونه، فتصرخ صرخه - و اصرخ لصرخها)

و در مثیرالأحزان ابن نمای حلی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: روز قیامت فاطمه (علیها السلام) در بین جماعتی از زن های بنی هاشم وارد قیامت می شود، و چون به او گفته می شود داخل بهشت گردد، می گوید: داخل بهشت نمی شود تا بدانم با فرزندم حسین چه کردند؟ پس به او گفته می شود: نگاه کن. و چون نگاه می کند و حسین خود را بدون سر می بیند، ناله ای می زند، و من نیز به خاطر او ناله ای می زنم و ملائکه نیز به خاطر ناله ما ناله می زنند، و خداوند غضب می نماید و به آتشی که به آن هبهب گفته می شود - و هزار سال در آن دمیده شده تا سیاه گردیده است و هرگز نسیمی داخل آن نمی شود و غم و اندوهی از آن خارج نمی گردد - گفته می شود: قاتلین حسین را بگیر. و چون آتش آنان را در خود جای می دهد ... آنان با زبان فصیح می گویند: پروردگارا تو قبل از بت پرستان ما را به آتش بردی؟ و جواب می آید: کسی که می دانسته مانند کسی نیست که نمی دانسته است. (۲) (نمونه، فتصرخ)

ورود فاطمه (علیها السلام) به صحرای محشر

مرحوم شیخ مفید در کتاب امالی با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده که فرمود: هنگامی که خداوند در قیامت اولین و آخرین را جمع می کند، و دستور می دهد تا منادی ندا کند: «ای اهل محشر چشمان خود را به زیر اندازید، و سرهای خویش را پائین بیاورید تا فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از صراط عبور نماید» پس همه خلائق چشمان خود را پایین می اندازند، و فاطمه (علیها السلام) در حالی که سوار بر مرکب بهشتی است، و هفتاد هزار ملک او را مشایعت می کنند،

ص: ۱۰۹

۱- - ثواب الاعمال، ص ۲۱۷.

۲- - مثیرالأحزان، ص ۶۳

بر موقف شریفی از مواقف قیامت قرار می گیرد، و سپس از مرکب خود پایین می آید، و پیراهن حسین خود را که آمیخته به خون است به دست می گیرد و می گوید:

«خدایا این پیراهن فرزند من است و تو می دانی این مردم با او چه کردند؟» پس از ناحیه خداوند به او ندا می رسد: «خشنودی تو را می خواهیم» فاطمه (علیها السلام) می گوید: خدایا انتقام مرا از قاتل او بگیر، و خداوند متعال دستور می دهد تا قطعه ای از آتش جهنم خارج شود و قاتلین حسین (علیه السلام) را بگیرد، و به دوزخ برود تا به انواع عذاب ها معذب شوند.

و سپس حضرت فاطمه (علیها السلام) بر مرکب خود سوار شود، و ملائکه او را تشییع می کنند، و ذریه و دوستان او در طرف راست و چپ او قرار دارند وارد بهشت می شوند. (۱)

(نمونه، غصوا ابصار کم)

صاحب کتاب تأویل الآیات گوید: ابو جعفر محمد بن بابویه (معروف به صدوق) در تفسیر آیه «...الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (۲)

با سند خود از ابوذر نقل نموده که گوید: من سلمان و بلال را دیدم که نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و سلمان خود را بر روی قدم های آن حضرت انداخت، و قدم های او را بوسید، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را از این کار منع نمود و فرمود: ای سلمان کاری که عجم ها در مقابل پادشاهان انجام می دهند، در مقابل من انجام مده، همانا من بنده ای از بندگان خدا هستم و مانند بنده ها غذا می خورم و مانند آنان می نشینم. سلمان گفت: یا رسول الله شما را به خدا فضائل فاطمه (علیها السلام) را در قیامت برای من بیان کنید؟ ابوذر می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با شنیدن این سؤال شاد و خندان شد و فرمود: به خدا سوگند فاطمه (علیها السلام) زنی است که در عرصه قیامت بر ناقه ای سوار می شود، که سر آن «خشیه الله» است و چشمان آن از «نور الله» است، و پاهای آن از «جلال الله» است و گردن آن از «بهاء الله» و سنام آن از «رضوان الله» است و دم آن از «قدس الله» است، و قوائم آن از «مجد الله» است و چون راه می رود تسبیح خدا را می گوید، و چون می خوابد تقدیس خدا را می کند، و هودجی از نور بر او قرار دارد، و در آن هودج جاریه انسیه حوریه عزیزه ای مانند حضرت زهرا (علیها السلام) قرار دارد که خلقت او از سه چیز به وجود آمده است، اول آن از مشک اذفر و وسط آن از عنبر اشهب، و آخر آن از زعفران احمر است، و با آب حیوان عجین

ص: ۱۱۰

۱- - امالی مفید، ص ۱۳۰.

۲- - فاطر/ ۳۵-۳۴.

شده است و اگر آب دهان خود را در هفت دریای شور بریزد، شیرین خواهد شد، و اگر ناخن کوچک خود را خارج کند، مقابل دنیا قرار بدهد، خورشید و ماه را می پوشاند و جبرئیل در طرف راست اوست، و میکائیل در طرف چپ اوست، و علی (علیه السلام) مقابل اوست و حسن و حسین (علیهما السلام) پشت سر او هستند، و خداوند نگهدار و حافظ اوست.

پس او با همراهانش به عرصه قیامت وارد می شود، و از ناحیه خداوند جلّ جلاله ندا می رسد: ای جماعت خلائق چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به زیر اندازید، این فاطمه دختر محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر شما و همسر علی امام شما، و مادر حسن و حسین می باشد، سپس از صراط عبور می کند و چون داخل بهشت می شود و به نعمت ها و کرامت هایی که خداوند برای او آماده نموده نگاه می کند، و می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ الَّذِي أَدَّهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (۱) (۲)

(نمونه، غَضُّوا ابصاركم)

در این معنا شعرای عرب اشعاری سروده اند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

توافی فی النشور علی نجیب

به أملاك ربك محققونا

و يُسمع من خلال العرش صوت

ینادی و الخلائق شاخصونا

ألا إنَّ البتول تجوز فيكم

فغضوا من مهايتها العيوننا

و قال البوشنجی:

قال النبی المصطفی فیما روی

عنه علی و هو نور یقبس

نادی منادی من وراء الحجب فی

یوم القیامه و الخلائق ارکسوا

هاتیک فاطمه سليله أحمد

تهوى تجوز على الصراط و نكسوا

و قال آخر: وقف النداء فى موضع عبرت

فيه البتول: عيونكم غصوا

فتغصّ و الأبصار خاشعه

و على بنان الظالم العصّ تسوّد

حينئذٍ وجوه اهل الحق تبيّض (٣)

(نمونه، غصوا ابصاركم)

ص: ١١١

١ - فاطر/٣٥-٣٤.

٢ - تأويل الآيات، ج ٢/٤٨٥.

٣ - مناقب ابن شهر آشوب، ج ٣/١٠٨.

همان گونه که در بحث گذشته گفتیم: آزار به فاطمه (علیها السلام) سبب جدایی از محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، اکنون می گوئیم آزار به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز چنین است، چرا که خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (۱)

و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز می فرماید: «من آذى علياً آذاني و من آذاني فقد آذى الله، و من آذى الله يوشك أن ينتقم منه» چنان که فرمود: «من أحبّ علياً فقد أحبّ الله، و من أحبّني فقد أحبّ الله» و در جنگ با بنی ولیع فرمود: «لأبعثنّ إليهم رجلاً كنفسي يحبّ الله و رسوله و يحبّ الله و رسوله، قم يا علي فسير إليهم».

و در قصه خیر نیز فرمود: «لأبعثنّ إليهم غداً رجلاً يحبّ الله و رسوله و يحبّ الله و رسوله كزاراً غير فزارٍ لا يرجع حتّى يفتح الله عليه» (۲) و در جنگ خندق نیز همین گونه فرمود.

در کتب اهل سنت نیز فراوان نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من آذى علياً فقد آذاني» (۳)

ابن بطریق در کتاب عمده با سند خود از بریده نقل کرده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خداوند از بین اصحاب من چهار نفر را دوست می دارد و به من امر نموده که آنان را دوست بدارم» اصحاب گفتند: یا رسول الله آنان کیانند؟ فرمود: علی (علیه السلام) از آنان می باشد. (۴)

و در همان کتاب از عروه بن زبیر نقل کرده که گوید: مردی نزد عمر از علی (علیه السلام) بدگویی نمود، و عمر به او گفت: آیا تو صاحب این قبر را می شناسی؟ [و مقصود او قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود] سپس گفت: صاحب این قبر محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب است، و علی بن ابیطالب نیز فرزند عبدالمطلب است، پس تو علی را جز به خوبی یاد مکن، و اگر او را دشمن بداری صاحب این قبر را آزار کرده ای. (۵)

(نمونه، فلا تذکر علیاً إلّا بخیر)

ص: ۱۱۲

۱- - احزاب/۵۷.

۲- - تحف العقول، ص ۴۵۹.

۳- - عمده ابن بطریق، ص ۲۷۶.

۴- - همان، ح ۴۴۲.

۵- - عمده ابن بطریق، ص ۲۷۷ ح ۴۴۳.

و از بریده نیز نقل نموده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند مرا امر نموده که چهار نفر را دوست بدارم.

بریده گوید: شریک می گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند به من فرمود: من آنان را دوست می دارم سپس فرمود: علی (علیه السلام) از آنان است، علی از آنان است، و آن سه نفر دیگر سلمان و ابوذر و مقداد می باشند. (۱)

(نمونه، محبّ اربعه من اصحابی)

مرحوم دیلمی در ارشادالقلوب با سند خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: ما خانواده ای هستیم که احدی از بندگان خدا با ما مقایسه نمی شود، و کسی که ولایت ما را بپذیرد و به ما اقتدا کند، و آنچه از ناحیه خداوند به ما وحی شده است و ما به او تعلیم نموده ام را بپذیرد، و امر خدا را درباره ما اطاعت کند، ولایت خدا را پذیرفته است، چرا که ما بهترین خلق خدا هستیم، و فرزندان ما و شیعیان ما از ما می باشند، و کسی که آنان را آزار کند ما را آزار نموده است، و کسی که به آنان اکرام و احسان نماید، به ما اکرام و احسان نموده است، و کسی که به ما اکرام کند اهل بهشت خواهد بود. (۲)

(نمونه، لا یقاس بنا احد)

در کتاب عیون اخبارالرضا (علیه السلام) از زید بن علی بن الحسین (علیهما السلام) نقل شده که او محاسن خود را گرفته بود و می گفت: پدرم علی بن الحسین (علیهما السلام) در حالی که محاسن خود را گرفته بود گفت: پدرم حسین بن علی (علیهما السلام) در حالی که محاسن خود را گرفته بود گفت: پدرم علی بن ابیطالب (علیهما السلام) در حالی که محاسن خود را گرفته بود گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که محاسن خود را گرفته بود فرمود: کسی که به یک تار موی من اذیت کند، مرا اذیت نموده است، و کسی که مرا اذیت کند خدای عزّوجلّ را اذیت نموده است، و کسی که خدای عزّوجلّ را اذیت نماید، خداوند به اندازه ظرفیت آسمان و زمین او را لعنت می نماید. (۳) (نمونه، فقد آذانی)

علقمه گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای علقمه، چه قدر عجیب است سخنان مردم درباره علی (علیه السلام) و چه قدر فاصله است بین کسی که می گوید: او «ربّ معبود» است و کسی که می گوید: او «عبد عاصّ للمعبود» و برای علی (علیه السلام) نسبت «عصیان ربّ» آسان تر از نسبت ربوبیت

ص: ۱۱۳

۱- - عمده، ص ۲۷۷ ح ۴۴۵- فضائل الصحابه ابن حنبل، ج ۲/۶۸۹ ح ۱۱۷۶.

۲- - بحارالانوار، ج ۶۵/۴۵ از ارشادالقلوب.

۳- - عیون، ج ۲/۲۲۶ ح ۳.

بود. سپس فرمود: ای علقمه، آیا این مردم درباره خدای عزوجل نگفتند: «اینه ثالث ثلاثه» و آیا خدای خود را تشبیه به مخلوق نکردند؟ آیا نگفتند: او فلک است، و او جسم است و او دهر است، و او صورت است؟ در حالی که خداوند منزّه از همه این چیزها می باشد؟! (۱)

(نمونه، اقاویل الناس)

ابن مغزلی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نقل نمود که فرمود: «ای مردم هر کس علی (علیه السلام) را اذیت کند مرا اذیت نموده است، و روز قیامت خداوند او را یهودی و یا نصرانی محشور می کند. پس جابر انصاری گفت: یا رسول الله! گر چه شهادت به یگانگی خداوند و رسالت شما داده باشد؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: ای جابر، شهادت آنان به یگانگی خدا و رسالت من، برای این است که خونشان ریخته نشود، و اموالشان گرفته نشود، و از آنان جزیه و مالیات دریافت نشود [و گرنه آنان اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت من ندارند]. (۲)

(نمونه، من آذی علیاً فقد آذانی)

و در کتاب مناقب محمد بن سلیمان کوفی نیز از ابن عباس نقل شده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: هر کس علی (علیه السلام) را اذیت کند به راستی مرا اذیت نموده است، چرا که او قبل از همه شما ایمان آورد، و به پیمان و عهد الهی بهتر از همه شما وفا نمود.

سپس فرمود: ای مردم، کسی که علی (علیه السلام) را آزار کند روز قیامت یهودی و یا نصرانی محشور می شود گر چه خدا را عبادت کرده باشد. (۳) (نمونه، من آذی علیاً فقد آذانی)

و در شرح الاخبار قاضی نعمان مغربی از ابی رافع نقل شده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) علی (علیه السلام) را امیر گروهی قرار داد و به یمن فرستاد و همراه آنان مردی از قبیله اسلم به نام عمرو بن شاس را فرستاد و عمرو بن شاس چون از یمن بازگشت، علی (علیه السلام) را ملامت می کرد و از او شکایت می نمود، و چون این خبر به گوش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) رسید، و او را خواست و به او فرمود: آیا علی درباره حکمی از احکام الهی ظلمی نمود و یا در قسمت اموال خلاف عدالتی داشت؟ عمرو بن شاس گفت: خدا داند که چنین کارهایی را او نکرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: پس برای چه تو از او انتقام می جوئی و بد گوئی می کنی؟! عمرو بن شاس گفت: به

ص: ۱۱۴

۱- - امالی صدوق، ص ۱۶۳ ح ۱۶۳/۳.

۲- - شرح اصول کافی، ج ۷/۵۶.

۳- - مناقب امیرالمؤمنین از محمد بن سلیمان کوفی، ص ۵۴۹.

خاطر آن کینه و دشمنی که از او در دل دارم نمی توانم از او بدگوئی نکنم. ابورافع گوید: در این هنگام رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) خشمگین شد و رنگ صورت مبارک او تغییر نمود و ما غضب را در صورت او مشاهده نمودیم و سپس فرمود: دورغ می گوید کسی که به من می گوید: «من تو را دوست می دارم» در حالی که علی را دشمن می دارد. و فرمود: کسی که با علی دشمن باشد با من دشمن خواهد بود، و کسی که با من دشمن باشد با خدا دشمن خواهد بود، و کسی که علی را دوست بدارد، مرا دوست داشته است، و کسی مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. (۱)

(نمونه، من آذی علیاً فقد آذانی)

آزار به اهل بیت رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)

تردید نیست که آزار اهل البیت(علیهم السلام) بلکه آزار به ذریه پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) سبب گمراهی و هلاکت دوری از خدا و رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) خواهد بود، چنان که محبت و احترام و صله ی به آنان بلکه نگاه از روی محبت و اعتقاد به آنان، از اسباب نجات می باشد، و ذریه تنها ائمه ی اهل البیت(علیهم السلام) نیستند بلکه جمیع ذریه ی پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) باید مورد احترام و اعزاز و تکریم باشند، و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) ضمانت نموده که هر کس در دنیا به ذریه او اکرام و احسانی بکند در قیامت آن حضرت او را از آن سختی ها نجات بدهد و شفیع او باشد، و در این موضوع روایات فراوانی نقل شده و ما به گوشه ای از آن ها اشاره می کنیم و از خداوند توفیق عمل به این روایات را خواستاریم.

مرحوم صدوق در کتاب امالی با سند خود از حسین بن خالد نقل می کند که گوید: حضرت رضا(علیه السلام) فرمود: «نگاه به ذریه ما عبادت است» به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا آیا نگاه به امامان از شما خانواده عبادت است؟ و یا نگاه به جمیع ذریه ی پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است؟ حضرت رضا(علیه السلام) فرمود: بلکه نگاه به همه ذریه پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است. (۲)

(نمونه، الی ذریتنا عباده - الی جمیع ذریه)

و در همان کتاب از امام صادق از پدران او رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: هنگامی که من به «مقام محمود» برسم از اصحاب کبائر امت خود شفاعت خواهم نمود، و

ص: ۱۱۵

۱- شرح الأخبار، ج ۱/۱۵۳ ح ۹۸ و ۹۹.

۲- امالی صدوق، ص ۳۶۹ ح ۴۶۱/۲

خداوند شفاعت من را می پذیرد، و به خدا سوگند در آن روز من از کسی که به ذریه من آزار نموده باشد، شفاعت نخواهم نمود. (۱)

(نمونه، آذی ذریتی)

و فرمود: هر کس به تار موئی از من آزار کند، به من آزار نموده و هر کس به من آزار کند، به خدای عزوجل آزار نموده است، و کسی که به خدا آزار نماید، خداوند به اندازه ظرفیت آسمان و زمین او را لعنت می کند. و فرمود: هر کس بخواهد به من توسل پیدا کند، و من در قیامت برای او شفاعت کنم، باید به اهل بیت من صله و احسان نماید، و آنان را مسرور کند.

و فرمود: کسی که به یکی از اهل بیت من در دنیا به اندازه قیامتی احسان کند، من در قیامت به اندازه قنطاری به او پاداش خواهم داد. (۲) (نمونه، آذی ذریتی - من آذی شره منی)

آزار به شیعیان محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

شیعه در لسان معصومین (علیهم السلام) مقام بلندی دارد تا جایی که بعد از آن بزرگواران مقامی بالاتر از مقام شیعه نیست بلکه آنان شیعه را از خود دانسته اند و بقیه مردم را مساوی با مگس و پشه قرار داده اند و از این تشبیه به دست می کند که شیعه در این روایات به معنای خاص خود نیست، و شامل گنهکاران از آنان نیز می شود و معنای خاص آن مخصوص افراد با تقوا و متعبّد و مقیّد به رعایت همه واجبات و محرمات می باشد، مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و برخی از اصحاب امیرالمؤمنین و ائمه دیگر (علیهم السلام).

مرحوم صدوق در کتاب معانی الأخبار با سند خود از معمر بن خثیم از محمد بن علی بن علی (علیهما السلام) نقل نموده که فرمود: ما عرب هستیم و شیعیان ما از ما هستند و بقیه مردم: همج و هبج هستند، معمر گوید: گفتم: همج چیست؟ فرمود: همج ذباب یعنی مگس است. گفتم: هبج چیست؟ فرمود: بق [یعنی پشه] است. (۳) (نمونه، و شیعتنا منّا)

و در روایت دیگری آمده که حضرت عسکری (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «فإنّ موالینا و شیعتنا منّا و کلّنا کالجسد الواحد...». (۴)

(نمونه، و شیعتنا منّا)

ص: ۱۱۶

۱- - امالی صدوق، ص ۳۷۰ ح ۴۶۲/۳ - بحار ج ۹۶/ص ۲۱۸ ح ۴.

۲- - روضه الواعظین، ص ۲۷۳.

۳- - معانی الأخبار، ص ۴۰۴ ح ۲.

۴- - وسائل الشیعه، ج ۹/۲۲۹ ح ۹/۶/۱۱۹۰۴.

مفضّل گوید: امام صادق (علیه السلام) ضمن سخنان مفصّلی در مذمت از ابوالخطاب فرمود: به ابوالخطاب [رهبر غلاه] و اصحاب او بگو: إِنَّا مخلوقون و عباد مربوبون و لكن لنا من ربنا منزله لم ينزلها أحد غيرنا و لا تصلح إلّا لنا، و نحن من نور الله و سيعتنا منّا، و سایر الخلق في النار ... (۱).

صاحب ارشادالقلوب با سند خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نقل نمود که به علی (علیه السلام) فرمود: ما اهل بیته هستیم که احدی از بندگان خدا با ما مقایسه نمی شود، و هر کس ولایت ما را پذیرفته و به ما اقتدا کرده، و آنچه از ناحیه خداوند به ما وحی شده است را پذیرفته باشد، و ما به او احکام خدا را تعلیم نموده باشیم، و امر خدا را درباره ما اطاعت کرده باشد، به راستی او ولایت خدا را پذیرفته، و [می داند که] ما بهترین خلق خدا هستیم، و فرزندان ما و شیعیان ما از ما هستند، و کسی که آنان را اذیت کند، ما را اذیت نموده، و کسی که آنان را اکرام و احترام کند، به ما اکرام و احترام نموده است، و کسی که به ما اکرام و احترام کند، اهل بهشت خواهد بود. (۲).

(نمونه، و شیعتنا منّا)

عمر بن ابی المقدام گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: آیه «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ (یعنی فی قبره) وَ جَنَّةٌ نَعِيمٌ» درباره ما اهل ولایت ما نازل شده است، و آیه «وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ (یعنی فی قبره) وَ تَصْلِيَةٌ جَحِيمٌ» (۳).

یعنی فی الآخرة، درباره دشمنان ما نازل شده است. (۴) (نمونه، نزلت هاتان الآيتان)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود: جبرئیل (علیه السلام) به من گفت: خداوند می فرماید: «من أهان ولياً فقد بارزني بالمحاربة ... یعنی هر کس به ولیّی از اولیای من اهانت کند به جنگ با من برخاسته است. (۵).

(نمونه، من اهان ولياً)

و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نقل شده که فرمود: خداوند تبارک و تعالی می فرماید: وای بر کسی که به ولیّی از اولیای من اهانت کند، و هر کس به ولیّی از اولیای من اهانت کند، به جنگ با من برخاسته است، و آیا کسی که به جنگ با من قیام می کند پیروز می شود و یا می تواند مرا از پا

ص: ۱۱۷

۱- - خاتمه المستدرک، ج ۴/۱۲۸.

۲- - بحار الانوار ج ۴۵/۶۵.

۳- - واقعه/۹۴-۸۸.

۴- - امالی صدوق، ص ۵۶۱.

۵- - علل الشرایع، ج ۱/۱۲ ح ۷.

در آورد؟! در حالی که من انتقام اولیای خود را از دشمنانشان در دنیا و آخرت می گیرم. (۱)

(نمونه، من اهان ولئاً فقد حاربنی)

در صحیححه هشام بن سالم آمده که گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: باید آماده جنگ با من باشد کسی که بنده مؤمن مرا اذیت می کند، و باید خود را از غضب من ایمن بداند کسی که بنده مؤمن مرا اکرام و احترام می کند. (۲)

(نمونه، من اکرم عبدی)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که برادر مسلمان خود را در مجلسی احترام و اکرام کند، و یا با کلمه ای او را مورد لطف خود قرار بدهد،

و یا حاجت او را برآورده کند، همواره زیر سایه ملائکه رحمت خدا خواهد بود. (۳)

(نمونه، من اکرم اخاه المسلم)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: خداوند به موسی بن عمران وحی نمود: برخی از بندگان من با یک عمل نیک به من تقرب پیدا می کنند و من او را در بهشت قرار می دهم. حضرت موسی عرض کرد: خدایا آن عمل نیک چیست؟ خطاب شد: مؤمنی را شاد می کند. (۴) (نمونه، من اکرم اخاه المسلم)

مؤلف گوید: روایات دربارها آزار و یا احسان و اکرام به برادران مؤمن بی شمار است و با جمله «من اکرم» «من اهان» قابل جستجو می باشد.

ص: ۱۱۸

۱- - مستدرک الوسائل، ج ۹/۱۰۲.

۲- - مجمع الفائده ج ۱۲/۳۵۷ - محاسن، ج ۱/۹۷.

۳- - کتاب المؤمن، ص ۵۲ ح ۱۲۸.

۴- - همان، ص ۵۲ ح ۱۲۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

